

ایرانیان در کتاب مقدس

PERSIANS IN THE BIBLE

نویسنده: الن هانتزینگر

Author: Allyn Huntzinger

ایرانیان در کتاب مقدس

Persians in the Bible

نویسنده: الن هانتزینگر

Author: Allyn Huntzinger

انتشارات خدمات جهانی فارسی زبان

Persian World Outreach, Inc. Publication

Email: pwo1998@gmail.com

www.persianwo.org

کسانیکه می خواهند این کتاب را کپی کنند برای جلال دادن به
خدا این اجازه را دارند. خواهش می کنم که تغییری در آن
ندهید. متشکرم

Permission is granted for copies of this publication to be made
for the glory of God. Appropriate credit appreciated.

مارس 2010

March, 2010

فهرست مندرجات:

فصل	موضوع	صفحه
	پیشگفتار	4
1-	يك سلسله سلطنتی پا به عرصه وجود مي گذارد	9
2-	دانیال بر سرگشتگی فرهنگی غالب مي آید	19
3-	گذر از رویا به تاریخ: پیشگوییهای دانیال	27
4-	دقیقترین کتاب تاریخ دنیا	35
5-	دعاهایی نیرومند از پارس!	45
6-	چگونه پنج پادشاه فارس وارد کتابمقدس گردیدند؟	52
7-	استر، ملکه پارسی	60
8-	پادشاهان پارس عزرا و نحمیا را به اورشلیم مي فرستند	68
9-	چرا عیلام اینقدر مهم مي باشد؟	76
	اثرات گسترده پنطیکاست: میسیونرهای ایرانی	83
11-	نقش استراتژیک ایران در نبوتهای مربوط به آینده	92
12-	درك رسوم کتابمقدس به كمك فرهنگی ایرانی	98
13-	کریسمس از چشم انداز فرهنگ ایرانی	106
14-	حضور گروههای مسیحی در ایران	114
15-	از سال 30 میلادی تا به امروز	122
16-	آزار در راه مسیح در ایران: گذشته و حال	130
17-	واکنش مشتاقانه ایرانیان به انجیل در عصر ما	136
18-	ایرانیان امروز در کدام کشورها زندگی مي کنند؟	142
19-	راهنمای معلمین مدرسه و گروههای کوچک	149
20-	سخنی از نویسنده کتاب	151
21-	نامهای ایرانی که در کتاب چندین بار استفاده شده	153

پیشگفتار

آیا متوجه شده‌اید که نام کشور ایران مرتباً در کتاب مقدس مسیحیان ذکر شده است؟ چهار پادشاه اول پارس: کوروش؛ داریوش، خشایارشا، و اردشیر بارها نامشان در کتاب مقدس ذکر شده است. ایران یکی از اولین ملیت‌هایی است که خدا برگزید تا اراده مقدس خود را به‌انجام برساند.

ایران، که در کتاب مقدس به عنوان پارس شناخته شده، سرزمین شخصیت‌های معروف کتاب مقدس مانند استر ملکه و دانیال می‌باشد! همچنین، کتاب مقدس می‌فرماید که این ملت بوسیله خدا بنیانگذاری شد تا قوم یهود را از اسارت بابل رهایی دهد. پادشاهی که اجازه داد یهودیان به اورشلیم باز گردند، کوروش کبیر بود. او از پادشاهان حکومت سلطنتی پارس بود، در حقیقت نام و زندگی و کارهای او توسط اشعیاء نبی 150 سال قبل از اینکه دنیا بیاید پیشگویی شده بود.

عهد عتیق (که عموماً به‌عنوان تورات معروف است) نام پادشاهان دیگر پارس را ذکر می‌نماید از جمله داریوش پادشاه که با انبیایی چون حجی و زکریا همزمان بود. استر ملکه و شوهرش خشایارشا بر کشور ایران حکومت می‌کردند که وسعت قلمرو آن از هندوستان تا حبشه در آفریقا امتداد داشت. اردشیر پادشاه بود که به نحی اجازه داد که به اورشلیم باز گردد و دیوارهای شهر را بنا کند. ایرانیها این اشخاص را نه فقط به عنوان شخصیت‌های کتاب مقدس می‌شناسند بلکه بخشی از تاریخ کشور خود می‌دانند. دانیال، استر، عزرا، و نحیا اشخاص عالی قدری بودند که به‌عنوان شهروندان خدا ترس در امپراطوری ایران زندگی کردند. نام ایرانیها مجدداً در عهد

جدید (که عموماً با نام "انجیل" معروف است) ذکر گردیده. ایرانیان در ایام عید پنطکاست که چهل روز بعد از صعود مسیح به آسمان جشن گرفته می‌شد در اورشلیم حاضر بودند. آنان موعظه پطرس را که پر از روح بود شنیدند، از گناهان خود توبه نموده، عیسی مسیح را به‌عنوان مسیحایی موعود خود پذیرفتند. تاریخ کلیسا نقش ایرانیان را در اشاعه پیام انجیل در سراسر آسیا تأیید می‌کند. یک مسیونر ایرانی بنام آلوپن (Alopen) در سال 635 بعد از میلاد به کشور چین رفت تا خبر خوش نجات بوسیله عیسی مسیح را اعلان کند. بعلت فعالیت او در قسمت مرکزی چین یک کلیسای قوی بوجود آمد که چند صد سال ادامه داشت.

من این افتخار را داشتم که طی سالهای 1962 تا 1978 همراه با دیگر همکارانم در میسیون بین المللی (که اکنون اسم آن کریستار "Christar" می‌باشد) در ایران خدمت کنم. کار ما بشارت، شاگردسازی و تاسیس کلیسا بود. همچنین عهده‌دار کار نامه‌نگاری دروس کتاب مقدس به زبان فارسی بودیم. در سالهای 1963 مشارکت انگلیسی زبان تحت عنوان Tehran Bible Church جهت خارجیانی که در ایران بسر می‌بردند، تاسیس یافت. اینجانب چندین سال کشیش آن کلیسا بودم. از آنجایی که اکثر مسیحیان خارجی در ایران، نمی‌دانند که این کشور همان مملکت پارس است که در کتاب مقدس مذکور آمده، لذا من بمدت 3 ماه بطور مخصوص در کلاس درس کتاب مقدس، دروسی تحت عنوان "ایران و کتاب مقدس" تعلیم دادم. عاقبت از من خواسته شد که آنچه را تعلیم داده ام بصورت جزوه در بیاورم، بدین ترتیب در سال 1974 جزوه "ایران و کتاب مقدس" پا به عرصه وجود نهاد.

می‌خواهم به دوستان ایرانی مسیحی خود خاطر نشان کنم که خدا دارد تشنگی روحانی تازه‌ای در مردم ایران بوجود می‌آورد. امیدوارم مطالعه این کتاب شناخت شما را افزایش دهد تا بدانید که چگونه خدا ایرانیان را در گذشته مورد استفاده قرار داده و امروز نیز ایشان را به‌کار می‌برد و تشویقتان نماید تا برای آنچه که خدا در آینده نزدیک در میان آنان به‌انجام خواهد

رسانید دعا کنید. شما هم می‌توانید بخشی از کار خدا باشید. امیدواریم درک شما از این حقایق این غیرت را در شما بوجود بیاورد تا برای دیگر ایرانیان دعا کنید و به‌طریق‌های مختلف در خدمت به ایشان سهیم شوید. آرزوی من این است که عده زیادی از مسیحیان ایرانی این کتاب را بخوانند و درک عمیق‌تری از کار خدا در میان ملت خود و در زندگی اشخاصی مانند استر و دانیال کسب کنند. دعای من برای آنها این است که آرزو کنند شبیه استر و دانیال گردند. تنها این نسل از ایمانداران فارسی‌زبان است که کلید این را در دست دارد تا خبر خوش نجات بوسیله عیسی مسیح را به 67 میلیون ایرانی در ایران و 4 میلیون ایرانی پراکنده در سرتاسر جهان برسانند. می‌خواهیم این را به ایرانیانی که مسیحی نیستند یادآوری کنم که کتاب مقدس مسیحیان یک کتاب غربی نیست. این کتاب در مناطقی چون اسرائیل، مصر، ترکیه، عراق و ایران نوشته شده. بسیاری از قسمت‌های پایانی عهدعتیق در طی حکومت چهار پادشاه ایران روی داده است. ایمان دارم در حالیکه درباره تاریخ ایران باستان در این کتاب مطالعه می‌کنید، شادی شناخت خدا را بوسیله عیسی مسیح بطریق شخصی تجربه کنید. زمانی که با مشکلات فراوان روبرو می‌شویم این عیسی مسیح است که می‌فرماید:

”بیاید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده‌دل می‌باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت. زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک”
متی فصل 11 آیات 28-30

قسمت‌هایی که از کتاب مقدس در این کتاب آورده شده از ترجمه نسخه چاپ فارسی مربوط به سال 1895 میلادی می‌باشد. در عوض در جایهایی که لغات و عبارات قدیمی آمده از فارسی مدرن استفاده خواهد شد. همچنین ممکن است بعضی لغات از ترجمه تفسیری باشد که در 1995 بچاپ رسیده. یا

از نسخه انجیل شریف که ابتدا در سال 1976 میلادی بچاپ رسیده. ترجمه تفسیری کتاب مقدس را می‌توان از طریق اینترنت، www.ibs.org/bibles/farsi بدست آورد. برای دریافت عهد جدید فارسی و انگلیسی می‌توانید به سایت www.persecution.com مراجعه کنید. هر وقت که قسمتی از کتاب مقدس نقل قول می‌شود، ابتدا نام کتاب از 66 جزو کتاب مقدس ارائه می‌شود؛ سپس شماره فصل مورد نظر و بالاخره شماره آیه یا آیات که قسمت دقیق کلام خدا را نشان می‌دهند عرضه می‌گردد. این شماره‌گزارها در نسخه اولیه بوسیله خدا الهام نشده بلکه بعداً اضافه گردید تا با کمک آن ایمانداران بتوانند قسمت‌های مختلف کتاب مقدس را سریعاً پیدا کنند.

می‌خواهم در اینجا از همسرم دایان (Diane) بطور مخصوص تشکر کنم. هنگامی که به او پیشنهاد کردم با من ازدواج کند، می‌دانست که قبول کردن آن مستلزم این خواهد بود که با هم خداوند ما عیسی مسیح را در ایران خدمت کنیم. دو سال اول را در ایران به آموختن زبان فارسی پرداختیم. سپس با هم مشغول خدمت شدیم در حالی‌که مسئولیت تعلیم و تربیت هر سه فرزندانمان را به‌عهده داشتیم. بعلاوه دایان در تهیه این کتاب از طریق تنظیم و بازنویسی به افکار پراکنده من کمک زیادی نمود.

همچنین خانم نانسی موریر (Nancy Maurer) در نسخه انگلیسی این کتاب نصایح گرانبهایی دادند و به عنوان ناشر نیز در بعضی از قسمت‌های این کتاب اصلاحات زیادی نمودند. از سازمان کریستار که در آن مشغول خدمت هستم قدردانی می‌نمایم که اجازه دادند از بخش منشی اداره خصوصاً خانم جودی باتلر (Judy Butler) جهت تجدید نظر و چاپ این نسخه‌ها استفاده شود. بالاخره می‌خواهم از کلیساها و افراد زیادی که با دعاها و کمک مالی خود وفادارانه طی این سالهای زیاد ما را پشتیبانی کردند تا بتوانیم به ایرانیان خدمت کنیم تشکر نمایم.

علاقه قلبی من نسبت به رفع احتیاج روحانی مردم ایران در تمام دنیا کاسته نشده است. در صورتیکه بتوانم شما یا کلیسای شما را یاری دهم تا به ایرانیان بشارت دهید یا در خصوص خدمت بین ایرانیان آگاهی‌هایی بدست آورید، در خدمت شما خواهم بود. می‌توانید از طریق ایمیل با نشانی‌های allyn316@gmail.com یا با این نشانی پستی مکاتبه فرمایید.

Allyn Huntzinger
PO Box 451
Shillington, PA 19607 USA

توجه داشته باشید که شما آزاد هستید که هر قسمت یا تمام قسمت‌های این کتاب را فتوکپی نموده، به دوستان خود یا دیگران بدهید. نویسنده از فروش این کتاب پولی دریافت نمی‌دارد بلکه تمام وجوه دریافتی، جهت چاپ بیشتر کتاب "ایرانیان در کتاب مقدس" به‌مصرف خواهد رسید. در صورت تمایل بخش‌هایی از این کتاب را می‌توانید به دوستان ایرانی در هر جای دنیا که هستند، از جمله به ایران ارسال فرمایید. لطفاً ذکر بفرمایید که آن بخش از کتاب "ایرانیان در کتاب مقدس" می‌باشد. همچنین در صورتیکه مایل باشید این کتاب را از طریق پرونده تصویری کامپیوتری یا (PDF) دریافت دارید، از طریق نامه نگاری کامپیوتری با من تماس بگیرید allyn316@gmail.com و کتاب را ضمیمه کرده، برایتان خواهم فرستاد. تمام متن انگلیسی این کتاب در سایت اینترنت www.farsinet.com/persiansinbible و

www.persianwo.org موجود است و می‌توانید از آن کپی کنید. ترجمه فارسی این نیز در همان صفحه موجود می‌باشد.

دعای من این است که این کتاب در جهت تکریم و جلال خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح به‌کار برده شود.

آلن هانتزینگر

من می‌خواهم از خوانندگان مختلف که اشتباهات کوچکی را در چاپ اول پیدا کرده و یادآوری کردند تشکر کنم. من آنها

را تصحیح کردم چند اطلاع جدید و سایت جدید هم به چاپ
جدید اضافه شده. امیدوارم که این کتاب ایرانیان در کتاب مقدس
باعث افتخار و جلال خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح
بشود.

يك سلسله سلطنتی پا به عرصه وجود مي گذارد

مقدمه

چه افتخاري که شخص را ایرانی بدانند! امروزه چند کشور را مي شناسيد که بتوانند مانند ایرانیان ادعا کنند که 2500 سال سابقه تاریخی دارند؟ اگر به خاطر داشته باشید، در سال 1973 سران مملکت ایران با شخصیت‌های مهم بین المللی در شهر تاریخی و باستانی تخت جمشید گرد آمدند تا 2500 سال تاریخ ایران را که با اولین پادشاه آن یعنی کوروش کبیر آغاز گردید جشن بگیرند.

به کشورهای شمال ایران توجه کنید از جمله آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان. این کشورهای جدیدالتاسیس تاریخ سیاسی جاری آنها کمتر از 13 سال است. بنظر مي رسد که تقریباً هر سال کشورهای جدید تشکیل مي گردد. در حالیکه کشور ایران بیش از 2500 سال پیش تشکیل شده و تا به امروز موجود مي باشد! چه چیزی باعث این تفاوت شده است؟ آیا دست خدا در کار بوده؟ اشعیاء نبی در کتاب مقدس مي فرماید که خدا این کشور را تاسیس کرد تا مقاصد خدا را به انجام برساند. عهدعتیق تاریخ قوم یهود را بیان مي کند. تاریکترین زمان تاریخ آنها در قسمت آخر عهدعتیق ثبت گردیده است، زمانی که ابتدا توسط آشوریهها و سپس توسط امپراطوری بابل به اسارت برده شدند. اگر به برخی از جزئیات توجه کنید، خواهید دید که ایران در نقشه خدا چقدر مهم بوده است.

الف) اسرائیل به اسارت برده مي شود

آشوریهها از نسل آشور پسر دوم سام و نوه حضرت نوح مي باشند (پیدایش 10: 22). حکومت آشور وسیع و نیرومند بود و کل خاورمیانه را در بر مي گرفت.

1- از اشعیاء 10: 5-6 می‌آموزیم که خدا امپراطوری آشور را بوجود آورد تا اسرائیل را بخاطر گناهانش تنبیه کند. "خداوند میفرماید: من آشور را مانند چوب تنبیه بدست خواهم گرفت و برای مجازات آنانی که برایشان خصمانگ هستم به کار خواهم برد قوم آشور را بر ضد این قوم خدانشناس که مورد خشم من هستند خواهم فرستاد تا آنها را غارت کنند و مانند گل زیر پایهای خود لگدمال نمایند".

الف) آشوریها 10 طایفه شمالی اسرائیل را احتمالاً حدود 722 ق.م به اسارت بردند. دقت کنید که بعضی از قوم یهود در میان مادها که ایران امروز میباشد ساکن شدند. "سرانجام در نهمین سال سلطنت هوشع، شلمناسر شهر سامره را گرفت و مردم اسرائیل را اسیر نموده به آشور برد. او بعضی از اسرا را در شهر حُلح، برخی دیگر را در شهر جوزان که کنار رود خابور است، و بقیه را در شهرهای سرزمین ماد سکونت داد" (دوم پادشاهان 17: 6).

ب) حدود 22 سال بعد یکی از پادشاهان آشور بنام سخاریب سعی کرد اورشلیم و یهودا را تسخیر نماید اما شکست خورد (دوم پادشاهان 18: 19، اشعیاء بابهای 36-38). یهودا بعداً در 682 ق.م. تسلیم بابلها شد. و عاقبت مردم آن به بابل تبعید گردیدند.

ج) امروزه حدود 35.000 آشوری وجود دارند که خیلی از آنها مسیحیان اسمی هستند و در ایران زندگی می‌کنند. آنها از نسل امپراطوری آشور هستند. در فصل دیگری در خصوص آنان سخن خواهیم گفت.

2- بعداً خدا حکومت دیگری برانگیخت بنام بابل. در زمان سلطنت نبوکدنصر، بابلها باقی مانده قوم یهود را اسیر کرده آنها را به بابل بردند.

”پس خداوند پادشاه بابل را بصد ایشان برانگیخت و تمام مردم یهودا را به دست او تسلیم کرد. او به کشتار مردم یهودا پرداخت و به پیر و جوان، دختر و پسر، رحم نکرد وقتی وارد خانه خدا شد جوانان آنجا را نیز کشت. پادشاه بابل اشیاء قیمتی خانه خدا را از کوچک تا بزرگ همه را برداشت و خزانه خانه خداوند را غارت نمود و همراه گنجهای پادشاه و درباریان به بابل برد سپس سپاهیان او خانه خدا را سوزاندند، حصار اورشلیم را منهدم کردند، تمام قصرها را به آتش کشیدند و همه اسباب قیمتی آنها را از بین بردند. آنانی که زنده ماندند به بابل به اسارت برده شدند و تا به قدرت رسیدن حکومت پارس، اسیر پادشاه بابل و پسرانش بودند. به این طریق، کلام خداوند که بوسیله ارمیای نبی گفته شده بود به حقیقت پیوست که سرزمین اسرائیل مدت هفتاد سال استراحت خواهد کرد تا سالهایی را که در آنها قوم اسرائیل قانون سبت را شکسته بود جبران کند“ (دوم تواریخ 36: 17-21).

3- خدا امپراطوری پارس را برانگیخت تا امپراطوری بابل را مجازات و تسخیر کند و ارمیای نبی در باب 29 آیه 10 (ترجمه تفسیری) اینطور می‌نویسد. ”اما وقتی هفتاد سال اسارت در بابل تمام شود، همانطور که قول داده‌ام، بر شما نظر لطف خواهم انداخت و شما را به وطنتان باز خواهم گرداند.“

ایران مدت 70 سال تحت اسارت امپراطور بابل بود، اما بوسیله امپراطوری پارس آزاد گردید. معجزه بزرگ اینجاست که اشعیاء نبی 150 سال آینده را دیده، پادشاهی را که سر سلسله حکومت تازه است یعنی کوروش کبیر را نام می‌برد. فکر کنید شما 150 سال قبل زندگی می‌کردید، یعنی حدود سال 1852. آیا می‌توانستید نام رهبر امروز ایران یا هندوستان یا ژاپن یا ایالات متحده را پیشگویی کنید؟ کتاب مقدس، کلام خدا، جزئیات دقیق آینده را برایمان بیان می‌کند زیرا بوسیله انبیاء و اشخاص دیگر دقیقاً همانطور که خدا به آنها فرمود نوشته شده است. بیایید کوروش کبیر را از نزدیک ملاحظه کنیم.

ب) خدا پادشاهی را بر می‌انگیزاند

کورش که وسیله‌ای در دست خدا بود، در حدود 550 قبل از میلاد به قدرت رسید. او را کورش کبیر می‌نامند. می‌توانید در این قسمت‌های کتاب مقدس درباره او مطالعه کنید. کتاب اشعیا 41: 2-3، 44: 28، 45: 3، 45: 13، 46: 10-11، 48: 14-15.

1- نام پارسی کورش، با تلفظ عبری آن در عهد عتیق مطابقت دارد. صدها سال بعد از مرگ کورش هنوز هم ایرانیان نام او را یاد می‌کنند. سالها بزرگترین فروشگاههای زنجیره‌ای همراه با بسیاری از هتلها بنام او یعنی کورش نامگذاری شده بود؛ دو خیابان اصلی که از مرکز تهران بطرف کوههای شمال امتداد می‌یافت، کورش کبیر نام داشت. بعد از سقوط شاه و تأسیس دولت اسلامی خیلی از این اسامی تغییر کرد. به هر حال بعضی‌ها هنوز هم اسم پسرانشان را کورش می‌گذارند.

2- به عناوینی که خدا به کورش داد، در اشعیا 44: 28 و 45: 1 و 41: 2 داد، توجه بفرمایید: ”و درباره کورش می‌گوید که او شبان من است و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید و درباره اورشلیم می‌گوید بنا خواهد شد و درباره هیکل که بنیاد تو نهاده خواهد گشت“ (اشعیا 44: 28).
”خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که دست راست او را گرفتم تا بحضور وی امته را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را بحضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود“ (اشعیا 45: 1).

الف. کورش شبان من و مسیح من خوانده شد.

3- به شرح وظایفی که خدا به کورش داد توجه بفرمایید.

الف: آزادکردن اسرای یهودی

ب: کمک در بنای اورشلیم

ج: بنیانگذاری اساس معبد

د: مجازات بابل

4- چرا خدا از یک پادشاه غیر یهودی برای آزادی

یهودیان استفاده می‌کند.

”من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نی من کمر ترا بستم هنگامی که مرا نشناختی تا از شرق آفتاب و مغرب آن بدانند که سوای من احدی نیست من یهوه هستم و دیگری نی“ (اشعیاء 45: 5-6).

مجدداً در آیات 21 و 22 در همان فصل، خداوند می‌فرماید که او تنها خداست و خود را عادل و نجات‌دهنده اعلان میکند. تنها خدا می‌تواند واقعاً نجات دهد. با این حال می‌بینیم که یک پادشاه بیگانه را بکار می‌برد تا حاکمیت خود را بر همه چیز نشان دهد.

”پس اعلان نموده ایشانرا نزدیک آورید تا با یکدیگر مشورت نمایند کیست که اینرا از ایام قدیم اعلان نموده و از زمان سلف اخبار کرده است. آیا نه من که یهوه هستم و غیر از من خدایی دیگر نیست. خدای عادل و نجات دهنده و سوای من نیست. ای جمیع کرانهای زمین به من توجه نمایید و نجات یابید زیرا من خدا هستم و دیگری نیست.“

5- مذهب ایران در زمان کورش دین زرتشت بود. اعتقاد به این که نور خوب است و تاریکی بد، قسمتی از این مذهب بود. اشعیاء نبی می‌فرماید. ”پدیدآورنده نور و آفریننده ظلمت صانع سلامتی و آفریننده بدی من یهوه صانع همه این چیزها هستم“ (اشعیاء 45: 7). هنگامیکه خدا مکاشفه خود را به اشعیاء داد اینرا تاکید فرمود که همه چیز در کنترل او است، حتی آفرینش نور و تاریکی و تمام خلقت.

6- خدا چه وعده‌هایی به کورش داد؟ در اشعیاء 45: 1-3 می‌بینیم که خدا وعده‌های زیادی به کورش داده است. خدا دست راست کورش را می‌گیرد. قدرتی را که به او داده به نمایش در می‌آورد. دروازه‌ها را گشوده، کشورها را مغلوب خواهد ساخت. جایهای ناهموار را هموار خواهد ساخت و درهای برنجی را شکسته، پشت‌بندهای آهنی را خواهد برید. کورش سه تا از چهار امپراطوری بزرگ دنیای زمان خود را مغلوب ساخت. یکی از آنها ماد بود که جذب پارس شد و کشور واحدی گردید. خدا به کورش ”خزاین ظلمت“ را بخشید، این امکان دارد که به ثروت مملکت لیدیا اشاره شده باشد که کورش آن را

قبل از حمله به بابل فتح کرد. افسانه پادشاه میداس ممکن است ریشه در سرزمین لیدیا و شاه تاریخی آن کروئس داشته باشد.

ج) کوروش وظایف خود را به کمال می‌رساند

کسی که شغلی دارد شرح وظایف هم دارد تا بداند مسئولیت‌هایش چیست. شرح وظایف کورش قبلاً پیشگویی شده بود.

1- کورش قوم یهود را آزاد کرد تا به سرزمینشان بازگردند. اشعیاء 45: 13 می‌گوید که او جهت این وظیفه مخصوص معین شده بود آنهم بدون انتظار دریافت پاداش (جهت جزئیات بیشتر به فصل ششم "چگونه پنج پادشاه ایران وارد کتاب مقدس شدند" مراجعه فرمایید). همچنین تاریخ نیز به این کار نیکو گواهی می‌دهد. کتاب تاریخ کلاس پنجم در ایران بطوریکه اینجانب مطالعه کرده‌ام عکس کورش را نشان می‌دهد که در مقابل گروهی از قوم یهود که از اسارت بابل آزاد شده‌اند ایستاده است، و چنین شرح می‌دهد: "به فرمان کورش، یهودیانی که در اسارت بابل بودند آزاد شدند و می‌توانند به شهر مقدس خود اورشلیم باز گردند." به یهودیان اجازه داده شد، طلا و نقره همراه خود ببرند. همچنین کورش طلا و نقره‌ای که نبوکدنصر پادشاه بابل 70 سال قبل از خانه خدا به سرقت برده بود برگردانید.

بازگشت یهودیان در آنزمان را با بازگشت یهودیان به اسرائیل از اتحاد شوروی سابق طی سالهای 1950-1960 مقایسه کنید. یهودیان شوروی گرچه مجاز بودند به کشور اسرائیل بازگردند، اما باید مبلغ زیادی می‌پرداختند تا بتوانند از آنجا خارج شوند. باید تمام دارایی از جمله مستعلات خود را در روسیه جا بگذارند. مهاجرت آنها به اسرائیل به بهای زیادی تمام می‌شد. اما زمان کورش عکس آن صادق بود یعنی او حتی به یهودیانی که به اورشلیم باز می‌گشتند کمک‌هایی هم می‌کرد.

2- کورش بازسازی اورشلیم را بطوری که در اشعیاء 44: 28، 45: 13 پیشگویی شده امکان‌پذیر ساخت. به برکت

او بیش از 42.000 یهودی به شهر اورشلیم باز گشتند تا دیوارهای شهر را بنا کرده، بار دیگر شهر را مستحکم سازند. "کوروش پادشاه فارس چنین می‌فرماید یهوه خدای آسمانها، جمیع مالک زمین را بمن داده است و مرا امر فرموده که خانه‌ای برای وی در اورشلیم که در یهوداست بنا نمایم. پس کیست از شما از تمامی قوم او که خدایش با وی باشد او به اورشلیم که در یهودا است برود" (عزرا 1: 2-3).

3- کورش در بازسازی بنیاد معبد کمک کرد. در دوم تواریخ 36: 23 ملاحظه می‌کنیم که کورش اعلان می‌کند که خدا او را بطور مخصوص جهت این کار معین کرده است. به هر حال بخاطر بیاورید که از اشعیاء 44: 28 می‌فهمیم که در آن زمان فقط بنیاد معبد نهاده شد. کتاب عزرا داستان شادی قوم اسرائیل در بنیانگذاری معبد جدید و همچنین ناامیدی و یأس آنها را در اثر ضدیت اقوام مجاور را بیان می‌کند. کار بازسازی، 50 سال بعد تحت رهبری حجی نبی به پایان رسید. 4- کورش بابل را مجازات کرد. در اشعیاء 48: 14-15 کورش تحت عنوان کسی که "خداوند او را دوست می‌دارد" نامیده شده که هدف خدا را بر ضد بابل به‌انجام رسانید. افسانه‌های تاریخی در مورد پیروزی عظیم او بر امپراطوری بابل وجود دارد. از جمله اینکه او مخفیانه مسیر رود فرات را که از وسط پایتخت بابل می‌گذشت تغییر داد تا اینکه سپاه او بتواند شبانه از بستر رودخانه عبور کرده، شهر را تسخیر نماید.

(د) کاربرد شخصی

1- توضیحات کتاب مقدس ما را یاری می‌دهد که ایران را به‌عنوان یک ملت، بهتر مورد توجه قرار بدهیم. برخلاف سایر امپراطورها که خدا برانگیزانید تا بوسیله آنها اسرائیل را مجازات کند، مانند آشور و بابل، ایران جهت رهایی قوم یهود بکار برده شد. در حالیکه خیلی ملل دیگر بعلت طرز برخورد با اسرائیل از بین رفتند، ایران به‌عنوان یک مملکت بیش از 2500 سال است باقی مانده است.

2- چگونه می‌توان گفت که کتاب مقدس از جانب خداست؟
یک امتحان اینست که وقایع آینده را بدرستی و با جزئیات روشن بیان کند. ملاحظه بفرمایید که چگونه کتاب مقدس (تورات و انجیل) به آسانی از این امتحان سربلند بیرون می‌آید. به این پیشگوییها توجه کنید: پیشگویی 70 سال اسارت یهودیان بوسیله امپراطوری بابل و در ذکر نام کورش کبیر به‌عنوان آزاد کننده یهودیان و پیش بینی بوجود آمدن امپراطوری پارس. خدا نشان داد که قادر به انجام وعده‌هایش می‌باشد. طریق دیگری که ثابت می‌کند کتاب مقدس کتابی است از جانب خدا، اینست که مردم از طریق مطالعه آن امید شادی و حیات جاودانی را می‌یابند.

3- کتاب مقدس یک کتاب غربی نیست که از آمریکا یا اروپا آمده باشد. بلکه در خاورمیانه نوشته شده با سابقه فرهنگی که از مصر و ایران و کشورهای اطراف دریای مدیترانه دارد.

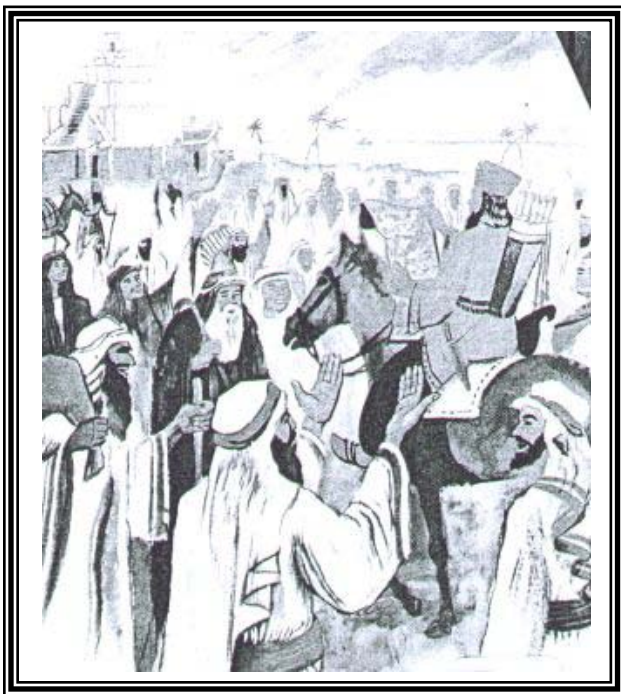
ه) کاورشی عمیق‌تر

1- کتاب اشعیاء فصل‌های 40 تا 48 را مطالعه کنید و شرح دهید چگونه خدا اسرائیل را بخاطر گناهانش تنبیه کرد و سپس به‌وسیله نجات‌دهنده‌ای بنام کوروش ایشان را رهایی داد (اشعیاء 41: 2، 25 و 44: 28، 45: 1-13، 46: 11 و 48: 14-15). آیا می‌توانید از این قسمت‌ها تشابهات و اشاراتی در مورد آمدن نجات‌دهنده از گناه یعنی مسیح موعود، عیسی مسیح پیدا کنید؟

2- بعضی از منتقدین کتاب مقدس وقایع فوق‌طبیعی آن را انکار می‌کنند. این اشخاص را لیبرال می‌نامند. آنها این نکته را انکار می‌کنند که انبیاء قادر بودند آینده را بدرستی پیشگویی کنند. آنها به اشتباه می‌گویند کتاب اشعیاء نه بوسیله یک اشعیاء بلکه بوسیله چندین اشعیاء نوشته شده است.

3- خدا به شما به‌عنوان ایماندار به عیسی مسیح، چه شرح وظایفی داده چیست؟ آیا آنچه را که خدا از شما می‌خواهد، بخوبی انجام می‌دهید؟

4- کتاب مقدس، کتاب خدا، قادر است آینده تاریخ را بدرستی بیان کند. آیا برای آینده خودتان به آن اعتماد می‌کنید؟ آیا مایلید امید حیات جاودانی را داشته و تا ابد در حضور خدا زندگی کنید. به وعده های خدا در کتاب مقدس ایمان داشته و به عیسی مسیح توکل کنید که فرمود ”من راه و راستی و حیات هستم.“



(شرح تصویر)

این تصویر که در کتاب تاریخ سال ششم (چاپ 1977) در ایران منتشر شده، می‌گوید: "به فرمان کورش، یهودیان آزاد شدند و توانستند به شهر مقدس خود اورشلیم باز گردند."

دانیال بر سرگشتگی فرهنگی غالب می‌آید

الف) کسی بیش از رام‌کننده شیران

ما مسیحیان وقتی نام دانیال نبی را می‌شنویم، اکثراً به‌یاد ماجرای می‌افتیم که طی آن او را به چاه شیرها انداختند چرا که حاضر نشده بود در مقابل پادشاه خم شود و کسی جز خدا را بپرستد. می‌دانیم که او به‌سبب وفاداری‌اش به خدا، بگونه‌ای معجزه‌آسا نجات یافت. در واقع هر فرد مسیحی که در محیطی غیرروحانی کار کند، ممکن است در مواقعی احساس کند که گویی در وسط چاه شیرهاست. بیایید نگاهی به زندگی دانیال بیفکنیم و ببینیم که او چگونه وفادار ماند و نتیجتاً نه فقط در حکومت بابلها، بلکه در حکومت پارسها نیز همچون شاهی راسخ خدمت کرد. در واقع، در ایران امروزی، در شوشان، در کاخ شوش، مسجدی هست که می‌گویند مقبره دانیال نبی در آن قرار دارد. البته ما مسیحیان نگاهمان به آرامگاهها و بقایای انبیا نیست، بلکه به خدای زنده است تا او را محبت کرده، خدمت نماییم و بپرستیم.

1 دانیال در اورشلیم اسیر شد و به بابل برده شد. می‌دانیم که نبوکدنصر در سه زمان مختلف اسرایی را از اسرائیل به بابل فرستاد:

- در سال 604 ق.م. در دوره سلطنت یهوایم که طی آن دانیال اسیر شد. "در سال سوم سلطنت یهوایم، پادشاه یهودا، نبوکدنصر پادشاه بابل به اورشلیم آمده، آن را محاصره نمود. و خداوند یهوایم، پادشاه یهودا را با بعضی از ظروف خانه خدا به دست او تسلیم نمود و او آنها را به زمین شنعار به خانه خدای خود آورد و ظروف را به بیت‌المال خدای خویش گذاشت" (دانیال 1: 1-2).

• در سال 597 ق.م. در دوره سلطنت یهوایکین
(دوم تواریخ 36: 9-10)

• در سال 586 ق.م. در دوره سلطنت صدقیا
(دوم تواریخ 36: 18-21)

2 دانیال به چه مدت خدا را در بابل و پارس خدمت کرد؟
می‌دانیم که دانیال خدمتگزاری مورد احترام در حکومت
پادشاهان بابل بود و حداقل تا سال سوم فرمانروایی کورش، در
خدمت پارسیان نیز بود؛ تمام اینها جمعاً بیش از 70 سال
بهدرزا انجامید.

"و دانیال بود تا سال اول کورش پادشاه" (دانیال 1: 21)
"در سال سوم کورش، پادشاه فارس، امری بر دانیال که
به بَلطَشَصْر مسمی بود کشف گردید و آن امر صحیح و مشقت
عظیمی بود. پس امر را فهمید و رویا را دانست" (دانیال 10:
1)

ب) رویارو با وسوسه

سرگشتگی فرهنگی همان مشکلی است که پناهندگان و آنانی
که به کشور جدیدی می‌روند با آن مواجه می‌شوند، خصوصاً
وقتی تغییرات استرس‌زای زندگی در جامعه‌ای متفاوت را
تجربه می‌کنند. درماندگی، افسردگی، و سرگشتگی فقط نمونه‌ای
از علائمی است که گریبانگر کسی می‌شود که در کشوری
غریب شروع به زندگی می‌کند. فصل اول کتاب دانیال شمه‌ای
از فشارهایی را که دانیال در فرهنگ بابلی تجربه کرد، به ما
نشان می‌دهد. نمونه‌های زیر چه تشابهی دارد با فشارهایی
مردمی که به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند، خصوصاً
پناهندگان؟ آیا مسیحیانی که در جامعه غیرمذهبی خودشان
زندگی می‌کنند، با فشارهایی مشابه رویارو می‌شوند و بخاطر
ایمانشان احساس غریبگی می‌کنند؟

1 کار کردن در مقام يك يهودي در دنیای بت‌پرستان،
خصوصاً به‌عنوان پناهنده، کار ساده‌ای نبود. شریعت خدا از
قومش می‌خواست که از دنیا جدا زندگی کنند، و همانطور که
اشاره شد، در خصوص خوراک، محدودیت‌هایی برای
خوراک‌های حلال و حرام تجویز کرده بود.

2 مشاهده ویرانی اورشلیم و اسارت قوم خدا می‌توانست دانیال جوان را وسوسه کند تا به قدرت خدایش و وعده‌های او شک کند. شاید او از خدا سوال می‌کرد که چرا به بابلیها اجازه داده تا اورشلیم را فتح کنند.

3 انطباق با اسارت و مسوولیت‌های جدید در سرزمینی بیگانه، فشاری بر دانیال بود که در آن زمان نوجوانی بیش نبود.

4 ادامه زندگی مستلزم فراگیری فرهنگ و زبان بابلی بود که تحت تأثیر اعتقاداتشان به خدایان غریب قرار داشت.

5 خدمت به پادشاه امری بود اجباری؛ تنها راه برای دانیال، زندگی کردن در قصر پادشاه و مطالعه سخت بود.

6 به دانیال نام جدید بابلی دادند، یعنی بلطشصر که معنی آن این است: "حاکم یا محافظ بعل"؛ حال آنکه نام اصلی او به این معنی بود: "خدا داور من است". این امر قطعاً در دانیال این احساس را بوجود آورد که بخشی از هویت خود را از دست داده است. از حالا به بعد، او را با نام خدایی دروغین می‌شناختند.

7 وسوسه به سازشکاری، سبب شد که ایمانش در بوته آزمایش قرار گیرد.

ج) واکنش دانیال چه بود

1- دانیال به خدا توکل کرد.

دانیال وقتی به همراه دیگران به اسارت رفت، یک اسرائیلی جوان و نجیب‌زاده بود. آنان می‌بایست بیش از 650 کیلومتر از اورشلیم تا بابل راه بپیمایند. این راه را می‌بایست با پای پیاده می‌رفتند و شاید در راه متحمل گرسنه نیز شدند. شاید بابلیها ایشان را به باد تمسخر گرفتند. بعضی ممکن است در راه مرده باشند. برای اسرای ملتی بت‌پرست چه امیدی می‌توانست وجود داشته باشد؟ دانیال انتخاب شد تا یکی از معدود افرادی باشد که می‌بایست فرهنگ بابلی را بیاموزد تا بتواند در قصر پادشاه خدمت کند. خدا برای دانیال نقشه‌ای داشت.

"و پادشاه، اشفناز رئیس خواجه‌سرایان خویش را امر فرمود که بعضی از بنی‌اسرائیل و از اولاد پادشاهان و از شرفا را

بیاورد. جوانانی که هیچ عیبی نداشته باشند و نیکومنظر و در هر گونه حکمت ماهر و به علم، دانا و به فنون، فهیم باشند که قابلیت برای ایستادن در قصر پادشاه را داشته باشند و علم و زبان کلدانیان را به ایشان تعلیم دهند" (دانیال 1: 3-4).

2- دانیال بر آن شد تا خدا را خشنود سازد.

در دانیال 1: 8 چنین آمده است: "اما دانیال در دل خود قصد نمود که خویشان را از طعام پادشاه و از شرابی که او می‌نوشید نجس نسازد. پس از رئیس خواجه‌سرایان درخواست نمود که خویشان را نجس نسازد." دانیال نمی‌خواست از غذاهای لذیذ سفره پادشاه بخورد، احتمالاً به این دلیل که مطابق شریعت خدا نبود و جزو خوراکهای حرام به حساب می‌آمد. او این کار را با درایت انجام داد تا اهانتی به کسی نشود و از خواجه‌سرا خواست تا سلامت او را ظرف چند روز بیازماید و ببیند که آیا فقط با خوردن سبزیجات و آب نیرومندتر نخواهد بود. خدا تعهد دانیال را احترام گذاشت و نتیجتاً خوراک نجس دیگر به هیچیک از مردان اسیر اسرائیل در قصر داده نشد. "پس رئیس ساقیان طعام ایشان و شراب را که باید بنوشند برداشت و بقول به ایشان داد" (دانیال 1: 16).

3 دانیال با کاملیت زندگی کرد.

دانیال یکی از مقامات محترم حکومتی گردید که خدمتش به‌هنگام انتقال قدرت نیز ادامه یافت. او با موفقیت پادشاهان فرهنگهای مختلف را خدمت کرد، از بابلیها گرفته تا مادها و پارسها. در مشکلات سه سال نخست تحصیلاتش و در تمام طول چند دهه بعدی، خدا دانیال را حفظ کرد و او با ایمان و کاملیت اخلاقی زیست.

(الف) او مرد دعا بود.

"پس دانیال به خانه خود رفته، رفقایی خویش، حننیا و میثائیل و عزریا را از این امر اطلاع داد، تا در باره این راز از خدای

آسمانها رحمت بطلبند مبدا که دانیال و رفقاییش با سایر حکیمان
بابل هلاک شوند"
(دانیال 2: 17-18)

"اما چون دانیال دانست که نوشته امضا شده است، به خانه خود
درآمد و پنجره‌های بالاخانه خود را به سمت اورشلیم باز
نموده، هر روز سه مرتبه زانو می‌زد و دعا می‌نمود و چنانکه
قبل از آن عادت می‌داشت، نزد خدای خویش دعا می‌کرد و
تسبیح می‌خواند" (دانیال 6: 11).

"پس روی خود را بسوی خداوند خدا متوجه ساختم تا با دعا و
تضرعات و روزه و پلاس و خاکستر مسالت نمایم؛ و نزد یهوه
خدای خود دعا کردم و اعتراف نموده، گفتم: ای خداوند خدای
عظیم و مهیب که عهد و رحمت را با محبان خویش و آنانی که
فرائض تو را حفظ می‌نمایند نگاه می‌داری" (دانیال 9: 3-4).
"در آن ایام، من دانیال، سه هفته تمام ماتم گرفتم، خوراک لذیذ
نخوردم، و گوشت و شراب به دهانم داخل نشد و تا انقضای آن
سه هفته خویشتن را تدهین ننمودم" (دانیال 10: 2-3).

(ب) او عادل و خداترس بود. 1: 8؛ 6: 4-5
"اما دانیال در دل خود قصد نمود که خویشتن را از طعام
پادشاه و از شرابی که او می‌نوشید نخس نسازد. پس از رئیس
خواجهرایان درخواست نمود که خویشتن را نجس نسازد"
(دانیال 1: 8).

"پس وزیران و والیان بهانه می‌جستند تا شکایتی در امور
سلطنت بر دانیال بیاورند اما نتوانستند که هیچ علتی یا تقصیری
بیابند، چونکه او امین بود و خطایی یا تقصیری در او هرگز
یافت نشد. پس آن اشخاص گفتند که در این دانیال هیچ علتی
پیدا نخواهیم کرد، مگر اینکه آن را در باره شریعت خدایش در
او بیابیم" (دانیال 6: 5-6).

(ج) با او سایرین ارتباط اجتماعی داشت:
ایمانداران:

"و در میان ایشان دانیال و حننیا و میثائیل و عزریا از بنی‌یهودا بودند. و رئیس خواجه‌سرایان نامها به ایشان نهاد، اما دانیال را به بلطشصر و حننیا را به شدرک و میثائیل را به میشک و عزریا را به عبدنغو مسمی ساخت" (دانیال 1: 6-7).

بی‌ایمانان:

"و خدا دانیال را نزد رئیس خواجه‌سرایان محترم و مکرم ساخت"
(دانیال 1: 9).

4 لو دانشجوی ممتازی بود.

"و پادشاه با ایشان گفتگو کرد و از جمیع ایشان کسی مثل دانیال و حننیا و میثائیل و عزریا یافت نشد. پس در حضور پادشاه ایستادند. و در هر مساله حکمت و فطانت که پادشاه از ایشان استفسار کرد، ایشان را از جمیع مجوسیان و جادوگرانی که در تمام مملکت او بودند، ده مرتبه بهتر یافت" (دانیال 1: 19-20).

(الف) او انعطاف‌پذیر بود و نام بابلی خود یعنی بلطشصر را پذیرفت، با اینکه نام يك خدای بابلی بود، و زبانی تازه فرا گرفت.

(ب) او فروتن بود و تصدیق می‌کرد که منشا دانش و حکمتش خدا است.

"اما خدا به این چهار جوان، معرفت و ادراک در هرگونه علم و حکمت عطا فرمود و دانیال در همه رویاها و خوابها فهم گرید" (دانیال 1: 17).

"آنگاه آن راز به دانیال در رویای شب کشف شد. پس دانیال خدای آسمانها را متبارک خواند" (دانیال 1: 19).

5 لو شجاع بود حتی در حضور نبوکدنصر پادشاه

"لهذا اي پادشاه، نصیحت من تو را پسند آید و گناهان خود را به عدالت و خطایای خویش را به احسان نمودن به فقیران فدیة بده که شاید باعث طول اطمینان تو باشد" (دانیال 4: 27).

د) کاربرد برای امروز ما

فصل‌های 2 تا 6 دانیال نشان می‌دهد که خدا چگونه فراسوی مرزهای اسرائیل کار کرده است، خصوصاً در امپراطوری‌های بابل و پارس. این اصول چگونه در دنیای امروز در قرن 21 کاربرد دارد؟

فصل 2- خدا حکومت‌ها را بر قرار می‌سازد و از میان می‌برد و حکومت خود را جایگزین آنها می‌سازد.

فصل 3- خدا ایمانداران را از آزارهای مذهبی حکومت‌ها رهایی می‌دهد.

فصل 4- خدا بر حکومت‌ها کنترل دارد.

فصل 5- خدا شرارت را در سطح حکومت‌ها دایری خواهد کرد.

فصل 6- خدا ایمانداران را از توطئه‌های بی‌ایمانان رهایی می‌دهد تا تمام دنیا جلال خدا را بشناسد. این است آن چیزی که پس از رهایی دانیال از چاه شیران نوشته شد:

"از حضور من فرمانی صادر شده است که در هر سلطنتی از ممالک من، مردمان به حضور خدای دانیال لرزان و ترسان باشند زیرا که او خدای حی و تا ابدآباد قیوم است. و ملکوت او بی‌زوال و سلطنت او غیرمتناهی است. اوست که نجات می‌دهد و می‌رهاند و آیات و عجایب را در آسمان و در زمین ظاهر می‌سازد و اوست که دانیال را از چنگ شیران رهایی داده است" (دانیال 6: 26-27).

ه) کاوشی عمیق‌تر

1- از الگوی دانیال و نحوه انطباق او با بابل استفاده کنید تا مشکلاتی را که یک مهاجر به کشوری بیگانه با آنها مواجه می‌شود درک کنید. شاید خدا در این هفته به شما این فرصت را بدهد تا شخصی را که اخیراً به سرزمینی جدید آمده، در این هفته کمک کنید. برخی از خوانندگان این کتاب مجبور شده‌اند ایران را ترک کنند و اکنون در کشورهای جدیدی زندگی می‌کنند. چگونه برخی از اصول انطباق دانیال با کشور و

فرهنگ جدید، به شما کمک می‌کند تا خود را با کشور جدید خود انطباق دهید؟

2- دانیال 1 تا 6 را به‌دقت بخوانید. این فصل‌ها را گروهی از سیاستمداران مسیحی و خداترس که در یکی از کشورهای در مقام رهبری قرار داشتند انتخاب کردند تا بررسی کنند که چگونه می‌توانند در چارچوب سمت‌های سیاسی، خدا را خدمت کنند. فکر می‌کنید این گروه چه نکاتی را مورد بحث قرار دادند؟

3- از چه جنبه‌ای، 70 سال زندگی سیاسی دانیال غیرعادی بود؟ آیا می‌توانید گزارشی در باره رشوه‌گیری، دروغ‌گویی، اختلاس، یا استفاده از مقام سیاسی برای منافع خویش در جهت آزار دیگران در او بیابید؟ شخصی که پیرو واقعی خداست، نه فقط در محل عبادت، بلکه در محل کار و در خانه‌اش نیز زندگی خداترسی خواهد داشت.

4- اگر لازم باشد که شما و خانواده‌تان به شهر جدیدی نقل مکان کنید و از دوستان و کلیسای محلی‌تان دور شوید، نحوه انطباق یافتن دانیال با شرایط جدیدش در بابل، چگونه می‌تواند شما را کمک کند؟

گذر از رویا به تاریخ: پیشگوییهای دانیال

چه کسی می‌بایست این امپراطوری جدید پارسها را که نخستین پادشاهش کورش بود، مغلوب سازد؟ پادشاه جوانی در بابل در بستر مرگ است. ملازمانش به‌آرامی در گوش یکدیگر نجوا می‌کنند. آیا او را مسموم کرده‌اند؟ آیا خواهد مرد؟ بسیاری در این مورد شك دارند. تنها ده سال پیش از این بود که اسکندر یونانی از رود هلسپونت در آسیای صغیر گذشت و علم مخالفت را تا دورترین نقاط امپراطوری پارس بر افراشت. ظرف مدت کمتر از سه سال، دژهای استوار پارس زیر ضربات سهمگین شمشیر اسکندر فرو ریخت، و جریان تاریخ می‌رفت تا برای همیشه دگرگون شود. اما پادشاهی که از او خدایی ساخته بودند، نشان داد که انسانی بیش نیست. اسکندر کبیر بدون اینکه وارثی بر جای بگذارد، درگذشت و امپراطوری عظیمش میان چهار تن از سردارانش تقسیم شد.

این تاریخ جهان است. اما حدود 200 سال پیش از وقوع این رویدادها، دانیال نبی آنها را پیشگویی کرده بود. دانیال تحت الهام الهی، پیشگویی دقیقی از تاریخ را به‌نگارش در آورد. عیسی مسیح بر صحت پیشگوییهای این نبی مهر تائید گذارد (متی 15:24)، ما نیز می‌توانیم چنین کنیم. در حالیکه بسیاری از پیشگوییهای کتاب مقدس هنوز تحقق نیافته‌اند، ما به بررسی سه بخش خواهیم پرداخت که یا بخشی از آنها یا تماماً تحقق یافته است. در نقشه‌هایی که در این کتاب آمده، گستره امپراطوریهای بابل و پارس در روزگار دانیال و نیز در امپراطوری آتی یونان نشان داده شده است.

الف) قوچ و بز

طبق تاریخ جهان، در حدود قرن ششم ق.م، جهان آن روزگار میان چهار امپراطوری تقسیم شده بود: مصر، ماد،

لیدیه، و بابل. بیایید نگاهی بیفکنیم به رویای دانیال در مورد يك میش و بز، و همزمان با بررسی فصل هشتم دانیال، مطالبی در زمینه تاریخ بیاموزیم.

1 -دانیال جزئیات این پیشگویی را زمانی که در قصر شوشن (شوش)، واقع در جنوب غربی ایران امروزی، در يك رویا دید.

2 -در آیه‌های 3 و 4، قوچی با دو شاخ توصیف شده، که یکی از آنها بعداً بلندتر از دیگری خواهد شد. خدا در آیه 20، معنی این رویا را بیان می‌فرماید: "اما آن قوچ صاحب دو شاخ که آن را دیدی، پادشاهان مادیان و فارسیان می‌باشد."

"پس چشمان خود را بر افراشته، دیدم که ناگاه قوچی نزد نهر ایستاده بود که دو شاخ داشت و شاخهایش بلند بود یکی از دیگری بلندتر و بلندترین آنها آخر بر آمد. و قوچ را دیدم که به سمت مغرب و شمال و جنوب شاخ می‌زد و هیچ وحشی با او مقاومت نتوانست کرد و کسی نبود که از دستش رهایی دهد و بر حسب رای خود عمل نموده، بزرگ می‌شد" (دانیال 8: 3-4).

"اما آن قوچ صاحب دو شاخ که آن را دیدی، پادشاهان مادیان و فارسیان می‌باشد" (دانیال 20:8).

الف) بهیاد داشته باشید که در فصل اول این کتاب، مطالبی در باره کورش، پادشاه پارس، آموختیم و اینکه نام او در عهدعتیق آمده است. او امپراطوری ماد را مطیع خاندان پارس ساخت و آن را تبدیل نمود به امپراطوری ماد و پارس. این همان سرزمینی است که در آن دانیال را در چاه شیران انداختند، زیرا قانون مادها و پارسها غیرقابل تغییر بود.

ب) مادها که حکومت ضعیف‌تر بودند، همان شاخ کوتاه‌تر قوچ هستند. پارسها، حکومت نیرومندتر، آن شاخ دیگر هستند که بلندتر شد.

3- در 8: 5-8 دانیال بز نری دید که "شاخی معتبر" داشت، و از مغرب می‌آمد. آن شاخ معتبر آن دو شاخ قوچ را خرد کرد و پایمال نمود. بز بسیار بزرگ گردید، اما در اوج قدرت خویش، آن شاخ بزرگ شکست و در جایش چهار شاخ دیگر رویید. آیا می‌توانید تشخیص دهید که این کدام رویداد تاریخی است؟ بیایید تعبیر خدا را در باره معنای بز و قوچ بخوانیم: "و آن بز نر ستمبر پادشاه یونان می‌باشد و آن شاخ بزرگی که در میان دو چشمش بود، پادشاه اول است" (دانیال 8: 21). این پادشاه همان اسکندر کبیر است. او از غرب، از سرزمین یونان آمد، و همچون گولهای شتابان، ترکیه را فتح کرد، پیش از آنکه از رود هلسپونت که غرب و شرق، و یونان و پارس را از هم جدا می‌ساخت، عبور کند. می‌گویند که او می‌نشست و می‌گریست چونکه دیگر سرزمینی نبود که فتح کند. اما در جوانی، زمانی که فقط حدود سی سال داشت، درگذشت و حکومتش به چهار بخش تقسیم شد و هر یک به سرداری رسید. این معنای چهار شاخ را توضیح می‌دهد.

ب) مجسمه طلایی

نبوکدنصر شاید فرمانروای پرشکوهترین حکومت روی زمین بوده باشد، اما به علت خوابی غیر قابل توصیف، عمیقاً پریشان گردید و خواب از چشمانش ربوده شد. او حکیمان بابل را تهدید کرد که اگر پاسخش را ندهند، ایشان را به قتل برسانند. او بقدری پریشان و مضطرب بود که از تعبیرکنندگان خواست تا پیش از تعبیر خوابش، خود خواب را برایش بازگو کنند. دانیال که جانش همانند سایر حکیمان در خطر مرگ قرار داشت، با ایمان قدم به جلو گذارد و از خدا مدد جست و خدا او را قادر ساخت تا خواب را بازگو کند:

"تو ای پادشاه، می‌دیدي و اینک تمثال عظیمی بود و این تمثال بزرگ که درخشندگی آن بی‌نهایت و منظر آن هولناک بود، پیش روی تو بر پا شد. سر این تمثال از طلایی خالص و سینه و بازوهایش از نقره و شکم و رانهایش از برنج بود. و ساقهایش از آهن و پایهایش قدری از آهن و قدری از گل بود. و مشاهده می‌نمودي تا سنگی بدون دستها جدا شده، پایهای آهنین و گلین

آن تمثال را زد و آنها را خرد ساخت. آنگاه آهن و گل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاه خرمین تابستانی گردیده، باد آنها را چنان برد که جایی به جهت آنها یافت نشد. و آن سنگ که تمثال را زده بود، کوه عظیمی گردید و تمامی جهان را پر ساخت"
(دانیال 2: 31-35).

1- فکر می‌کنید که چرا نبوکدنصر از حکیمان خود خواست تا اول خوابش را بازگو کنند و بعد، تعبیرش را؟ دانیال چگونه توانست کاری را بکند که سایر حکیمان نتوانستند؟
2- بیا بید تصاویر مذکور در کتاب مقدس را همراه با معنایشان بررسی کنیم:

- مجسمه عظیم و درخشنده و هولناک بود.
- سر آن طلایی بود که مظهر نبوکدنصر و امپراطوری بابل بود.
- بازوها و سینه‌اش از نقره بود، و این مظهر حکومتی فروتر بود که می‌بایست بعداً بیاید.
- رانها و شکم برنجین مظهر سومین حکومتی بود که می‌بایست بر جهان حکمرانی کند.
- حکومت چهارم با ساقهای آهنین پس از آن خواهد آمد که تمام حکومت‌های دیگر را خرد خواهد ساخت. اما این حکومت پایهایی داشت از آمیزه‌ای از آهن و گل (چرا که مردمانش مختلط بودند و اتحاد نداشتند).
- سنگی که با دستهای انسانی بریده نشده بود، این تمثال را خرد ساخت:

آن سنگ پایهای آهنین و گلی را نابود ساخت.
تمثال فرو افتاد و اجزای مختلفش بر زمین افتاد و همچون کاه در باد گردید.
آن سنگ تبدیل به کوهی عظیم گردید و تمامی زمین را پر ساخت.

3- به تعبیری که خدا به واسطه دانیال می‌دهد توجه کنید. دانیال بیان می‌دارد که آن سر طلایی، نبوکدنصر است. اکثر محققین معتقد به کتاب مقدس توافق دارند که حکومت‌هایی که مظهرشان بخشهای نقره‌ای و

برنجین و آهنین و گلین بدن تمثال می‌باشد، حکومت‌های پارس و یونان و روم است.

در این بررسی، مجال آن نیست که بطور کافی در مورد ساقه‌های آهنین و پایه‌های مخلوط آهن و گل که توسط سنگ خرد شدند، بحث کنیم. اما بسیاری از علمای الهی معتقدند که اینها مظهر حکومت روم در روزگار مسیح و نیز امپراطوری احیا شده روم در زمان‌های آخر می‌باشد. امپراطوری احیاشده خرد خواهد شد، همانند هر حکومت انسانی دیگر، زمانی که عیسی مسیح، آن "سنگ"، حکومت یا همان "ملکوت" خود را بر پا دارد؛ آنگاه طبق باور بسیاری از مسیحیان، او سلطنت هزارساله خود را بر روی زمین آغاز خواهد کرد.

ج) چهار جاندار (وحش) از دریا

و اینک نوبت دانیال بود که در اثر يك رویا عمیقاً منقلب شود. در زمان حکومت بلشصر، نوه نبوکدنصر، دانیال خوابی دید در باره يك شیر، خرس، پلنگ، و جاندار هولناکی دیگر. دانیال 7: 1-28 را بخوانید. فرشته جبرائیل معنی چهار جاندار را برای دانیال تعبیر کرد: آنها معرف حکومت‌های جهان بودند.

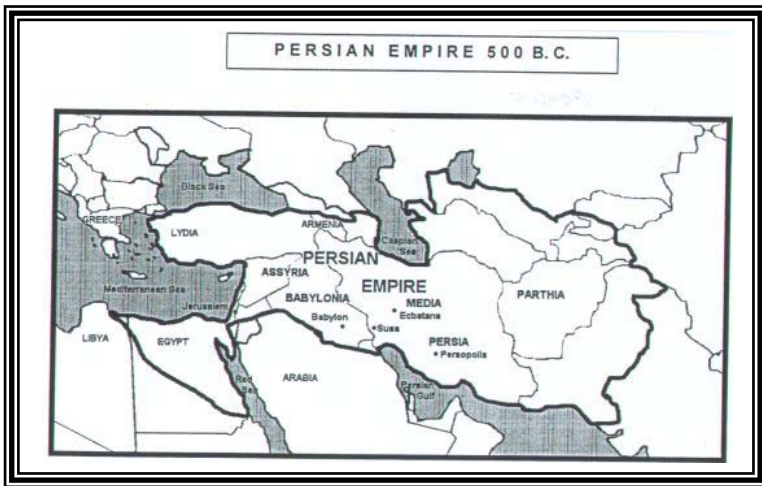
1- نخستین جاندار، شیر بود. بهیاد داشته باشید که در خواب نبوکدنصر، بخشهای مختلف آن مجسمه معرف بابل، ماد و پارس، یونان، و امپراطوری روم بود. بطور تطبیقی، در رویای دانیال بابل همان شیر بود که بالهای عقاب داشت (سایر اشارات به بابل به‌عنوان شیر و عقاب در ارمیا 4: 7 و حزقیال 17: 3 یافت می‌شود).



امپراطوری بابل، 585 ق.م.

2- جاندار دوم، خرسی بود که بر يك طرف خود بلند شد. این تصویر مشابه با تصویر قوچ و بز است، قوچی که دو شاخ داشت و یکی بلندتر از دیگری بود. این اشاره‌ای بود به حکومت ماد و پارس که در آن، پارس بخش نیرومندتر حکومت بود. خرس "گوشت بسیار" خورد و در دهانش سه دنده بود. این تصویر را مقایسه کنید با تصرف سریع ماد و لیدییه و بابل به دست پارسیها.

"و اینک وحش دوم دیگر مثل خرس بود و بر يك طرف خود بلند شد و در دهانش در میان دندانهایش سه دنده بود و ی را چنین گفتند: برخیز و گوشت بسیار بخور!" (دانیال 5:7).

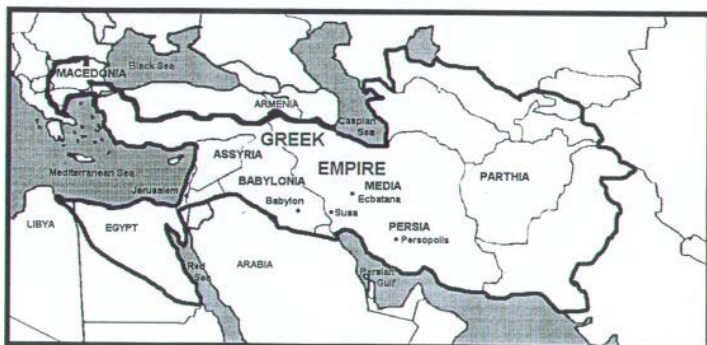


امپراطوری پارس 500 ق.م.

3- جاندار سوم یعنی پلنگ، همان یونان است. به چهار سر پلنگ توجه کنید که یادآور چهار شاخه است که از بز نر دانیال بر آمد که البته همان چهار جانشین اسکندر است که پس از مرگ او، حکومتش را میان خود تقسیم کردند.

"بعد از نگرستم و اینک دیگری مثل پلنگ بود که بر پشتش چهار بال مرغ داشت و این وحش چهار سر داشت و سلطنت به او داده شد" (دانیال 6:4).

GREEK EMPIRE 275 B.C.



امپراطوری 585 ق.م.

4- جاندار چهارم (7:7)، که شاید آنقدر هولناک بود که نمی‌شد از او نام برد، همه چیز را بر سر راه زیر پا خرد می‌کرد. در مقایسه با خواب نبوکدنصر، این همان امپراطوری روم است. می‌خوانیم که ده شاخ آن مظهر ده پادشاه هستند و اینکه سه تا از این شاخها ریشه‌کن شد و در همان حال شاخ کوچک دیگری که بسیار قدرتمند بود، رشد می‌کرد. می‌خوانیم که آن شاخ کوچک قدرتمند بر مقدسان آزار خواهد رساند و بر ضد خدا سخن خواهد گفت (7: 21-25). بسیاری بر این باورند که این همان شخصی است که دجال خواهد شد و بر امپراطوری احیاشده روم فرمان خواهد راند.

خاطرات تخت‌جمشید

هر يك از این سه رویا، هشداري بود به دانیال در باره رویدادهایی که در آینده رخ خواهد داد. بابل طلایی، آن شیر، بدست خاندان نقره‌اي پارس، آن خرس مغلوب گردید. پارس نیز به نوبه خود بدست یونانیهای برنجین، اسکندر کبیر، آن پلنگ، ساقط شد. و امپراطوری یونان نیز قطعاً توسط حکومت چهارم، یعنی روم، فرو پاشید. اکثر اینها اکنون فقط تاریخ است

که خاطراتش در میان خرابه‌های باستانی تخت‌جمشید باقی است.

بر پله‌های آپادانا (کاخ پذیرایی) در تخت‌جمشید تصاویری هست معرف 23 کشور مختلف که مطیع امپراطوری پارس شدند. یکی از این 23 تصویر متعلق به امپراطوری بابل است. طلا، نقره، پارچه، گاویش جزو خراجهایی است که به پادشاه پارس تقدیم می‌شود. اسکندر کبیر و سپاه یونانی‌اش شهر را به آتش کشیدند و تخت‌جمشید را به همراه کاخ و گنجینه‌هایش ویران ساختند. با این همه، آثاری از حکومت‌های بابل، پارس، و یونان را می‌توان یک به یک در میان این ویرانه‌ها یافت.

د) کاوشی عمیق‌تر

1- چگونه قدرت خدا در خصوص پیشگویی دولت‌ها و حکومت‌ها در کتاب دانیال، نظیر ظهور امپراطوری یونان در زمان اسکندر کبیر، می‌تواند تسلاهی باشد برای ما آن هنگام که با تغییرات بی‌ثبات سیاسی در جهان مواجه می‌شویم؟

2- این بخش چگونه می‌تواند به شما کمک کند تا برای مسیحیانی که از سوی مقامات دولتی در کشورهای نظیر سودان و ترکمنستان و چین آزار می‌بینند، دعا کنید؟

3- اگر وقت دارید، تمام نبوت‌های دانیال را مطالعه کنید. چرا چنین تأکید نیرومندی بر تاریخ آتی ملل غیریهود (امت‌ها) وجود دارد؟

4- چرا علمای لیبرال الهیات که به الهامی بودن کتاب مقدس ایمان ندارند، انکار می‌نمایند که کتاب دانیال را خود دانیال نوشته است، و ادعا می‌کنند که این فصل‌ها را شخصی صدها سال بعد نوشته و از نام دانیال استفاده کرده است؟

دقیق‌ترین کتاب تاریخ دنیا

کتاب مقدس کلام خدا خطاب به انسان است و برای آن نوشته شده تا به انسان گناهِش و نیازش را به نجات‌دهنده نشان دهد. این کتاب در باره مرگ و قیام عیسی مسیح سخن می‌گوید، همان کاری که او برای پرداخت جریمه گناهان بشر انجام داد؛ همچنین بر اساس این کتاب پی می‌بریم که چگونه می‌توانیم شخصاً خدا را بشناسیم و او را بپرستیم و با او راز و نیاز کنیم و نیز از وعده حیات جاودانی برخوردار شویم. کتاب مقدس، کتاب خدا، هر جا که در باره تاریخ سخن گفته، از دقتی کامل برخوردار می‌باشد. نگاهی به کتاب دانیال به ما کمک می‌کند تا به دقت کلام خدا بیشتر پی ببریم.

(الف) کتاب مقدس و تاریخ

1 - وقتی در باره کتاب مقدس و آنچه که این کتاب در باره خودش بیان می‌دارد فکر می‌کنید، کدام آیه‌ها به نظرتان می‌آیند؟ احتمالاً دوم تیموتاوس 3:16، "تمامی کتب از الهام خداست..." یا دوم پطرس 1:21 که می‌فرماید: "زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند." به فرمایش عیسی در متی 24:35 توجه کنید که فرمود: "آسمان و زمین زایل خواهد شد، لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد."

این آیه‌ها ما را مطمئن می‌سازند که کتاب مقدس قابل اعتماد است. این کتاب بیش از 3000 بار خود را کلام خدا خوانده است. عیسی به شخصیت‌ها و رویدادهای عهدعتیق به‌عنوان

شخصیت‌ها و رویدادهای واقعی اشاره کرد، نه تحت عنوان امور مجازی و استعاری.

2- در فهرست زیر برخی از شخصیت‌ها و ملت‌ها و مکان‌ها و رویدادهایی که در کتاب دانیال ثبت شده، ارائه شده است. نامهایی که در فهرست زیر خط‌کشی شده‌اند، در تاریخ عمومی پارس و نیز در تاریخ کتاب‌مقدس، در کتاب دانیال ثبت شده است.

شخصیت‌ها

اسامی	آیه
یهویاقیم	1 : 1
نبوکدنصر	1 : 1
اشفناز	3 : 1
دانیال (بلطشصر)	7-6 : 1
حنانیا (شدرک)	7-6 : 1
میشائیل (میشک)	7-6 : 1
عزریا (عبدنغو)	7-6 : 1
کوروش	21 : 1
اریوک	14 : 2
بلشصر	5 : 1
داریوش مادی	31 : 5
ارمیا	2 : 9

مکان‌ها

مکان	آیه
اورشلیم	1 : 1
یهودا	1 : 1
بابل	1 : 1
دشت دورا	3 : 1
شوش (شوشن)	2 : 8
ایلام	2 : 8
رود دجله	4 : 10

ملت‌ها

ملت	آیه
بابل	1 : 1
ماد	31 : 5
ماد - پارس	21 : 8
یونان	21 : 8

رویدادها

رویداد	آیه
محاصره اورشلیم	1: 3-1
خوار شدن نبوکدنصر	2: 1-48
خواب پادشاه	2: 1-49
تمثال طلايي نبوکدنصر	3: 1-8
کوره نبوکدنصر	3: 13-30
ضيافت بلشصر	5: 1-30
سقوط بابل	5: 25-31
دانیال در چاه شیران	6: 1-24
اعلامیه داریوش	6: 25-28

3- به چه دلایلی ممکن است تاریخ عمومی جهان که امروز مطالعه می‌کنیم دقیق نباشد و چرا تاریخ کتاب مقدس گاه با تاریخ عمومی منافات دارد؟

الف) شرایط جغرافیایی زمینها، نظیر مسیر رودخانه‌ها و سواحل دریاها، و نیز شرایط اقلیمی در طول زمان تغییر می‌کند. همچنین جمعیت‌شناسی تغییر می‌کند؛ شهرها بزرگ می‌شوند یا از میان می‌روند.

يك) در گذشته، تهران همانند بسیاری از شهرهای خاورمیانه، با دیوار احاطه شده بود. دوازده دروازه ورود و خروج به شهر را امکان‌پذیر می‌ساخت. در طول سالها، دیوارها و حصارها و دروازه‌ها تخریب شد. اما بخشهایی از تهران هنوز هم با نام

دروازه‌های قدیمی آن نامیده می‌شود، نظیر "دروازه شمیران" و "دروازه دولت". مردم با استفاده از نام‌هایی اینچنین، تاریخ خود را به یاد می‌آورند.

(دو) اکثر نام‌های شهرها، چه در ایالات متحده چه در کشورهای دیگر، وجه تسمیه تاریخی دارند که ممکن است دیگر معتبر نباشد. من در پنسیلوانیا در نزدیکی شهری زندگی می‌کنم که نامش "Sinking Spring" (چشمه در حال غرق) می‌باشد، زیرا زمانی چشمه شهر داشت در زمین فرو می‌رفت. ظاهراً چشمه مدتها پیش کاملاً در زمین فرو رفت و ناپدید شد، اما نام "چشمه در حال غرق" هنوز باقی است.

(سه) دوستی دارم که در خیابانی زندگی می‌کند به نام "Oceanview" (منظره اقیانوس). نام این خیابان دروغ است چونکه اقیانوس حدود 15 کیلومتر دورتر است و نمی‌توان آن را دید. شاید اگر باستان‌شناسان پس از پانصد سال این نقطه را حفاری کنند و به نام این خیابان برخورد کنند، نتیجه بگیرند که اقیانوس می‌بایست در یکصد متری آن خانه بوده باشد. (ب) نام اشخاص و مکان‌ها به‌هنگام ترجمه از یک زبان به زبانی دیگر، تغییر می‌کند. مثلاً در ایران مردم کشوری را که ما در انگلیسی Germany می‌نامیم، "آلمان" می‌خوانند. خود آلمانیها هم کشور خودشان را Deutschland می‌خوانند.

(ج) نگرش‌های تاریخی بر حسب اینکه چه کسی آن را می‌نویسد تغییر می‌کند. برای مثال، روسیه و چین امروز بخش بزرگی از تاریخ گذشته و بخشی از تاریخ معاصر خود را پاکسازی کرده‌اند. به‌علاوه، هر کشوری تاریخ را از دیدگاه خود مورد تاکید قرار می‌دهد. انگلستان و ایالات متحده از جنگ‌های انقلابی آمریکا دیدگاه‌هایی کاملاً متفاوت به دست می‌دهند. در کتاب‌های تاریخ آمریکا، آنها را مبارزه در راه استقلال می‌خوانند و در انگلستان، شورش.

د) اطلاعات همیشه در دسترس نیست. نسخ خطی در اثر مرور زمان از میان می‌رود. کتاب‌ها در جنگ‌ها مفقود یا نابود می‌شوند. بسیاری از خاطرات دوران کهن بخاطر نبودن وسایل نگارش و تکنولوژی، به‌طریق سنت شفاهی حفظ شده‌اند.

ه) مرکز توجه خدا در کتاب‌مقدس، تاریخ نجات بشریت است. در عهدعتیق، این نجات متمرکز بود بر ملت اسرائیل، و بعدها در عهدجدید به‌واسطه عیسی مسیح همه ملت‌ها را در بر گرفت. گرچه کتاب‌مقدس به این منظور نوشته نشده که کتابی تاریخی باشد، می‌توانیم به این واقعیت اعتماد داشته باشیم که تاریخ موجود در آن، دقیق است چرا که خدا حقیقت است.

ب) کتاب‌مقدس و تاریخ عمومی جهان

1- وقتی تاریخ عمومی جهان با مطالب کتاب‌مقدس منافات می‌یابد، گاه کشفیات جدید نشان می‌دهد که تاریخ عمومی جهان نادرست بوده است. همانگونه که خواهیم دید، کتاب‌مقدس تکمیل شده است، اما کشفیات تاریخی هنوز ادامه دارد و دائماً در حال تغییر است. دانیال فصل 5 را بخوانید.

الف) مندرجات کتاب‌مقدس در خصوص سقوط بابل به این شرح است: بلشصر پادشاه، جانشین نبوکدنصر، ضیافتی مالا مال از فساد و میگساری برگزار کرد که طی آن دستی را دید که بر روی دیوار پیامی را می‌نوشت. او که وحشت سراپای وجودش را فرا گرفته بود، وعده داد که هر که بتواند تعبیر آن نوشته را بگوید، در حکومت او مقام سوم را احراز خواهد نمود. اما هیچک از حکیمان او قادر به تشخیص معنای آن نوشته نشد. دانیال را آوردند و او تعبیر درست را عرضه داشت: حکومت بلشصر به پایان خود رسیده و قلمرو بابلیها به مادها و پارسها داده خواهد شد. بلشصر پادشاه چنان خشنود شد که دانیال را جامه‌ای ارغوانی بخشید و طوقی زرین بر گردنش آویخت، و او را سومین مقام حکومتی نامید. اما همان شب

بلشصر به قتل رسید و داریوش مادی حکومت را در 62 سالگی بدست گرفت.

ب) تا اوائل قرن بیستم، مورخین ادعا می‌کردند که بلشصر پادشاه که در فصل 5 دانیال ذکرش آمده، هرگز وجود نداشته است. طبق داده‌های تاریخی، هنگامی که کورش بابل را فتح کرد، شخصی به نام نبونیدوس پادشاه بابل بود، و این نبونیدوس در جریان تسخیر بابل کشته نشد بلکه در تمام طول عمرش از خزانه پادشاه مستمري دریافت می‌کرد.

ج) اما کشف لوح‌های باستانی توسط باستان‌شناسان در اواخر قرن نوزدهم، داده‌های بیشتری بدست داد. نبونیدوس پادشاه بابل بود، اما در سالهای پایانی عمرش، پسرش را نایب‌السلطنه قرار داده بود و به همراه او سلطنت می‌کرد. بعضی از لوح‌ها نیز حاوی قراردادهای بازرگانی است که از طریق یاد کردن سوگند به پادشاه وقت استوار می‌شد. سوگند به دو نام نبونیدوس و بلشصر یاد شده است.

در سالهای اخیر، تحقیقات آر. داوترتی (R. Dougherty)، استاد فقید آشورشناسی در دانشگاه ییل، نشان می‌دهد که نبونیدوس بخش عمده سالهای آخر حکومت خود را در عربستان گذراند و بلشصر را در بابل گذاشت تا بر کشور فرمان براند. آیا اکنون درک می‌کنید که چرا به دانیال فقط مقام سوم در حکومت اعطا شد؟ بلشصر خودش دارای مقام دوم بود. گرچه تاریخ، حقانیت کتاب مقدس در خصوص بلشصر را تصدیق کرده است، اما هنوز بسیاری از پژوهشگران، مندرجات کتاب مقدس در خصوص داریوش مادی را که جانشین بلشصر شد، انکار می‌کنند.

"و من درباره تو شنیده‌ام که به نمودن تعبیرها و گشودن عقده‌ها قادر می‌باشی. پس اگر بتوانی الآن نوشته را بخوانی و تفسیرش را برای من بیان کنی، به ارغوان ملبس خواهی شد و طوق زرین بر گردنت نهاده خواهد شد و در مملکت حاکم سوم خواهی بود" (دانیال 5: 16).

"آنگاه بلشصر امر فرمود تا دانیال را به ارغوان ملبس ساختند و طوق زرین بر گردنش نهادند و در باره‌اش ندا کردند که در مملکت حاکم سوم می‌باشد" (دانیال 5: 29).

باستان‌شناسی ممکن است هرگز تمامی اختلافات میان تاریخ عمومی و کتاب‌مقدس را روشن نسازد. برای مثال، محققین و مورخین لیبرال امروزه اکثراً به ماجرای دانیال و چاه شیران می‌خندند زیرا در آن به پادشاهی به نام داریوش مادی اشاره شده است. گزارشهای تاریخی نشان می‌دهد که یک پادشاه پارسی به‌نام داریوش 18 سال پس از فتح بابل بدست کورش به پادشاهی رسید، پس او نمی‌توانسته معاصر با دانیال بوده باشد. اما توجه کنید که کتاب‌مقدس در دانیال 5: 31 چقدر دقیق به توصیف داریوش مادی می‌پردازد. او زمانی که به پادشاهی رسید، 62 سال داشت (5: 31). این داریوش مادی اگر همان داریوش، شاهنشاه مشهور ایران نباشد، که می‌توانست باشد و چرا چنین اختلافی هست؟ در این زمینه چند توضیح محتمل وجود دارد:

الف) عده‌ای می‌گویند که داریوش مادی و کورش پادشاه که در کتاب‌مقدس مورد اشاره قرار گرفته‌اند، در واقع یک نفر هستند با دو عنوان، و برای اثبات گفته خود به دانیال 6: 29 اشاره می‌کنند:

"پس این دانیال در سلطنت داریوش و در سلطنت کورش فارسی فیروز می‌بود."

ب) عده‌ای دیگر می‌گویند که داریوش مادی سرداری بود که تحت فرمان کورش بابل را فتح کرد، یا کیاخشایارشا، یکی از پادشاهان ماد بوده که پس از مغلوب شدن بدست کورش، او را در لشکرکشی‌هایش همراهی کرد.

ج) معقول‌ترین توضیح این است که در تاریخ عمومی، داریوش با نامی دیگر مورد اشاره قرار گرفته، یعنی با نام گوبارو، که از سوی کورش مامور حکومت بر بابل گردید. از گوبارو، فرمانداری که ماموریت یافت تا بر بابل حکومت کند، در کتیبه

بیستون (یا بهیستون، در نزدیکی شهر باختران یا کرمانشاه سابق) نام برده شده است.

Nabonidus Chronicle, Contenau Texts, Pohl Texts, and Tremayne Texts.

برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب 83 صفحه‌ای کتاب (Darius the Mede) که نویسنده آن (J.C. Whitcomb) مراجعه بکنید.

The Presbyterians and Reformed Publishing Company 1963.

ج) نتیجه

يك اصل خوب تفسیر به‌هنگام مطالعه کتاب مقدس این است که "هرگاه معنای کتاب مقدس روشن است، به‌دنبال معنای دیگری نگردید." گرچه کتاب مقدس کتابی است در زمینه نجات و شناخت خدا، اما مندرجات تاریخی آن دقیق است! خدا را شکر که باستان‌شناسان دائماً داده‌های جدیدی می‌یابند که تاریخ کتاب مقدس را تأیید می‌کند. بالینحال، بنیاد ایمان ما به کلام خدا، آن فرمایش خود مسیح است که فرمود: "کلام تو راستی است" (یوحنا 17: 17).

د) کاربرد شخصی

آیا ایمان دارید که کتاب مقدس از نظر تاریخی درست است؟ گفتیم که کتاب مقدس تکمیل است و همیشه دقیق، اما تاریخ اینچنین نیست. درک این حقیقت چگونه می‌تواند به‌هنگام مواجهه با اختلاف میان کتاب مقدس و تاریخ عمومی، به شما کمک کند؟

ه) کاوشی عمیق‌تر

1- عیسی مسیح در انجیل‌ها چگونه به شخصیت‌ها و رویدادهای عهدعتیق اشاره می‌کرد؟ آیا اینها امور تاریخی بودند یا فقط ابزاری ادبی برای تعلیم؟ از اشخاص و رویدادهای

عهدعتیق که عیسی به آنها اشاره کرد، فهرستی تهیه کنید، و بنویسید که نحوه اشاره او به آنها چگونه بود. برای مثال، او از آدم و حوا به عنوان اشخاص حقیقی نام می‌برد و در نظر او طوفان نوح واقعاً اتفاق افتاد.

3- با کسی که می‌گوید برای تفسیر عهدعتیق روش دیگری دارد، چگونه برخورد می‌کنید؟ مثلاً برای چنین شخصی، فقط معنای روحانی رویدادهایی نظیر دانیال در چاه شیران یا طوفان نوح اهمیت دارد. برای او مهم نیست که اینها واقعاً در تاریخ اتفاق افتاده‌اند یا نه. چگونه به چنین شخصی نشان می‌دهید که این رویدادها واقعاً در تاریخ روی داده‌اند؟

دعاهایی نیرومند از پارس!

آیا دقت کرده‌اید که که دانیال در دوره کهنسالی، چه دعاهای نیرومندی کرد؟ او که برای مدت بیش از 70 سال در سمت‌های بالا در دربار بابلها و پارسها خدمت کرد، هر روز سه بار در برابر پنجره‌ای گشوده رو به اورشلیم دعا می‌نمود. وقتی که رقباي سياسي‌اش زندگي آميخته به دعاي او را بهانه قرار دادند، او دليرانه از اقرار کردن به ايمان خود به خدای زنده باز نایستاد! فصل 6 دانیال را بخوانید. در دانیال 8: 2 می‌خوانیم که دانیال هنگامی‌که در کاخ شوش در ایالت ایلام بود، رویایی دید.

(الف) فراتر از رهایی از چاه شیران!

توفیق دانیال در مقام مشاور سياسي، حسادت همقطاران‌ش را بر انگيخت. ایشان دائماً در پی آن بودند که او را از سر راه خود بردارند. اما چون نمی‌توانستند در صداقت و قابلیتش در کار نقصي بیابند، بر آن شدند تا از اعتقاداتش علیه او استفاده کنند. در نتیجه، چاپلوسانه داریوش پادشاه را بر انگيختند تا فرمانی 30 روزه صادر کند مبنی بر اینکه هر که در این مدت به کسی جز پادشاه دعا کند، به چاه شیران انداخته شود. این امر مانع دانیال نشد. او به دعا کردن ادامه داد، روزی سه بار در برابر پنجره‌ای گشوده رو بسوی اورشلیم دعا می‌کرد و خدا را سپاس می‌گفت، همانگونه که قبلاً می‌کرد. "اما چون دانیال دانست که نوشته امضا شده است، به خانه خود در آمد و پنجره‌های بالاخانه خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می‌زد و دعا می‌نمود و چنانکه قبل از آن عادت می‌داشت، نزد خدای خویش دعا می‌کرد و تسبیح می‌خواند" (دانیال 6: 11).

حیله دشمنان دانیال کارساز شد. دانیال را در حال دعا دیدند و او را محکوم به چاه شیران نمودند زیرا احکام مادها و پارسها غیر قابل تغییر بود. می‌دانیم که خدا دانیال را معجزه‌آسا رهایی داد. اما به نتیجه نهایی اطاعت دانیال از خدا توجه کنید:

داریوش این اعلامیه را پس از رهایی یافتن دانیال صادر نمود: "از حضور من فرمانی صادر شده است که در هر سلطنتی از ممالک من، مردمان به حضور خدای دانیال لرزان و ترسان باشند، زیرا که او خدای حی و تا ابدالابد قیوم است. و ملکوت او بی‌زوال و سلطنت او غیر متناهی است. اوست که نجات می‌دهد و می‌رہاند و آیات و عجایب را در آسمان و در زمین ظاهر می‌سازد و اوست که دانیال را از چنگ شیران رهایی داده است." پس این دانیال در سلطنت داریوش و در سلطنت کورش فارسی فیروز می‌بود" (دانیال 6: 27-28).

چه کسانی این اعلامیه را شنیدند؟ امپراتوری پارس از مصر گرفته، در تمامی خاورمیانه، و پاکستان و بخشی از هندوستان و تا به آسیای مرکزی گسترده بود. این قلمرو امروزه شامل کشورهای مصر، عربستان سعودی، اسرائیل، اردن، عراق، لبنان، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان، و بخشی از قزاقستان و هندوستان می‌شود. صدها گروه از مردم به صدها زبان نوشته داریوش را خواندند. در اثر دعاهای دانیال، "پنجره 10-40 آن روزگار دانستند که خدای زنده دانیال رهایی می‌بخشد، آیات و عجایب به عمل می‌آورد، و حکومتش ابدی است.

ب) آیا شیطان می‌توانست دعای دانیال برای پارس را مختل سازد؟

در فصل دهم دانیال، او را در سالخوردگی، در سومین سال خدمتش به کورش، پادشاه پارس می‌بینیم. می‌خوانیم که او بار سنیگینی در دل خود داشت. او به مدت سه هفته روزه

گرفت و دعا کرد، بدون آنکه بداند که آیا دعایش شنیده می‌شود یا نه. آنگاه از آسمان چنین پاسخ آمد: "ای دانیال مترس، زیرا از روز اول که دل خود را بر آن نهادی که بفهمی و به حضور خدای خود تواضع نمایی، سخنان تو مستجاب گردید و من به‌سبب سخنانت آمدم. اما رئیس مملکت فارس بیست و یک روز با من مقاومت نمود و میکائیل که یکی از روسای اولین است به اعانت من آمد و من در آنجا نزد پادشاهان فارس ماندم. و من آمدم تا تو را از آنچه در ایام آخر بر قوم تو واقع خواهد شد اطلاع دهم زیرا که این رویا برای ایام طویل است" (دانیال 10: 12-14).

نبردی روحانی در آسمان میان نیروهای خدا و شیطان در گرفت که سبب شد پاسخ خدا به دانیال به‌مدت بیست و یک روز عقب بیفتد. توجه کنید که روح پلیدی تحت قدرت شیطان، "رئیس مملکت فارس" نامیده شده است. در همان فصل، نبردی دیگر با "رئیس یونان" توصیف شده است. از قرار معلوم، شیطان نیروهای پلیدی مختلفی را بر کشورها یا گروه‌های گوناگون مردم می‌گمارد تا ایشان را در تاریکی نگاه دارد تا به شناخت حقیقت نائل نیایند.

شیطان از هر وسیله‌ای برای مختل ساختن دعاها استفاده می‌کند، خصوصاً دعاهایی که مربوط به بردن پیام انجیل به ملت‌ها و مردمانی می‌شود که آن را نشنیده‌اند. شیطان همواره با کار خدا در ایران مخالفت ورزیده‌است، اما همانند دعای دانیال، شفاعت قوم خدا امروز می‌تواند کار خدا را برای هدایت ایرانیان بسوی مسیح کامیاب سازد. لطفاً این دعوت به مبارزه را که در زیر آمده، بپذیرید!

ج) کاربرد شخصی

دوستان عزیز مسیحی، در فصل دوم دیدیم که دانیال نوجوان دعا کرد و از خدا طلب حکمت نمود. همین دانیال در هشتاد سالگی هنوز هم روزه می‌گرفت و دعا می‌کرد تا کار خدا در میان قومش، یعنی یهودیان و در میان سایر ملت‌های امپراطوری پارس به‌انجام برسد.

بباید ما نیز همچون دانیال باشیم! بسیاری از دعاهای ما فقط برای خانواده و دوستان و نیازهای فیزیکی مان می باشد. ما غافل می مانیم از اینکه برای سایر نیازها دعا کنیم. از راهنمای دعای ذیل استفاده کنید تا درست مانند دانیال، برای نیازهای ایران دعا نمایید.

درخواست برای ایران

- 1- برای ایمانداران جفا دیده فارسی زبان دعا کنید تا شکیباً باشند و بتوانند محبت مسیح را به آزار دهندگان خود نشان دهند.
- 2- برای بازگشایی انجمن کتاب مقدس در تهران دعا کنید. چه موهبتی خواهد بود که بار دیگر کتب مقدسه در ایران به فراوانی در دسترس باشد.
- 3- دعا کنید تا ایمانداران جدید بیاموزند که از طریق مطالعه کلام و کاربرد آن، به صدای خدا گوش فرا دهند.
- 4- بعضی از مسیحیان از شرکت در جلسات کلیسایی محرومند. دعا کنید تا ایشان از طریق برنامه های رادیویی، جزوات کتاب مقدس، یا سایر نشریات مسیحی تشویق شوند.
- 5- برای کار خدا در میان دو میلیون نفر از قبایل لر دعا کنید تا بسیاری از آنان بسوی مسیح بیایند.
- 6- دعا کنید تا آن دسته از ایرانیان که به خارج مهاجرت کرده اند و به مسیح ایمان آورده اند، مایل باشند که به ایران باز گردند و به خویشان خود و سایرین بشارت دهند، خواه بصورت بازدید کوتاه مدت یا بازگشت دائمی به کشور.
- 7- دعا کنید تا رهبران دولت جمهوری اسلامی ایران با درایت و حکمت کشور را اداره کنند. کتاب مقدس می فرماید که برای صاحب منصبان دعا کنیم تا ایمانداران بتوانند در صلح و صفا، زندگی مقدس و خدایسندانه ای داشته باشند.
- 8- دعا کنید تا ایمانداران در سلوک الهی خود در خانه، محل کار، و مدرسه استوار باشند و بتوانند در باره ایمان خود به عیسی مسیح شهادتی خردمندانه ارائه دهند.

- 9- در سواحل دریای خزر، چهار میلیون مازندرانی زندگی می‌کنند که باید پیام انجیل را بشنوند. دعا کنید تا کسی باشد که این پیام را به ایشان اعلام نماید.
- 10 - دعا کنید تا برنامه‌های رادیویی‌های مسیحی بخوبی و روشنی در ایران شنیده شود. دعا کنید تا پخش برنامه‌هایی به زبانهای محلی کردی و مازندرانی و غیره آغاز شود.
- 11 - ایماندارانی که از خانواده‌های غیر مسیحی هستند، اکثراً نمی‌توانند در جلسات کلیساهایی که هنوز در ایران باقی می‌باشند، شرکت کنند. دعا کنید تا روح خدا ایشان را در ایمان جدیدشان یاری رساند.
- 12 - کلیساها و مشارکت‌های ایرانی بسیاری خارج از ایران، در سراسر اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا، و مناطقی از آسیا تشکیل می‌شود. برای شبانان و خادمینی که در میان پراکندگان ایرانی خدمت می‌کنند، دعا کنید.
- 13 - برای 65% از جمعیت ایران که زیر 25 سالگی می‌باشند دعا کنید. افکار مردم باید بسوی مسیح جذب شود. در این زمینه، نیاز به ایده‌های نوین و خلاق هست.
- 14 - دعا کنید تا برای ایرانیان نشریات مسیحی بیشتری ترجمه و منتشر شود.
- 15 - برای فارسی‌زبانانی که در افغانستان و تاجیکستان زندگی می‌کنند، دعا کنید؛ ایشان اکثراً در شرایط بدی بسر می‌برند. برنامه‌های رادیویی و نشریات مسیحی می‌توانند به ایشان کمک کنند تا راه نجات را بیابند.
- 16 - دعا کنید تا دانشجویان ایرانی که در آموزشگاه‌های مختلف کتاب‌مقدس در خارج از ایران مشغول تحصیل الهیات می‌باشند، آماده شوند تا دیگران را تعلیم دهند.
- 17 - دعا کنید تا پیام نجات که توسط میسیونرها و سایرین به ایرانیان مقیم خارج از کشور اعلام می‌شود، بر خاک حاصلخیز بیفتد.
- 18 - در میان گروه‌های قومی ایران، 422.000 کرد در منطقه شمال غربی ایران زندگی می‌کنند. دعا کنید تا بسیاری

از ایشان کلام خدا را بشنوند و ایمان بیاورند و سپس به مردم خودشان، هم در ایران و هم در عراق و ترکیه شهادت دهند.

19 - دعا کنید تا خادمان مسیحی، از جمله خادمان ایرانی بتوانند در میان ایرانیان در خود ایران شهادت دهند.

20 - دعا کنید تا اشخاصی که در برخی از شهرها در خانه‌ها برای عبادت جمع می‌شوند، در آرامش خیال به عبادت بپردازند.

21 - برای رشد و شکوفایی خصائل مسیحی در میان نوایمانانی که دوره‌های شاگردی را می‌گذرانند، دعا کنید.

22 - برای محافظت شبانان در داخل ایران دعا کنید که می‌کوشند گله خود را علیرغم محدودیت‌های دولت بر سر راه ایمان مسیحی، هدایت کنند.

23 - برای مسیحیان عضو کلیساهای آسوری و ارمنی دعا کنید تا به شناخت واقعی عیسی مسیح دست یابند و او را همچون خداوند و نجات‌دهنده خود بپذیرند و شهادت موثری به ایرانیان اطراف خود بدهند.

24 - دعا کنید تا "آزادی عبادت" در ایران تبدیل به قاعده‌ای عمومی شود. مقامات دولت اسلامی می‌گویند که برای همه آزادی عبادت هست، اما این امر در خصوص ایماندارانی که از زمینه اسلامی هستند، صدق نمی‌کند.

25 - دعا کنید تا خدا لشکر نیرومندی از دعاکنندگان برای دنیای فارسی‌زبان برانگیزد. شاید شما یکی از آنان باشید.

26 - برای آنانی که امروزه در ایران کلام خدا را شنیده‌اند و در مورد ادعاهای مسیح تعمق می‌کنند، دعا کنید تا به او پاسخ مثبت دهند.

27 - دعا کنید تا شبانان و رهبران کلیساهای ایران کشور را ترک نگویند. ماندن در آنجا دشوار است، اما به حضورشان شدیداً نیاز هست.

28 - دعا کنید تا 50-60 گروه قومی در ایران، فرصت این را داشته باشند تا انجیل را به زبان مادری خود بشنوند.

29 - برای ایمانداران ایرانی که در جستجوی همسری ایماندار هستند، دعا کنید. این امر ممکن است دشوار و

دلسر دکننده باشد. دعا کنید تا ایشان شکيبا باشند و منتظر خداوند بمانند.

30 - براي کسانی که برنامه‌هاي راديويي را مي‌شنوند دعا کنید تا پيام را درك کرده، واکنش نشان دهند؛ همچنين براي تهيه‌کنندگان برنامه‌هاي راديويي دعا کنید تا برنامه‌هاي روشن و ساده تهيه نمايند. دعا کنید تا بودجه ادامه اين کار فراهم گردد.

31 - براي شبانان خداترسي که عليرغم تمامي مشکلات، هنوز در ايران خدمت مي‌کنند، دعا کنید تا کلام را با شهامت و در ايت موعظه کنند.

شما را ترغيب مي‌کنم تا براي اين درخواستها بهمدت يك ماه دعا کنید. اگر خدا هدايتتان کرد تا به دعا ادامه دهيد، مي‌توانيد اين برگه‌ها را بگنيد يا از آنها فتوکپي تهيه کنید تا در دعاهاي شخصي‌تان از آنها استفاده نماييد.

براي تهيه فهرست دعا براي بسياری از قومهای مختلف در ايران که هنوز بسياری از آنها پيام انجيل را نشنیده‌اند، مي‌توانيد به سايت www.joshuaproject.net مراجعه نماييد. دعاي شما همانند دعاي دانيال، مي‌تواند راه را براي اين مردمان بگشايد تا ملکوت خدا را که در فصل 6 دانيال مذکور آمده، بشناسند. سايت ديگري که دعاهاي مورد نياز براي دنياي فارسي‌زبان را در اختيارتان قرار مي‌دهد، www.prayforiran.org مي‌باشد.

همچنين سايت www.persianwo.org فهرست دعاي براي ايرانيان را عرضه مي‌دارد. خدا مي‌تواند دعاهاي شما را براي هدايت ايرانيان به‌کار گيرد.



چگونه پنج پادشاه فارس وارد کتاب مقدس گردیدند؟

همانطور که قبلاً دیدیم، بخشی از تاریخ اسرائیل با تاریخ ایران در آمیخته است. در فاصله زمانی میان پایان اسارت بابل و بازسازی اورشلیم، مردم یهود تحت فرمان پادشاهان پارسی بودند و تاریخشان بر اساس سلطنت این پادشاهان تاریخگذاری شده است، زیر اسرائیل دیگر از خود پادشاهی نداشت. در واقع، کتابهای عزرا، نحمیا، استر، حَجِّي، زکریا، و ملاکی در دوران اولیه حکومت پارسیها نوشته شده و تصویری کلی از روابط پارسیها و اسرائیلیها بدست ما می‌دهد. به‌منظور درک زمینه این کتابها، نگاهی اجمالی به تاریخ پارس خواهیم انداخت. در اینجا تذکر يك نکته لازم است: مهم است به یاد داشته باشیم که همانطور که در فصل 4 دیدیم ("دقیق‌ترین کتاب تاریخ دنیا")، اسامی به مرور زمان و در اثر ترجمه از يك زبان به زبانی دیگر تغییر می‌کنند. در جدول زیر چند پادشاه نخست پارس مذکور آمده‌اند:

نام ایرانی	نام در کتاب مقدس	نام انگلیسی	مأخذ در کتاب مقدس
کوروش	کوروش	Cyrus	اشعیا 45؛ دانیال؛ عزرا 1-3
کمبوجیه	اخشورش	Cambyses	عزرا 4: 6
بردیای دروغین	ارتخشستا	Pseudo Smerdis	عزرا 4: 7-23
داریوش کبیر	داریوش	Darius the Great	عزرا 5، 6
خشایارشا	اخشورش	Xerxes	استر 1-10
اردشیر درازدست	ارتخشستا	Artaxerxes	نحمیا 1-13 عزرا 7-10

سه پادشاه با نام اردشیر وجود داشت. اردشیر دراز دست از 464 تا 423 ق.م. سلطنت کرد، اردشیر دوم از 4304 تا 359 ق.م. و اردشیر سوم از 358 تا 337 ق.م. توجه داشته باشید که در ترجمه قدیمی کتاب مقدس فارسی، برخی اسامی پادشاهان به گونه‌ای دیگر تلفظ شده‌است. حال جزئیات بیشتری در خصوص این پادشاهان ارائه خواهیم داد:

1- کورش کبیر بنیانگذار امپراطوری ماد و پارس بود و سرزمینهای ماد و لیدییه و بابل را فتح کرد. او که رهایی‌بخشی مهربان بود، اجازه داد که ملت‌ها خدایان خود را پرستش کنند. او نسبت به مردمان اسیر که در دوره حکومت نبوکدنصر و جانشینانش متحمل سختی شده بودند، نیکخواه بود. با برکت و مساعدت مالی او بود که یهودیان اجازه یافتند تا به اورشلیم باز گشته، معبد خود را بازسازی کنند. برای اطلاعات بیشتر در مورد کورش، به فصل اول مراجعه کنید.

2- کمبوجیه، پسر کورش، جانشین پدر شد. او مأمور شد تا مصر را فتح کند و این کار را وقتی پس از مرگ پدر به سلطنت رسید، انجام داد. تاریخ ایران می‌گوید که کمبوجیه در راه بازگشت از فتوحات خود، شنید که شخصی به‌نام بردیا که ادعا کرده بود که برادرش می‌باشد، تخت شاهی را اشغال کرده است. کمبوجیه در راه، درگذشت. نام او در کتاب مقدس اخشورش است (عزرا 4: 6)، اما نباید او را با اخشورش (خشایارشا)، شوهر ملکه استر، اشتباه کرد. (برای توضیحات بیشتر، به بخش ب در این فصل مراجعه کنید.)

3- بردیای دروغین، غاصب سنتی، چند ماه سلطنت کرد. او با عفو پرداخت مالیات آتی برای مدت سه سال در سراسر امپراطوری، پیروان بسیاری یافت. (آیا سیاست در طول این 2500 سال تغییر زیادی کرده است؟) اما داریوش از حمایت سپاه پارس برخوردار بود و مآلاً بردیای دروغین را اسیر کرد و کشت و مدعی تاج و تخت شد. توجه داشته باشید که نام بردیای دروغین در کتاب مقدس احتمالاً ارتحشستا می‌باشد (عزرا 4: 7-23) و نباید او را با اردشیر که بیش از نیم قرن

بعد از آن به سلطنت رسید، اشتباه کرد. (برای توضیحات بیشتر به بخش ب در این فصل مراجعه کنید.)

4- داریوش، پس از قتل بردیای دروغین، ظرف دو سال نه پادشاه را در نوزده شورش محلی سرکوب کرد. این پیروزیها در سنگنبشته بیستون، واقع در 50 کیلومتری باختران (کرمانشاه سابق) در غرب ایران ثبت شده است. داریوش کار بنای مجموعه کاخهای تخت جمشید، واقع در 50 کیلومتری شمال شیراز را آغاز نمود. تالار اصلی دارای چنین نوشته‌ای است: "منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمینها، که این کاخ را بساخت." داریوش مدیری مدبر بود و نظام مراسلاتی کارآمدی را بوجود آورد. در واقع، شعار پست ایالات متحده که می‌گوید "نه باران، نه برف، نه تگرگ نمی‌تواند مأموران پست را از انجام وظایفشان باز دارد"، در واقع از داریوش پادشاه نشأت می‌گیرد. داریوش به‌دشواری توانست جلو امپراطوری طغیان‌گر یونان را بگیرد. (عزرا فصلهای 5 و 6).

5- خشایارشا پسر داریوش بود. او جنگ با یونانیان و بنای تخت جمشید را ادامه داد. کتاب مقدس می‌گوید که خشایارشا شوهر استر بود. توجه کنید که نام او در کتاب مقدس، اخشورش است و نباید او را با کمبوجیه اشتباه کرد.

6- اردشیر پسر خشایارشا بود. او نیز عمارت تخت جمشید را ادامه داد. کتاب مقدس می‌گوید که او به عزرا اجازه داد تا یهودیان بیشتری را به اورشلیم باز گرداند و به نحی نیز اذن داد تا به اورشلیم بازگشته، آن را مرمت نماید (نحمیا فصلهای 1 تا 13 و عزرا فصلهای 7 تا 10).

الف) بازگشت یهودیان با اجازه کورش

1- ارمیای نبی پیشگویی کرد که یهودیان به‌علت نافرمانی از خدا، به‌مدت هفتاد سال به تبعید خواهند رفت و پس از آن به سرزمین خود باز خواهند گشت. این پیشگوییها در ارمیا 25: 12؛ 29: 10؛ و اشعیا 44: 28؛ 45: 1-13 یافت می‌شود. فصل اول ("سلسله سلطنتی شکل می‌گیرد") به توصیف حکومت

پارس و بویژه شخصی که خدا به واسطه او این پیشگوییها را تحقق می‌بخشید می‌پردازد؛ این شخص، کورش کبیر است که یهودیان را کمک کرد تا به اورشلیم باز گردند و معبد را از نو بسازند. به تحقق این نبوت‌ها در کتاب مقدس در عزرا 1: 1-4 و دوم تواریخ 36: 22-23 مراجعه کنید. در ارمیا 29: 10 چنین آمده است: "و خداوند می‌گوید: چون مدت هفتاد سال بابل سپری شود، من از شما تفقد خواهم نمود و سخنان نیکو را که برای شما گفتم انجام خواهم داد؛ به اینکه شما را به این مکان باز خواهم آورد."

2 - می‌بینیم که خدا چقدر رحیم بود که از طریق کورش به یهودیان مواهبی اضافی اعطا کرد زیرا او به ایشان اجازه داد که به اسرائیل باز گردند. ایشان می‌توانستند معبد را از نو بسازند (عزرا 1: 4)، و به اورشلیم باز گردند (عزرا 1: 5) و از یهودیانی که در بابل می‌ماندند، کمک مالی دریافت کنند (عزرا 1: 4). خود کورش نیز به ایشا طلا و نقره اهداء کرد. در مقابل همهٔ اینها، یهودیانی را ملاحظه کنید که شوروی سابق را در دههٔ 1960 به قصد مهاجرت به اسرائیل ترک کردند. ایشان اجازه نداشتند هیچ‌یک از اموال خود را با خود ببرند و مجبور بودند عوارض خروج هنگفتی به دولت روسیه بپردازند. روسهایی که به ایشان اجازه خروج دادند، از ایشان متنفر بودند.

3 - تعداد 42.360 یهودی و خدمتکارانشان از بابل به اسرائیل باز گشتند (عزرا 2: 64).

4 - وقتی یهودیان به اورشلیم باز گشتند، نخست قربانگاهی بنا کردند تا طبق شریعت موسی، قربانی بگذرانند. آنگاه شروع به بازسازی معبد کردند. وقتی بنیاد معبد را گذاردند، مراسمی برگزار کردند (ر.ش. عزرا 3: 1-3).

(ب) توقف بنای معبد به دستور يك پادشاه پارس

تکمیل بنیاد معبد را با نواختن شیپور و فریاد شادی جشن گرفتند. (درضمن، کاهنان مسن‌تر و بزرگان قبایل گریه می‌کردند، چرا که احتمالاً خاطرهٔ معبد اصلی باعث اندوهشان

شده بود.) اما غیریهودیانی که در سامره زندگی می‌کردند و از بیرون شاهد ماجرا بودند، ناگهان خواستار شرکت در این سرگرمیها شدند. وقتی که سران یهود درخواست آنان را رد کردند، ایشان به مقامات پارس متوسل شدند و باعث توقف کار عمارت گشتند. فصل 4 عزرا را بخوانید.

1- این پادشاهان پارس که سامریان بدیشان متوسل شدند، که بودند (عزرا 4: 6-7)؟ ترجمه قدیمی فارسی کتاب مقدس نامهای اخشورش و ارتحسستا را ارائه می‌دهد، اما ترجمه تفسیری از خشایارشا و اردشیر نام می‌برد. در اینجا دو مکتب فکری مطرح است:

الف) کاربرد اسامی این دو پادشاه در ترجمه تفسیری فارسی از ترتیب وقوع تاریخی دور می‌شود و به فراسوی دوره زمانی‌ای می‌رود که در عزرا 4 ذکر شده است. در این صورت، حضور ایشان در متن حاکی از این است که مشکلات یهودیان با همسایگان غیریهودی خود، فراسوی دوره سلطنت داریوش رفته است. بنابراین، طبق ترجمه تفسیری، اسامی خشایارشا و اردشیر در عزرا 4: 6-7 با اسامی همان پادشاهان در عزرا 7-10، نحما، و استر منطبق می‌شود.

ب) اما عده‌ای دیگر، از جمله نویسنده این کتاب، معتقدند که در ترجمه قدیمی فارسی کتاب مقدس، نام "اخشورش" در عزرا 4: 6 اشاره به کمبوجیه، پسر کورش، دارد، و ارتحسستا در عزرا 4: 7-23 به بردیای دروغین. دلایل متعددی این فرضیه را حمایت می‌کند. نخست آنکه، ترتیب تاریخی حکومت این پادشاهان را رعایت می‌کند. دوم، اقدام "اخشورش" در خصوص توقف بنای معبد با خصوصیات اخلاقی و موضع‌گیری سیاسی بردیای دروغین سازگار است. به علاوه، برخی از مورخین بر این باورند که اسامی اخشورش و ارتحسستا، عناوین عمومی پادشاهان پارس بوده است، عناوینی کلی مانند "فرعون" و "شاه" یا "علیحضرت"، و اسامی خاص نبوده‌اند. برای مثال، نام آخرین پادشاه ایران که در سال 1978 از سلطنت برکنار شد، "محمد رضا پهلوی" بود. اما عده کمی، خاصه در غرب، او را فقط با نام "شاه" می‌شناختند. در تاریخ

ایران صدها پادشاه وجود دارد، از کورش گرفته تا محمد رضا پهلوی و همگی ایشان "شاه" خوانده می‌شدند.

2- چرا یهودیان اجازه ندادند که ساکنان سامره ایشان را در بنای معبد یاری دهند؟ دلیلش این بود که این مردمان خدا را نمی‌پرستیدند و یهودیان نمی‌خواستند راستی را با دروغ بیامیزند. فقط قوم خدا می‌توانست در بنای معبد شرکت جویند، آن مکانی که بنا بود در آن خدای یگانه را عبادت کنند.

3- کورش پادشاه متأسفانه پیش از بنای معبد در گذشت. سامریان وقتی با مخالفت یهودیان با شراکت ایشان در بنای معبد مواجه شدند، بر ایشان در حضور کمبوجیه اتهام وارد ساختند. بعداً نامه‌ای اتهام‌آمیز و شکایت‌آلود علیه یهودیان برای بردیای دروغین فرستادند (ر.ش. 1 ب) و از او خواستار توقف بنای معبد شدند. بردیای دروغین احتمالاً برای آنکه طرفداران سیاسی بیشتری بیابد، این درخواست را پذیرفت و فرمان کورش مبنی بر بنای معبد را ملغاء ساخت. کار ساختمان متوقف شد. تجسم کنید که چقدر مأیوس‌کننده است که هر روز به بنیاد خالی و اسکلت نیمه‌کاره ساختمان معبد خدایتان نگاه کنید و هیچ امیدی نداشته باشید که هرگز اجازه تکمیل آن را بدست آورید. عزرا 4: 17-24 را مرور کنید.

ج) تکمیل بنای معبد در زمان داریوش

1- خدا به‌واسطه حَجِّي نبي امید را نوید داد. حجي 1: 1 می‌فرماید: "در روز اول ماه ششم از سال دوم داریوش پادشاه، کلام خداوند به‌واسطه حجي نبي به زَرَبَابِل بن شَأَلْتَيْئِيل والي يهودا و يهوشع بن يهوصادق رئيس كهنة رسید." تمام کتاب حجي به‌منظور تشویق یهودیان به تکمیل بنای معبد نوشته شده است. حجي به مردم می‌گوید که ایشان در خانه‌های مجلل و سقف‌دار زندگی می‌کنند در حالیکه خانه خدا خرابه باقی مانده است و اینکه ایشان بخاطر غفلت از امور خدا، در زندگی خود

کامیاب نخواهند شد (1: 3-9). کتاب حجی و عزرا 5: 1-2 را بخوانید.

2- یکبار دیگر، دشمنان اسرائیل به آغاز کار بنای معبد اعتراض کردند و گزارشی برای داریوش، پادشاه جدید، فرستادند به این امید که باز دستور توقف کارها داده شود. اما همانطور که در عزرا 5: 2 تا 6: 18 آمده، داریوش پادشاه در بایگانی کورش جستجو کرد و اعلامیه اصلی او را یافت که اجازه می‌داد یهودیان به اسرائیل باز گردند و معبد را از نو بسازند و از خزانه کشور کمک مالی دریافت کنند. نتیجتاً کار بنای معبد به اتمام رسید. جستجوی داریوش در شهر اکباتان (ترجمه تفسیری فارسی) یا احمّتا (ترجمه قدیمی فارسی) صورت گرفت؛ این شهری است در غرب ایران که امروز همدان نامیده می‌شود. همدان بخاطر هوای خنکش، اقامتگاه تابستانی پادشاهان اولیه بود. (هنوز چیزی از ورود ما به ایران نمی‌گذشت که دختر اولم در سال 1962 در همدان متولد شد.)

د) کاربرد شخصی

1- فهرستی تهیه کنید و در آن بنویسید که از بازگشت یهودیان به اورشلیم و بازسازی معبد، و مخالفت با آن، چه درس‌های روحانی می‌گیرید. همانطور که بسیاری از یهودیان خداترس به وطن خود و اورشلیم بازگشتند، آیا فکر کرده‌اید که به ایران باز گردید و مژده نجات در عیسی مسیح را با مردم در میان بگذارید؟

2- در عزرا 3: 1-13 می‌خوانیم که وقتی یهودیان به اورشلیم باز گشتند، نخست قربانگاهی بنا کردند تا قربانی تقدیم کنند. شما به‌عنوان پناهجویی که به کشوری جدید می‌رود و کار جدیدی شروع می‌کند، چگونه می‌توانید امور روحانی را مقدم بر همه چیز قرار دهید؟

3- از فصل چهارم عزرا دریافتیم که یهودیان کمک غیریهودیان را برای بنای معبد نپذیرفتند و علت این کار پاکی و تقدس بود، چرا که نمی‌خواستند امور مقدس را با تأثیرات

بت‌پرستی در هم بیامیزند. ایشان برای این تصمیم خود بهایی پرداختند. آیا شما حاضرید برای اصول و اعتقادات خود بهایی بپردازید؟

ه) کاوشی عمیق‌تر

شکایت‌نامه‌هایی مذکور در عزرا 4: 7-16 و عزرا 5: 6-17 و پاسخ‌هایی مذکور در عزرا 4: 17-22 و 6: 6-12 چگونه فرهنگ ایرانی را در دهنتان زنده می‌کند؟

و) اندیشه‌های نهایی

میان آیات پایانی عزرا 6 و آیات آغازین عزرا 7، فاصله‌ای حدود 50 سال وجود دارد. در این مدت، وقایع کتاب استر رخ داد. می‌بینیم که خدا میان یهودیانی که پس از اعلامیه کورش، در ایران و بابل ماندند، کار می‌کرد. گفته می‌شود که آرامگاه استر و مردخای در همدان (یا اکباتان یا هگمتانه سابق) قرار دارد. در زمان انقلاب در سال 1978، حدود 90.000 یهودی در ایران زندگی می‌کردند که اکثر ایشان اصل خود را به اسارت بابل می‌رساندند. گرچه بسیاری از یهودیان در طول انقلاب و بعد از آن، از ایران خارج شدند، اما هنوز بعضی در آنجا باقی هستند. طبق برخی تخمین‌ها در سال 2000 هنوز 30.000 یهودی در ایران زندگی می‌کردند.



شرح تصویر: پلکان پارسی در تخت جمشید
ملت‌های مختلفی را نشان می‌دهد
که برای حکومت پارس خراج می‌آورند.

استر، ملکه پارسی

آیا متوجه شده بودید که یکی از کتاب‌های کتاب مقدس نامی فارسی دارد؟ این کتاب همان کتاب استر است. آیا می‌دانید استر چگونه ملکه شد؟ پادشاه ضیافت بزرگی ترتیب داد. گرچه نمی‌دانیم چرا ملکه وشتی حاضر نشد به شوهرش خشایارشا و میهمانانش بپیوندد، اما می‌دانیم که نافرمانی او و طلاق که بدنبال آن روی داد، زندگی شاید صدها زن جوان را در سراسر ایالات امپراتوری پارس تغییر داد، خصوصاً زندگی یک دختر یتیم یهودی را به‌نام استر که زیبایی و رفتارش دل پادشاه را ربود. ماجرای استر نشان می‌دهد که چگونه خدا اشخاص وفادار و امین را به‌کار می‌برد تا قوم خود را از خطر نابودی برهاند.

الف) شرایط پارس

1 - خشایارشا (اخشورش در ترجمه قدیمی فارسی) از سال 486 تا 465 ق.م. سلطنت کرد. در استر 1:1 از او توصیف پرشکوهی به‌عمل آمده و این نشان می‌دهد که می‌بایست بیش از یک خشایارشا وجود داشته باشد زیرا گفته شده که او پادشاهی بوده که بر 127 ولایت حکمرانی می‌کرده است. این را مقایسه کنید با عزرا 4: 6 که طبق نظر نویسنده این کتاب، به کمبوجیه اشاره دارد.

2 - به‌گستره امپراتوری پارس توجه کنید که 127 ایالت را از هند تا حبشه در بر می‌گرفته است.

3- قصر شوشن در نزدیکی شهر شوش واقع بود؛ شوش شهری است در جنوب غربی ایران، نزدیک اندیشک در شمال اهواز.

4- برخی از مفسران معتقدند که ضیافت مذکور در فصل اول استر به این علت ترتیب داده شد تا حمایت حکام محلی و فرماندهان نظامی را برای لشکرکشی علیه امپراطوریِ رو به گسترش یونان، جلب کند. برخی دیگر بر این باورند که این ضیافت بعد از شکست خشایارشا در جنگ برگزار شد، در دوره‌ای که او خود را با "شراب و زن و موسیقی" سرگرم می‌ساخت.

5- خشایارشا گرچه در جنگ با یونانیان ناموفق بود، اما برای دنیای ورزش میراثی فراموش‌نشده برجای گذارد: ماراثن! در احادیث تاریخی آمده که وقتی پارسیان در جنگ شکست خوردند، سربازی یونانی فاصله میان شهر ماراثن تا آتن را دوید تا پیروزی یونانیان را اعلام دارد. در مراسم المپیک سال 1908، این رویداد طی یک مسابقه دو از کاخ سلطنتی وینزر (Windsor) تا میدان المپیک گرمی داشته شد؛ این مسافت به طول 26/2 مایل (حدود 42 کیلومتر) بود. امروزه دو ماراثن در سراسر جهان برگزار می‌شود.

(ب) تاجگذاری استر

1- ملکه وشتی طلاق داده شد و از مقام خود عزل گردید زیرا حاضر نشد از دستور پادشاه مبنی بر نمایش زیبایی خود اطاعت کند (استر 1: 10-22).

2- نام یهودی استر، هَدسه بود (استر 2: 7). مردخای دختر عمویی داشت به نام هَدسه. این دختر که نام پارسی‌اش استر بود، بسیار زیباروی بود. مردخای استر را پس از فوت والدینش همچون دختر خود بزرگ کرد.

3- نام "استر" فارسی است.

الف) نام "ایشثار"، الهه بابلها و آشوریان، شکلی است از "استر".

ب) استر نام فارسی ستاره و نوس است.

ج) کلمه انگلیسی star از زمینه پارسی و آشوری است، و از همان حروف بی‌صدای (س، و، ت، و، ر) در کلمه استر تشکلی یافته است.

4- جستجوی دربار برای ملکه، مانند مسابقات ملکه زیبایی امروز، برندگان و بازندگانی داشت، اما بازندگان نمایش تاریخی خشایارشا دیگر هرگز به خانه باز نمی‌گشتند. باختن در این مسابقه سلطنتی، به معنی زندگی کردن در انزوا همراه با زنان دیگر در حرمسرای پادشاه بود.

5- آیا شما دوست می‌داشتید که دخترتان به‌دستور پادشاه بزور از شما گرفته شود تا هوسهای او را ارضاء کند؟ اندوه مردخای را تجسم کنید. او استر را که والدینش را از دست داده بود، بزرگ می‌کرد. مردخای، پسر عموی او، به او گفت که افشاء نکند که یهودی است، شاید به این منظور که او را از احساسات ضدیهودی محفوظ نگاه دارد.

ج) کار استر در امر رهایی یهودیان

وقتی به نقاط اوج این داستان آشنا نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که خدا چگونه در قصر شوشن کار می‌کند. من يك بار دو گروه از افراد انگلیسی‌زبان کلیسای Tehran Bible Church را برای بازدید به کاخ شوشن بردم. ویرانه‌های این کاخ در طول سالها منبابعی غنی را در اختیار باستان‌شناسان قرار داده است. دروازه کاخ، تالار تخت، و تالار احتمالی ضیافت، در معرض نمایش بود. وقتی کسی آنجا می‌ایستد، می‌تواند مردخای را تجسم کند که بر دروازه ایستاده، خشایارشا پادشاه بر تخت نشسته، و استر برای قوم خود در پیشگاه او شفاعت می‌کند، یا چندین ضیافت برای پادشاه و هامان ترتیب داده است.

1 - توجه داشته باشید که هامان حاضر بود 10.000 وزنه نقره (20 میلیون دلار امروز) برای کشتار یهودیان بپردازد (استر 3: 9-15). شکی ندارم که او انتظار داشت پول را پس بگیرد و بابت خدمتی که با کشتن یهودیان انجام می‌دهد پاداشی دریافت دارد و ثروت ایشان از جمله طلا و نقره‌ای که کورش به ایشان داده بود را غصب نماید.

2- به استر گفته شد که خدا می‌تواند از او استفاده کند تا یهودیان را رهایی دهد، "کیست که بداند که به‌جهت چنین وقت به سلطنت نرسیده‌ای؟" (استر 4: 14).

3- به برنامه زمانی معجزه‌آسای خدا در اجرای مقصودش توجه کنید!

الف) مردخای، پسر عموی استر، از توطئه‌ای که برای کشتن پادشاه طرح می‌کردند، باخبر شد. او پادشاه را مطلع ساخت و جانش را نجات داد، اما در آن زمان پاداشی به او داده نشد (2: 23-21).

ب) پادشاه دچار بی‌خوابی شد و بجای احضار پزشک یا نوازنده‌ای برای سرگرم ساختن خود، بر آن شد تا یادداشتهای مربوط به سلطنت خود را بخواند (6: 1).

ج) به‌هنگام خواندن آنها، متوجه شد که مردخای توطئه قتل او را کشف کرده بود و پرسید که آیا به او پاداش داده شده یا نه (6: 1-3).

د) همان خیلی زود به دربار آمد و از پادشاه اجازه یافت تا تمام یهودیان را بکشد، و این امر شامل دشمن او، مردخای نیز می‌شد. آیا می‌توانید تجسم کنید که او چقدر تکان خورد وقتی که پادشاه از او خواست تا مردخای را برای نجات جانش تکریم کند (6: 4-11)؟

ه) تجسم کنید برای همان چقدر دردناک بود که مردخای را سوار بر اسبی سفید در سراسر شهر بگرداند و اعلام کند که این کسی است که مورد تکریم پادشاه است! تجسم کنید به همان چه احساسی در مورد شهرتش دست داد.

و) خدا به استر این حکمت را بخشید که دو ضیافت ترتیب دهد. نخستین ضیافت برای این بود که پادشاه را بر انگیزد تا باری دیگر درخواست او را بپذیرد. اما پس از آن شب مطبوع که در آن از پادشاه بخوبی پذیرایی شد، پادشاه وعده داد که درخواست استر را پیش از آنکه بشنود، برآورده سازد. استر که نظر مساعد پادشاهش را بدست آورده بود، او و همان را برای ضیافت دوم دعوت کرد که در آن قرار بود برای قومش و خودش درخواست حمایت کند و توطئه همان برای قتل عام

یهودیان را افشاء نماید. نتیجه آن شد که هامان بر همان داری که خودش ساخته بود، آویخته شد (5: 7-12؛ 6: 14؛ 7: 1-8 و 9: 10).

"انگاه حربونا، یکی از خواجهرسرایانی که در حضور پادشاه می‌بودند گفت: 'اینک دار پنجاه ذراعی نیز که هامان آن را بهجهت مردخای که آن سخن نیکو را برای پادشاه گفته است مهیا نموده، در خانه هامان حاضر است.' پادشاه فرمود که 'او را بر آن مصلوب سازید.' پس هامان را بر داری که برای مردخای مهیا کرده بود، مصلوب ساختند و غضب پادشاه فرو نشست" (استر 7: 9-10).

4 - همان پیک سریع (پیکی که قبلاً داریوش پادشاه بنیان گذاشته بود) که فرمان قتل عام یهودیان را به تمامی ایالات امپراطوری برده بود، اینک فرمان دوم را می‌برد، فرمانی که می‌رفت ایشان را رهایی دهد (3: 12-15؛ 8: 9-14).

5 - فصل‌های 5 و 8 کتاب استر را بخوانید و وقایعی را که رخ می‌دهند مشاهده کنید. این تصویری است شگرف از نقشه خدا برای نجات بشریت.

الف) تمام یهودیان در اثر اعلامیه هامان که پادشاه قبلاً با آن موافقت کرده بود، محکوم به مرگ شدند. فصل 3 آیات 8 تا 15 به همان شکل، تمام بشریت در اثر گناه، محکوم به مرگ می‌باشند.

"زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند" (رومیان 3: 23).

"آنکه به او ایمان آرد، بر او حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیلورد، الآن بر او حکم شده است، بهجهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیلورده" (یوحنا 3: 18).

ب) استر برای قوم خود که تحت محکومیت قرار داشتند، شفقت داشت، و در راه نجات آنان شخصاً دست به ایثاری بزرگ زد. به همان شکل، عیسی در راه گناهان بشر مرد. او خود را فدا ساخت تا آنانی که به او ایمان آورند، هلاک نشوند، بلکه حیات جاودان بیابند.

"زیرا خدا جهان را ابنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد" (یوحنا 3: 16-17).

(ج) از آنجا که "هر چه به اسم پادشاه نوشته شود و به مهر پادشاه مختوم گردد، کسی نمی‌تواند آن را تبدیل نماید" (8: 8)، پادشاه فرمان دیگری نوشت و به یهودیان حق دفاع از خود را داد و به این طریق، بدون آنکه فرمان نخست را باطل سازد، راه نجاتی برای ایشان فراهم ساخت. به همان شکل، از آنجا که بشر در گناه است و مزد گناه مرگ است، خدا پسرش عیسی مسیح را داد تا جریمه را بپردازد و عدالت خود را جایگزین گناهان ما سازد.

"او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم" (دوم قرن‌تین 5: 21).

(د) فرمان پادشاه به تمام 127 زبان ایالات مختلف امپراطوری پارس، از هند گرفته تا حبشه، ترجمه شد تا تمامی ملت‌ها بتوانند آن را به زبان خود بشنوند نه فقط به پارسی (8: 9-10). انجیل که بیانگر این خبر است که ما به واسطه مرگ مسیح و نه به واسطه اعمال نیکمان عادل می‌شویم، باید برای تمام گروه‌های قومی ترجمه شود.

(ه) فرمان پادشاه بلافاصله با بهترین و سریع‌ترین وسایل، یعنی با استفاده از بهترین اسب‌های اصطلب شاهانه پخش شد (8: 10-14). امروز، بهترین وسایل موجود باید برای اشاعه مژده عیسی مسیح مورد استفاده قرار گیرد، نظیر رادیو، تلویزیون، اینترنت، و سال ارتباط جمعی، و خصوصاً از طریق شهادت شخصی. سواران این اسبان تیزرو تأخیر نکردند و در واحه‌ها لحظه‌ای برای استراحت توقف ننمودند، بلکه همانطور که کتاب مقدس می‌فرماید "ایشان را بر حسب حکم پادشاه شتابانیده، به تعجیل روانه نمودند" (8: 14). تمامی مسیحیان واقعی باید انگیزش بیابند تا از فرمان شاه شاهان (عیسی مسیح) برای شاگردسازی تمام ملت‌ها (گروه‌های قومی) اطاعت کنند. شاید

خدا این موهبت را به شما داده تا به غیر از فارسی، با زبان دیگری که در ایران رایج است، آشنا باشید. آیا خدا از شما می‌خواهد که مژده نجات در عیسی را به آن زبان بیان کنید؟ ما باید بشتابیم تا مژده نجات را اعلام داریم.

"پس چاپاران بر اسبان تازی که مختص خدمت پادشاه بود، روانه شدند و ایشان را بر حسب حکم پادشاه شتابانیده، به تعجیل روانه ساختند و حکم در دارالسلطنه شوشان نافذ شد" (استر 8: 14).

6- در 8: 17 آمده که "و در همه ولایت‌ها و جمیع شهرها در هر جایی که حکم و فرمان پادشاه رسید، برای یهودیان شادمانی و سرور و بزم و روز خوش بود و بسیاری از قوم‌های زمین به دین یهود گرویدند زیرا که ترس یهودیان بر ایشان مستولی گردیده بود." استر و مردخای می‌خواستند که یهودیان از هلاکتی که هامان شرور توطئه‌اش را چیده بود، رهایی یابند. در فرایند این امر، بسیاری دیگر، از جمله پارسی‌ها پیرو خدای یگانه و واقعی گردیدند، و بدینسان وارث امید ظهور مسیحا شدند که بنا بود جریمه گناهان ایشان را بپردازد. در عهدعتیق تمهیداتی وجود داشت تا غیریهودیان نیز بتوانند پیرو خدای واقعی گردند.

7- عید پوریم بنیان گذاشته شد تا یاد رهایی یهودیان گرامی داشته شود. یهودیان هنوز هم در نخستین هفته از ماه فوریه (اواسط بهمن‌ماه) این عید را جشن می‌گیرند. يك شیرینی مثلثی‌شکل که مظهر کلاه هامان است، خورده می‌شود. کودکان یهودی نمایشنامه‌هایی اجرا می‌کنند که زندگی استر را به‌تصویر می‌کشد. هر بار که نام هامان برده می‌شود، شیپوری نواخته می‌شود تا به‌گونه‌ای نمادین آن را خدشه‌دار سازند.

د) کاربرد شخصی

1- در این هفته، یا در این ماه، یا در این سال، خدا چگونه می‌تواند شما را به‌کار ببرد با خدمتی روحانی به فارسی‌زبانان یا مردمی که زبانشان را می‌دانید، ارائه دهید؟

2- آیا خدا شما را در موقعیت خاصی مشابه با موقعیت استر قرار داده است؟ مردخای به استر گفت: "بلکه اگر در این وقت تو ساکت بمانی، راحت و نجات برای یهود از جای دیگر پدید خواهد شد. اما تو و خاندان پدرت هلاک خواهید گشت. و کیست بداند که به جهت چنین وقت به سلطنت نرسیده‌ای؟" (استر 4: 14). آیا خدا برای شما کار خاصی در نظر دارد؟ آیا از خدا اطاعت خواهید کرد و آنچه را می‌خواهد در زندگی شما به‌انجام برساند، انجام خواهید داد؟

ه) کاوشی عمیق‌تر

1- سقوط و هلاکت هامان چگونه امثال 29: 23 را به‌تصویر می‌کشد که می‌فرماید: "تکبر شخص او را پست می‌کند، اما مرد حلیم‌دل، به جلال خواهد رسید."

2- اول پطرس 5: 5 می‌فرماید: "خدا با متکبران مقاومت می‌کند و فروتنان را فیض می‌بخشد." اگر در زندگی مسیحی‌تان مشکلاتی دارید، یا شاید هم با دیگران، می‌توانید از خدا سؤال کنید که آیا مانند هامان روحی متکبر دارید یا نه.



شرح تصویر: این خرابه‌های تخت جمشید، پایتخت تشریفاتی بسیاری از پادشاهان پارسی، شبیه کاخ شوشن بود.

پادشاهان پارس عزرا و نحμία را به اورشلیم می‌فرستند

معبد بدون کاهن به چه درد می‌خورد، یا يك گروه کارگر بدون ناظر چه کاری می‌توانند بکنند؟ قطعاً قبل از آنکه عزرا یا نحμία وارد صحنه شوند، معبد اورشلیم دارای کاهن بود و طرح‌های ساختمانی شهر نیز ناظرانی داشت. اما ماجراهای این دو مرد که استعدادهایی استثنایی داشتند، یادآور دوره‌ای جدید در امر بازسازی شهر خدا می‌باشد.

عزرا کاهنی بود که گروهی از خانواده‌های یهودی را با اجازه اردشیر به اورشلیم هدایت کرد. این دومین خروج از بابل بود. در زمان کوروش، بیش از 42.000 یهودی بازگشتند تا شهر و معبد را مجدداً بنا کنند؛ این کار سرانجام در سال 515 ق.م. به اتمام رسید. این در دوره حکومت داریوش اتفاق افتاد و در کتاب عزرا 6: 15 ثبت شده است. در کتاب عزرا، فاصله زمانی حدود 50 سال میان 6: 24 و 7: 1 وجود دارد. می‌دانیم که داریوش به‌مدت سی سال دیگر سلطنت کرد و بعد پسرش خشایارشا، شوهر ملکه استر، در سال 465 ق. م. بر جای او نشست. همچنین می‌دانیم که در این فاصله زمانی، ملکه استر و پسرعمویش مردخای، جان یهودیانی را که در پارس مانده بودند، نجات دادند. در میان ایشان عزرا نیز بود. آنگاه اردشیر پادشاه بر تخت سلطنت جلوس کرد.

عزرا در سال هفتم سلطنت اردشیر به اورشلیم رفت (عزرا 7: 1-7). این درس شامل امور پارس و بازگشت یهودیان به فلسطین می‌گردد.

الف) برکت پادشاه

1- به التفات اردشیر به عزرا توجه کنید!

الف) هر یهودی که مایل بود، می‌توانست به اورشلیم باز گردد.

"فرمانی از من صادر شد که هر کدام از قوم اسرائیل و کاهنان و لایوان ایشان که در سلطنت من هستند و به رفتن همراه تو به اورشلیم راضی باشند، بروند" (عزرا 7: 13).

ب) اردشیر هدایای طلا و نقره داد.

"نقره و طلائی را که پادشاه و مشیرانش برای خدای اسرائیل که مسکن او در اورشلیم می‌باشد بذل کرده‌اند ببری و نیز تمامی نقره و طلائی را که در تمامی ولایت بابل بیابی، با هدایای تبرعی که قوم و کاهنان برای خانه خدای خود که در اورشلیم است داده‌اند، ببری" (عزرا 7: 15-16).

ج) هدایایی شامل نقره و گندم و شراب و روغن و نمک در اختیار او گذاشته شد (عزرا 7: 21-22).

د) به خادمان مذهبی معافیت از پرداخت مالیات اعطا شد. (در ایالات متحده، حق مسکن خادمان دین از مالیات فدرال معاف است. شاید این قانون استوار باشد بر این اصل قدیمی مندرج در کتاب نحمیا، یعنی معافیت خادمان دین از مالیات.)

"و شما را اطلاع می‌دهیم که بر همه کاهنان و لایوان و مغنیان و دربانان و نئینیم و خادمان این خانه خدا، جزیه و خراج و باج نهادن جایز نیست" (عزرا 7: 24).

ه) برای آنانی که کلام خدا را تعلیم می‌دادند، آزادی مذهبی وجود داشت.

"و تو ای عزرا، موافق حکمت خدایت که در دست تو می‌باشد، قاضیان و داوران از همه آنانی که شرایع خدایت را می‌دانند نصب نما تا بر جمیع اهل ماورای نهر داورای نمایند و آنانی که نمی‌دانند تعلیم دهید" (عزرا 7: 25).

2- توجه داشته باشید که عزرا و یهودیان در خصوص رابطه خود با دولت و پادشاه، چه شهرت خوبی داشتند (عزرا 6: 10؛ 7: 23). قوم خدا یعنی یهودیان، مشهور بودند به قومی که برای رهبران سیاسی مملکت دعا می‌کنند. هم داریوش و هم اردشیر از یهودیان خواستند که برای ایشان دعا کنند. ما مسیحیان نیز ترغیب شده‌ایم تا برای پادشاهان و همچنین صاحب‌منصبان دعا کنیم. "پس، از همه چیز اول، سفارش

می‌کنم که صلوات و دعاها و مناجات و شکرها را برای جمیع مردم بجا آورند؛ بجهت پادشاهان و جمیع صاحبان منصب تا به آرامی و استراحت و با کمال دینداری و وقار، عمر خود را بسر بریم" (اول تیموتاؤس 2: 1-2). آیا شما برای رهبران مملکت ایران، برای رهبران ممالکی که اکنون در آنها زندگی می‌کنید، و حتی برای حکومت‌هایی که مسیحیان را آزار می‌دهند، و برای مقاماتی که با نظرات سیاسی و اخلاقی‌شان موافق نیستید، دعا می‌کنید؟ در اول تیموتاؤس به ما امر شده که دعا کنیم تا بتوانیم در مقام ایماندار، "به آرامی و استراحت و با کمال دینداری و وقار عمر خود را بسر بریم." عزرا ایمانی شجاعانه داشت. او نه فقط به خدا توکل می‌کرد تا در امن و امان بماند، بلکه علناً به اردشیر پادشاه اعلام داشت که به محافظان پادشاه برای محافظت افراد و اجناسی که با خود می‌بردند نیاز ندارد. او به پادشاه عرض کرد: "دست خدای ما بر هر که او را می‌طلبد، به نیکویی می‌باشد، اما قدرت و غضب او به ضد آنانی که او را ترک می‌کنند" (عزرا 8: 22).

ب) عزرا، مردی با رسالتی خطیر

1- عزرا پسر یک کاهن بود و می‌توانست نسب خود را به هارون، نخستین کاهن اعظم برساند. او معلم (کاتب) شریعت موسی بود. یکی از فرهنگ‌های لغات کتاب مقدس می‌گوید: "احتمال دارد که عزرا در حکومت پارس، مقامی مشابه با وزیر کشور در امور یهودیان را داشت. وظیفه او نظارت بر اجرای متحدالشکل شریعت یهود بود، و به این منظور اختیار داشت که در حکومت محلی یهود دست به انتصاب افراد به مقامات معین بزند."

"این عزرا از بابل بر آمد و او در شریعت موسی که یهوه خدای اسرائیل آن را داده بود، کاتب ماهر بود" (عزرا 7: 6).

2- عزرا در زندگی سه هدف داشت. طبق عزرا 7: 10، این دل خود را بر آن نهاد تا خدا را بجوید. دوم، او مشتاق آن بود که اراده خدا را به‌انجام برساند. و سوم، او آن را به دیگران نیز تعلیم می‌داد. این چه نمونه خوبی است برای ما!

3- فهرست خانواده‌های یهودی که باز می‌گشتند، 1.495 نفر بود که احتمالاً به سران خانواده‌ها اشاره می‌کند. در اینصورت، حدود 7.000 نفر بازگشتند، در مقایسه با تعد 42.360 نفری که بیش از هشتاد سال پیش از آن، در زمان اعلامیه کورش در عزرا 1: 64 باز گشته بودند.

4- توجه داشته باشید که این سفر چهار ماه به طول انجامید (عزرا 7: 9). این کمک می‌کند تا درک کنیم که مجوسیان 500 سال پس از این واقعه به دیدار عیسی نجات‌دهنده آمدند، چه مدت در راه بودند. (سفر عزرا احتمالاً بیشتر طور کشید زیرا در مقایسه با گروه کوچک مجوسیان، گروه بزرگی شامل 7.000 نفر او را همراهی می‌کردند.)

5- توجه کنید که عزرا و گروهش چگونه برای سفر آماده شدند (عزرا 8: 21-23). قوم خدا روزه گرفته، دعا کردند و خواستار برکت خدا شدند. ایشان علناً اعلام داشتند که برای دریافت امنیت و رهایی، به خدا توکل می‌کنند. عزرا از اردشیر پادشاه درخواست سرباز و محافظ نکرد.

6- توجه کنید که جمله "دست نیکوی خدا" چند بار تکرار می‌شود (عزرا 7: 6، 9، 28؛ 8: 18، 22). این امر دلیل بر این است که منبع برکت آنان فیض خدا بود.

ج) نحمیا، از ساقی پادشاه تا ناظر کار

نحمیا در زمان اردشیر پادشاه، 5 سال پس از بازگشت عزرا، از ایران روانه اورشلیم شد (عزرا 7: 7؛ نحمیا 2: 1) تا بر بنای حصارهای اورشلیم نظارت کند. ما آن بخشهایی از کتاب نحمیا را که به ایران مربوط می‌شود، بررسی خواهیم کرد.

1- نحمیا درخواست خود را در کاخ شوشن به اردشیر پادشاه عرضه داشت (نحمیا 1: 1). (شوش عموماً تحت عنوان کاخ یا دارالسلطنه شوشن شناخته شده است. این شهر در جنوب غربی ایران در نزدیکی اندیمشک واقع است. این همان شهری است که ملکه استر در آن برای هموطنان یهودی‌اش شفاعت کرد تا از نابودی کامل نجات یابند.)

2- نحمیا یکی از مقامات حکومتی بود و مسؤولیت اصلی‌اش این بود که "ساقی" پادشاه باشد (نحمیا 1: 1). او می‌بایست خوراک و نوشیدنی‌های اردشیر پادشاه را بچشد تا مطمئن شود که چیزی مسموم نیست. نحمیا می‌بایست خیلی مورد اعتماد بوده باشد. شاید موقعیت او به‌عنوان یک یهودی باعث شد که او بیش از دیگران واجد شرایط باشد، دیگرانی که ممکن بود خیال خیانت به پادشاه را داشته باشند.

3- نحمیا بعداً از سوی اردشیر به‌مقام فرمانداری یهودا منصوب گردید (نحمیا 5: 14؛ 8: 9؛ 10: 1؛ 13: 6).

د) بار سنگین نحمیا

1- خدا معمولاً بر اساس اطلاعات به ما بار می‌دهد. نحمیا قطعاً بسیار شاد شد که حدود 7.000 نفر تحت رهبری عزرا به اورشلیم باز گشتند. او وقتی شنید که حصارهای اورشلیم هنوز ویران است و دروازه‌ها سوخته است، و قومش در پریشانی و ذلت بسیارند، بار سنگینی در دل خود احساس کرد. "حنانی، یکی از برادرانم با کسانی چند از یهودا آمدند و از ایشان در باره بقیه یهودی که از اسیری باقی مانده بودند و در باره اورشلیم سؤال نمودم. ایشان مرا جواب دادند: 'آنانی که در آنجا در بلوک از اسیری باقی مانده‌اند، در مصیبت سخت و افتضاح می‌باشند و حصار اورشلیم خراب و دروازه‌هایش به آتش سوخته است'" (نحمیا 1: 2-3).

2- نحمیا مرد دعا بود. به این نکته توجه کنید که او در سراسر کتاب نحمیا، دعاهای کوتاه و بلند می‌کند. او به خدا توکل می‌کرد تا به‌واسطه او کار کند (نحمیا 1: 4-11؛ 2: 4؛ 4: 4؛ 5: 19؛ 6-9؛ 6: 14). نحمیا پیش از آنکه مشغله فکری خود را به عرض پادشاه برساند، چهار ماه دعا کرد. (مدت زمان میان ماه کیسلو تا ماه نیسان، چهار ماه است، نحمیا 1: 1؛ 2: 1).

3- آیا فکر کرده بودید که چرا اورشلیم به حصار و دروازه نیاز داشت؟ شهرهای امروزی فاقد اینها هستند. حصار مردم را از هجوم دشمن و حیوانات وحشی محفوظ نگاه می‌داشت.

حصار علاوه بر امنیت، به مردم هویتی مشترک می‌داد. دروازه‌ها برای این بود که واردشوندگان و خارج‌شوندگان از شهر مورد کنترل قرار گیرند. خیلی از دهات ایران هنوز هم حصار دارند. تهران گرچه امروز شهری مدرن است، هنوز یادگارهای گذشته را نگاه داشته است: "دروازه قزوین"، "دروازه شمیران"، و "دروازه دولت". در گذشته، تهران حصاری گرد خود داشت با دوازده دروازه.

4- بعضی ممکن است فکر کنند که درخواست نحمیا از پادشاه در مورد چوب از جنگل پادشاه برای ساختن حصار و دروازه‌های شهر، و نیز سرباز برای محافظت از خود، کاری جاه‌طلبانه بوده است. نه، نحمیا جاه‌طلب نبود. او ماهها در دعا بود. اعتماد و اتکای او به درخواستش از پادشاه نبود، بلکه به خدایی بود که دعای او را شنیده بود.

ه) نگاهی اجمالی به بقیه عهدعتیق

نخستین جملات اکثر کتاب‌های نبوتی معمولاً می‌گوید: "کلام فلان نبی در ایام فلان پادشاه..." (رجوع شود. اشعیا 1:1؛ ارمیا 1:1؛ حزقیال 1:1-3؛ هوشع 1:1؛ عاموس 1:1؛ میکا 1:1؛ صفیا 1:1). اینها پادشاهان وقت در زمان انبیای بنی اسرائیل بودند. اما آخرین انبیایی که در عهدعتیق از آنان نام برده شده، حجی و زکریا و ملاکی می‌باشند که معمولاً انبیای بعد از اسارت خوانده می‌شوند. ایشان از سوی خدا برای مردم یهود که توسط کورش از اسارت بابل رهایی یافته و به فلسطین بازگشته بودند، پیغام می‌آوردند. توجه کنید که این کتاب‌ها دیگر بر اساس سال سلطنت پادشاهان اسرائیل یا یهودا تاریخی‌گذاری نشده‌اند، بلکه بر اساس سال سلطنت داریوش، پادشاه پارس.

"در روز اول ماه ششم از سال دوم داریوش پادشاه، کلام خداوند به‌واسطه حجی نبی به زربابل بن شالتینیل، والی یهودا و به یهوشع بن یهوصادق رئیس کهنه رسید" (حجی 1:1).
 "در ماه ششم از سال دوم داریوش، کلام خداوند بر زکریا ابن برکیا ابن عدوی نبی نازل شد" (زکریا 1:1).

و) کاربرد شخصی

1- فکر کنید که خدا چگونه سه فرد را در قلمرو پارس برای خدمت خود آماده کرد. در مورد استر (ر.ش. فصل 7)، خدا از شرایط استفاده کرد. برای عزرا، خدا از هدف زندگی و پیشینه او استفاده کرد، زیرا او در يك خانواده مذهبی پرورش یافته بود. در مورد نحمیا، خدا عطای خدادای مدیریت و رهبری او را به کار گرفت. خدا چگونه شما را آماده می کرده است؟ آیا با کار خدا در زندگی خود همکاری می کنید؟ شاید مانند نحمیا، خدا از شما استفاده کند تا خانواده و دوستان ایرانی خود را بسوی نجات رهبری کنید.

2- بخشی از تقویت زندگی روحانی تان، فراگیری در مورد آن چیزهایی است که به خدا مربوط می شود، یعنی اینکه جلالش آشکار شود و همه مردم او را بپرستند. شاید خدا شما را بسوی این کتاب هدایت کرده تا برای کارش در میان ایرانیان، از جمله گروههای قومی که هرگز پیام انجیل را نشنیده اند، دعا کنید. سایر راهها برای کمک می تواند اهدای پول برای تأمین هزینه برنامه های رادیویی باشد که برای ایران پخش می شود، یا بردن کتاب مقدس یا عهد جدید یا نشریات مسیحی به ایران باشد تا بدینوسیله خبر خوش نجات در عیسی مسیح را به خانواده و دوستان تان که در آنجا ملاقات می کنید، اعلام نمایید. حتی می توانید بخشهایی از کتاب مقدس یا فصلهایی از این کتاب را به ایشان فاکس یا ایمیل کنید.

3- نحمیا و عزرا را چگونه مقایسه می کنید؟ آنان هر دو مردان خدا بودند، اما هر يك هدایتي متفاوت داشتند. برای مثال، عزرا محافظت توسط سربازان پادشاه را نپذیرفت، اما نحمیا پذیرفت (عزرا 8: 21-23 و نحمیا 2: 9). اما این نشانه آن نبود که عزرا بیش از نحمیا به خدا توکل می کرد. کتاب مقدس بیان می دارد که "دست خدا" هم بر عزرا بود و هم بر نحمیا. به علاوه، از تفاوت میان نگرش ایمان این دو نفر می توانیم نکته ای فرا بگیریم.

الف) ما انسانهای خاکی، گاه می‌کوشیم از روشهایی که مردان خدا برای انجام کارهای بزرگ استفاده کردند، فرمول بسازیم. روش کار نحیا با عزرا فرق داشت، اما دعا در زندگی‌اش حاکی از توکل او به خدا بود. گرچه کلام و صفات و اراده خدا هرگز تغییر نمی‌کند، اما روش خدمت به او و کاربرد اصول کتاب مقدس می‌تواند در مسیحیان و کلیساها و فرهنگها متفاوت باشد.

ب) خدا افراد را می‌خواند تا وظایف مختلفی برای او انجام دهند. عزرا یک رهبر مذهبی بود. او وظیفه موعظه را در فصل 8 نحیا انجام می‌دهد و بیداری بزرگی رخ داد. نحیا مدیر بود. او می‌دانست چگونه به افراد انگیزه بدهد، و بدینسان حصارهای اورشلیم بنا شد.

ز) کاوشی عمیق‌تر

1- اغلب از نحیا به‌عنوان شخصی یاد می‌شود که اصول مدرن مدیریت و رهبری را به‌کار گرفت تا حصارهای اورشلیم را بنا کند. از این اصول فهرستی تهیه کنید و بگویید آنها را چگونه می‌توان در یک معامله امروزی به‌کار برد. میان قابلیت مدیریت نحیا و دعای او چه رابطه‌ای می‌بینید؟

1- آنانی که در میان شما عطای مدیریت دارند، می‌توانند از یک کتاب کلاسیک به‌نام *Nehemiah and the Dynamics of Effective Leadership* نوشته Cyril J. Barber، انتشارات Loreinez Publishing House استفاده کنند. این کتاب نایاب است، اما نسخه‌هایی از آن را می‌توانید در اینترنت بیابید. من در مقام یک مدیر، از اصول کتاب مقدس و کاربرد آنها در حوزه خدمتی خودم استفاده بسیار برده‌ام.

چرا عیلام اینقدر مهم می‌باشد؟

کاخ یا دارالسلطنه شوشن، واقع در نزدیکی اندیمشک، 19 بار در کتاب استر، و نیز در نمیا 1: 1 و دانیال 8: 2 ذکر شده است. شوشن نه فقط پایتخت باستانی امپراطوری عیلام بود، بلکه پس از تصرف بابل به‌دست کورش، پایتخت امپراطوری ماد و پارس نیز گردید. ظاهراً همدان (اکباتان) واقع در غرب ایران، بخاطر هوای خنکش اقامتگاه تابستانی پادشاهان بود، و تخت‌جمشید واقع در شمال شیراز، پایتخت تشریفاتی برای مراسمی نظیر نوروز بود.

الف) پیشینه تاریخی عیلام و شوش

شوشن در حدود 220 کیلومتری شمال خلیج فارس، در شرق رود دجله در دشتی واقع شده که ادامه بین‌النهرین جنوبی است. برای این شهر سه نام به‌کار رفته: شوشن در کتاب مقدس، سوزا در تاریخ عمومی غربیان، و شوش در ایران امروزی. عیلام منطقه اطراف شوشن بود. حفاریها در شوشن نشان داده که شهر از 4000 سال ق.م. تا 1200 میلادی مسکونی بوده است. آن پایتخت حکومت کوچکی بود متشکل از مردمان کوهنشین با پیروزیها و شکستهای متعدد. قدرت عیلامیان توسط حمورابی، پادشاه بابل (1792 تا 1750 ق.م.) در هم شکست. (این همان پادشاهی است که "قانون حمورابی" را تدوین کرد، آن شریعت مشهور را، که بر حسب تصادف در ویرانه‌های شوشن در سال 1902 کشف شد.)

از 1650 تا 1175 ق.م. عیلام و بابل هر دو تحت فرمانروایی "کاسیهای" لرستان قرار گرفت. پس از آن، عیلام برای مدتی تبدیل به حکومتی مستقل گردید. سپس ملت‌های گوناگون، نظیر آشور به‌رهبری سنخاریب و آشوربانیپال، و بابل به‌رهبری نبوکدنصر به عیلام حمله کرده، آن را به‌تصرف

در آوردند. پس از آن، عیلام بخشی از امپراطوري ماد و پارس گردید با کاحي اصلي واقع در شوشن. در پایتخت دیگر، یعنی تخت جمشید، سنگنبشته‌اي هست در پلکان شمالي کاخ آپادانا، که نشان مي‌دهد سربازان مادي و پارسي و عیلامي حافظ تاج و تخت پارس مي‌باشند. همچنین، نوشته‌اي به زبان عیلامي در کنار نوشته پارسي دیده مي‌شود.

احاديث متعلق به سال 1170 ميلادي، حاكي از آن است که آرامگاه دانيال در شوشن واقع بوده است. اما نمي‌دانيم که آیا دانيال واقعاً در شوشن بوده است یا نه، زیرا اشاره‌اي که به حضور دانيال در شوشن شده، به يك رؤيا مربوط مي‌شود: "و در رؤيا نظر کردم و مي‌ديدم که من در دارالسلطنه شوشن که در ولايت عیلام مي‌باشد بودم و در عالم رؤيا ديدم که نزد نهر اولاي مي‌باشم" (دانيال 8: 2).

احاديث اخير يهودي ذکر مي‌کنند که در قرون اوليه، در مورد قبر دانيال در ميان يهوديان شوشن مشاجره‌اي وجود داشته است. يهودياني که در آنسوي رودخانه زندگي مي‌کردند که قبر دانيال واقع بود، ثروتمند بودند، اما آناني که در سوي ديگر رودخانه زندگي مي‌کردند، فقير بودند. براي توقف مشاجره، جاگه تابوت هر سال از يك سوي رودخانه به سوي ديگر جابجا مي‌شد. سرانجام يکي از پادشاهان ايران، دستور داد تا تابوت را درست در وسط پلي که بر روي رودخانه قرار داشت، از زنجير بياویزند.

شنیده‌ام که امروزه مناطق اطراف شوشن بسان معجزه‌اي زراعي مي‌باشد. اگر اين مناطق را مي‌شد آبياري کرد، مي‌توانست يکي از حاصلخيزترين نقاط جهان گردد. دو نوع نيشکر در طول سال مي‌توان در آنجا کاشت. بهياد داشته باشيد که اين منطقه در انتهاي هلال حاصلخيز قرار دارد.

ب) تاريخ عیلام در کتاب مقدس

1- عیلام يکي از پسران سام، پسر نوح بود (پيدائش 10: 22). لذا نوح پدر بزرگ عیلام بود.

- "پسران سام: عیلام و آشور و ارفکشاد و لود و آرام."
- 2- ابراهیم برادرزاده خود لوط را از دست کُدر لا عُمَر، مَلِكِ عیلام، که او را به اسارت در آورده بود، رهایی داد (پیدایش 14).
- 3- پادشاه آشور برخی از مهاجرنشینان عیلامی را در جای یهودیان متعلق به 10 قبیله شمالی که سر به شورش گذارده بودند، اسکان داد و این یهودیان را به اسارت برد.
- 4- خدا عیلام را احتمالاً توسط بابلیها به رهبری نبوکدنصر، مورد داوری قرار داد (ارمیا 49: 34-37؛ حزقیال 32: 24-25).
- 5- مادها به کمک عیلامیان، امپراطوری بابل را در هم شکستند (اشعیا 21: 2-10). همچنین این را مقایسه کنید با اشعیا 22: 1-6.

ج) نبوت در مورد عیلام

1- در اشعیا 11: 10-16 نبوتی در مورد احیای اسرائیل آمده است. آیه 10 می‌فرماید که ریشهٔ یسی (عیسای مسیحا) همچون عَلمی برای تمامی قوم‌ها و امت‌ها بر پا خواهد شد و ایشان او را خواهند طلبید. آیه 11 می‌فرماید: "در آن روز، واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیت قوم خویش را که از آشور و مصر و قنروس و حیش و عیلام و شنعار و حمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده‌باشند، باز آورد." سپس در آیه 12، در باره گرد آمدن تبعیدیان اسرائیل سخن به میان آمده است. آن عده از مسیحیان که معتقدند مسیح به‌هنگام بازگشتش به زمین، به‌مدت 1000 سال سلطنت خواهد کرد (سلطنت هزار ساله)، بر این باورند که این بخش به یهودیانی اشاره دارد که در میان ملت‌های مختلف پراکنده‌اند و در چندین دهه اخیر و نیز اکنون به اسرائیل باز می‌گردند. آیا توجه کردید به اینکه یکی از سرزمین‌هایی که خدا بازماندگان را از آنجا باز خواهد گرداند، عیلام است؟

2- نبوت دیگری هست در مورد عیلام در ارمیا 49: 35-39. در آیه 35 خداوند می‌فرماید: "اینک من کمان عیلام... را خواهم شکست." عیلامیان به‌عنوان کماندار بسیار شهرت داشتند (ارمیا 50: 9 و اشعیا 22: 6). در ترجمه قدیمی فارسی، آیات 38-39 چنین می‌فرمایند: "خداوند می‌گوید در ایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد." این مشابه است با ترجمه انگلیسی King James. در ترجمه تفسیری، در آیات 38 و 39 چنین آمده: "ولی در آینده، عیلام را دوباره کامیاب خواهم ساخت." بقیه این بخش در باره مجازات الهی بر عیلام و پراکنده شدن اسیران آن در میان ملت‌های مختلف در اثر خشم خدا سخن می‌گوید. آیا این بخش به وقایع تاریخی گذشته اشاره می‌کند یا به وقایعی که باید در آینده رخ دهد؟

(الف) بطور کلی، چنین تفسیر می‌شود که این وقایع قبلاً رخ داده‌اند. (توجه داشته باشید که علاوه بر 49: 39، جمله "کامیاب خواهم ساخت" در ارمیا 48: 47 در مورد موآب و در 49: 6 در مورد عمونیان به‌کار رفته است.) امپراطوری‌های عیلام و بابل به‌دست ماد و پارسها به‌رهبری کوروش مغلوب شدند؛ کوروش، پادشاه عیلام را بر کنار ساخت و تخت خود را در عیلام برپا داشت (ارمیا 49: 38). بدینسان، عیلام تبدیل به کشوری تابع کوروش گردید و این نشان می‌دهد که این نبوت قبلاً تحقق یافته است. عبارت "در ایام آخر" در ارتباط با کامیابی عیلام به‌کار رفته، نه بازگشت مردم به آن. همانطور که قبلاً ذکر شد، عیلام زمانی منقطه کشاورزی حاصلخیزی بود. امروزه منطقه‌ای است لم‌یزرع، اما در ایام آخر تبدیل به سرزمینی کامیاب خواهد گشت با یک کشاورزی پررونق. به یاد دارم که وقتی در ایران بودم، در دهه 1970، با یک متخصص کشاورزی صحبت می‌کردم که آن منطقه را مورد بررسی قرار داده بود. می‌گفت که با آبیاری مناسب، این منطقه می‌تواند تبدیل شود به یکی از بزرگترین مراکز تولید محصولات کشاورزی در جهان. این باید در "ایام آخر"، برای کامیابی عیلام اتفاق بیفتد.

ب) تفسیری دیگر بر این تأکید دارد که منظور از "ایام آخر" در این نبوت، زمان‌هایی است که هنوز فرا نرسیده است. بعضی از ایمانداران ایرانی شاهد این بوده‌اند که خدا چگونه در این "ایام آخر" در میان ایرانیان کار کرده است. در سال 1977، فقط حدود 250 نفر مسیحی ایرانی از زمینه اسلامی در ایران وجود داشت. در سال 2000 این رقم به‌گونه‌ای چشمگیر به 27.500 نفر رسیده بود. برای ایشان، این تحقق نبوت "ایام آخر" است که "اسیران عیلام" را باز می‌آورد. با توجه به اینکه عیلام بخشی از ایران امروز است، برخی از ایرانیان می‌گویند که آیه‌های 35 و 36 به انقلاب اسلامی سال 1978 اشاره دارد که سبب شد ایران تبدیل به جمهوری اسلامی گردد و از سیاست‌های جدید سیاسی و اقتصادی برخوردار شود. در نتیجه، بسیاری از ایرانیان ترک وطن گفتند و در سراسر جهان پراکنده شدند. در سال 1999، حدود 53.500 نفر ایرانی در استرالیا، 110.000 نفر در آلمان، 80.000 نفر در انگلستان، 120.000 نفر در کانادا، 1.380.000 نفر در ایالات متحده، 250.000 نفر در عراق، 100.000 نفر در کویت، 140.000 نفر در پاکستان، 800.000 نفر در ترکیه، و 350.000 نفر در ایالات خلیج و برخی دیگر در سایر کشورها بسر می‌برند. يك سازمان مسیحی به‌نام Iranian Christians International با ایمانداران ایرانی در بیش از 30 کشور در تماس است. (برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود. فصل 18 تحت عنوان "ایرانیها امروز در کجا زندگی می‌کنند".)

"یهوه صباپوت چنین می‌گوید: اینک من کمان عیلام و مایه قوت ایشان را خواهم شکست. و چهار باد را از چهار سمت آسمان بر عیلام خواهم وزانید و ایشان را بسوی همه این بادها پراکنده خواهم ساخت، به‌حدی که هیچ امتی نباشد که پراکنندگان عیلام نزد آنها نیایند. و اهل عیلام را به حضور دشمنان ایشان و به حضور آنانی که قصد جان ایشان دارند، مشوش خواهم ساخت. و خداوند می‌گوید که بر ایشان بلا یعنی حدت خشم

خویش را وارد خواهم آورد و شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد تا ایشان را بالکل هلاک سازم. و خداوند می‌گوید: من کرسی خود را در عیلام بر پا خواهم نمود و پادشاه و سروران را از آنجا نابود خواهم ساخت. لیکن خداوند می‌گوید: در ایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد" (ارمیا 49: 35-39).

این تفسیر می‌گوید که آیه 38 زمانی جامه عمل پوشید که شاهنشاهی 2500 ساله ایران با سقوط محمد رضا شاه پهلوی در سال 1979 به پایان رسید. ایمانداران ایرانی این امید را دارند که در آینده رژیم کنونی تغییر یافته، داوری خدا بر ایران کاملاً خاتمه بیابد و طبق آیه 39، اسارت عیلام در "ایام آخر" مورد تفقد قرار گیرد. در آن زمان، بسیاری از ایمانداران ایرانی به وطن خود، ایران باز خواهند گشت. چندین مؤسسه مسیحی ایرانی، ارمیا 49: 39 را بر روی سربرگهای خود دارند. برای آنان، این نبوت هنوز جامه عمل نپوشیده است. در نظر آنان، تثبیه 30: 1-10 نه فقط در باره بازگشت یهودیان به اسرائیل است، بلکه به بازگشت ایرانیان به مملکت خود نیز اشاره دارد.

ج) برخی دیگر از ایرانیان به هر دو این تفسیرها قائلند. بله، عیلام مجازات شد و سلطنتی جدید توسط کورش بر جای آن استقرار یافت. اما اینان معتقدند که این بخش دارای تحقیق دوگانه است. آن هم به تاریخ گذشته اشاره دارد و هم به کار خدا در میان ایرانیان در آینده. ایشان عقیده خود را استوار می‌سازند بر سایر بخشهای کتاب مقدس که در آنها نبوتی در مورد اسرائیل برای "روزهای آخر"، هم قبلاً تحقق یافته است، و هم دارای تحقیق در آینده می‌باشد.

د) کاوشی عمیق‌تر

1- چرا نبوت ارمیا 49: 35-39 در مورد عیلام به‌ندرت در کتابهای تفسیر انگلیسی و سایر زبانهای اروپایی تحت عنوان نبوتی برای روزهای آخر و بازگشت خداوند ما عیسی مسیح مورد اشاره قرار گرفته است؟

2- شما شخصاً در مورد بازگشت عیسی مسیح چه فکر می‌کنید؟ آیا برای بازگشت نجات‌دهنده ما عیسی مسیح آمادگی دارید؟

اثرات گسترده پنطیکاست: میسیونرهای ایرانی در آسیا

اکثر مسیحیان با گسترش بشارت انجیل در دنیای غرب آشنایی دارند. کتاب اعمال رسولان شرح می‌دهد که چگونه پولس رسول انجیل خداوند ما را به کریت، ترکیه، و روم رساند. در طول قرون و اعصار، مسیحیت در سراسر اروپا و بعدها در آمریکا اشاعه یافت. امروزه ما بیشتر به مردمانی فکر می‌کنیم که در داخل "پنجره 40/10" زندگی می‌کنند؛ منظور از این "پنجره"، منطقه‌ای است از جهان که شامل شمال آفریقا، خاورمیانه، و آسیای شرقی می‌گردد. اما در قرون اولیه کلیسا، انجیل اشاعه‌ای گسترده‌ای در مصر و شمال آفریقا داشت. همچنین بسوی شرق، در سراسر خاورمیانه، ایران، و حتی در بخشهایی از آسیا تا به چین گسترش یافته بود. فراموش نکنید که خدا جهان را بسیار محبت نمود! اکنون نگاهی خواهیم افکند به اینکه خدا چگونه در میان ملت ایران کار کرد تا خبر خوشش را گسترش دهد.

ما در باره مجوسیان بحث کردیم که در فصل دوم انجیل متی به ایشان اشاره شده است (همچنین ر.ش. فصل 13، آداب و رسوم کریسمس). ایشان از مشرق آمده بودند تا مسیح را پرستش کنند. حال ببینیم که دیگر چه کسانی برای پرستش از مشرق زمین آمدند. کتاب اعمال رسولان 2: 1-9 را بخوانید.

الف) چرا یهودیان ایران در اورشلیم حضور داشتند؟

کتاب مقدس می‌فرماید که روح القدس بر ایمانداران نازل شد. در اعمال 2: 5 می‌خوانیم که یهودیان خداترس از میان تمامی ملل به اورشلیم آمده بودند. "و مردم دیندار یهود از هر طایفه زیر فلک در اورشلیم منزل می‌داشتند." چرا یهودیان از نقاط مختلف جهان در روز پنطیکاست در اورشلیم بسر می‌بردند؟ در

تثنیه 16: 16 خدا حکم کرده بود که تمامی مردان یهودی برای اعیاد مذهبی به اورشلیم بروند. یکی از این اعیاد، عید هفته‌ها یا عید نوبر محصول بود که طی آن، پنجاه روز پس از عید نان فطیر، نوبر غلات به خداوند تقدیم می‌شد (خروج 23: 16؛ 34: 22؛ لاویان 23: 15-21). در عهدجدید این عید، پنطیکاست نامیده شده، که کلمه‌ای است یونانی به معنی پنجاه. ایشان می‌بایست برای عید فصح و عید خیمه‌ها به اورشلیم بروند.

ب) در روز پنطیکاست چه اتفاقی افتاد؟

1- مطابق اعمال 2: 6-9، توجه کنید به اینکه شاگردان عیسی به چه زبانهایی سخن گفتند.

"پس چون این صدا بلند شد، گروهی فراهم شده، در حیرت افتادند زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید. و همه مبهوت و متعجب شده، به یکدیگر می‌گفتند: 'مگر همه اینها که حرف می‌زنند جلیلی نیستند؟ پس چون است که هر یکی از ما لغت خود را که در آن تولد یافته‌ایم می‌شنویم؟ پارتیان، مادیان، عیلامیان و ساکنان جزیره، یهودیه، کپدکیا، پنطس و آسیا..."

2- عیلامیان و پارتیان و مادیان از نسل اشخاصی بودند نظیر عزرا، استر، دانیال، و نحیمیا و نیز احتمالاً ایرانیانی که در دوره استر به یهودیت گرویده بودند (استر 8: 17). ایشان برای عید پنطیکاست به اورشلیم آمده بودند. سه گروه زبانی نخست در اعمال 2: 9، منشأی ایرانی دارند. پارتیان از پارت می‌آمدند که واقع در شمال شرقی ایران امروزی بود (سلسله پارتیان از 124 ق.م. تا 224 میلادی بر ایران و مناطق اطراف حکومت کردند). مادیان (امپراطوری ماد و پارس را به یاد دارید؟) از مرکز ایران بودند؛ و عیلامیان از جنوب غربی ایران بودند، همانجایی که پایتخت باستانی شوش واقع بود (ر.ش. فصل 9).

3- از اعمال 2: 41 پی می‌بریم که در روز پنطیکاست 3000 نفر عیسی مسیح را به‌عنوان مسیحی موعود و پسر خدا و نجات‌دهنده خود پذیرفتند. ایشان نجات یافتند و تعمید

گرفتند. "پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعمید گرفتند و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوستند." بدور از واقع‌بینی نیست که تصور کنیم برخی از اینان یهودیان مقیم ایران بودند و اینک در مقام مسیحیانِ تعمیدیافته به ایران باز می‌گشتند!

ج) اشاعه مسیحیت در ایران پس از روز پنطیکاست

با مطالعه تاریخ کلیسا می‌توانیم پی ببریم به اینکه انجیل چگونه در ایران انتشار یافت. طبق احادیث، اندریاس به نواحی دریای سیاه و دریای خزر رفت. متی نیز بسوی پارتیان رفت. در قرون اولیه، خصوصاً در زمان بعضی از پادشاهان سلسله ساسانیان (224-642 میلادی)، مسیحیت در ایران رواج کامل یافت. یکی از مراکز اولیه مسیحیت در زمان شاپور اول (240-272 میلادی)، شهر شوش بود، همان شهری که دانیال رؤیای خود را در آن دید و نحیا نیز ساقی پادشاه بود. بعضی معتقدند که اکثر مسیحیان شوش، سربازان رومی بودند که همراه با اسقفشان در جنگ ساسانیان علیه روم به اسارت گرفته شده بودند.

در اوائل قرن چهارم، شاپور دوم آزار به مسیحیان را آغاز کرد زیرا می‌پنداشت که ایشان از نظر سیاسی به امپراطوری روم وابسته‌اند. ویرانه‌های کلیساهای قدیمی در مناطق اطراف خلیج فارس یافت شده است.

در قرن ششم، کلیسا در منطقه‌ای که امروزه مسیحیان آن را "پنجره 40/10" می‌نامند، اشاعه‌ای گسترده داشت. مسافری مشاهده کرده بود که مسیحیت در میان مردم آسیای میانه، هونها، پارسیان، مادها، عیلامیان، ارمنیان، و هندیان موعظه شده بود، و کلیسا از خلیج فارس تا دریای خزر گسترش یافته بود. اما مشرق‌زمین از کشمکش عقیدتی و هویتی که گریبانگر پدران اولیه کلیسا بود، در امان نماند.

تعالیم شخصی به‌نام نستوریوس، پاتریارخ کنستان‌تینوپل (استانبول امروزی)، در یک شورای کلیسایی در شهر افسس در سال 431 میلادی مطرح شد. نستوریوس تعلیم می‌داد که مسیح دو طبیعت یا شخصیت جداگانه داشت، یک طبیعت انسانی و یک

طبیعت الهی. یکی از استدلال‌ات او این بود که در آیین‌های عبادی کلیسا، مریم را نباید "مادر خدا" نامید بلکه "مادر مسیح". اما تصمیم شورا بر این قرار گرفت که مسیح در آن واحد، هم کاملاً خدا بود و هم کاملاً انسان؛ در نتیجه، تعالیم نستوریوس را نادرست اعلام داشت. نستوریوس به مصر تبعید شد، اما مکتب فکری او در شرق رواج یافت. تعالیم او به تدریج در کلیسای ایران پذیرفته شد؛ این کلیسا سلسله مراتبی همچون کلیسای روم بوجود آورد. بجای پاپ، پاتریارخی بود با اختیارات محدودتر. مسیحیان آسوری ایران، امروزه از اصطلاح "کلیسای نستوری" خشنود نیستند، و عناوین دیگر را ترجیح می‌دهند، نظیر "کلیسا شرق".

د) فعالیت‌های بشارتی کلیسای ایران

مسیحیت در ایران عمدتاً تشکیل یافته بود از سریانی‌زبانان که در امر تجارت شهرت داشتند. این شهروندان ایرانی در گسترش ایمان مسیحی بسیار فعال بودند و در سفرهای بازرگانی خود در خارج از ایران، مسیحیت را در میان بت‌پرستان بشارت می‌دادند. لاتورت، مورخ مسیحی، می‌نویسد: "مسیحیان در قلمرو ساسانیان و عباسیان در قرون 5 تا 16، در امر بشارت فعال‌تر از مسیحیان هر قلمرو دیگری بودند که حکمرانان غیرمسیحی داشت." به نتایج چشمگیر این امر توجه کنید:

- 1- کلیساها و مسیحیان و اسقفان در سراسر مناطق اطراف ایران وجود داشت.
- 2- گفته می‌شود که در آسیای مرکزی، از دریای خزر گرفته تا به چین، مسیحیت حاکمیت داشت.
- 3- در سیانگفو (در چین)، سنگنبشه‌ای متعلق به سال 781 میلادی یافت شده که نام‌های پارسی و چینی همراه با اعتقادنامه‌ای مشابه با اعتقادنامه رسولان بر آن نقش بسته است.
- 4- کلیسای "مار توما" در جنوب هندوستان که از نظر سنت به تومای رسول منسوب است، به باور بعضی، در اثر

فعالیت‌های بشارتی کلیسای ایران در این منطقه بوجود آمده است.

5- فعالیت‌های بشارتی کلیسای ایران، مناطق ثبت، ویتنام، کره، و احتمالاً ژاپن را تحت تأثیر قرار داده است.

6- مارکوپولو در سفر مشهور خود از ایتالیا و خاورمیانه تا به آسیای میانه و چین در حدود سال 1200، به وجود جوامع مسیحی در این مناطق اشاره کرده است.

تأثیر اعراب بر امپراطوری پارس که در اواسط قرن هفتم آغاز شد، کُند اما نافذ بود. به همراه آن، تضعیف کلیسای ایران نیز آغاز گشت. تحت حکومت اعراب بر ایران، نخستین آزارها متوجه پیروان دین حکومت قبلی، یعنی زرتشتیان بود. مسیحیان گاه حتی اقلیتی تحت حمایت به‌شمار می‌آمدند.

ه) افول کلیسای ایران قدیم

آزار بر کلیسا مآلاً به درجات مختلف از سوی مقامات محلی و مرکزی فرا رسید. مسیحیان موظف به پرداخت مالیاتی اضافی شدند. گرویدن مسلمانان به مسیحیت ممنوع گردید. صلیب نمی‌بایست در انظار عمومی قرار گیرد. هجوم ویرانگر چنگیزخان و لشکریان مغول او تقریباً کلیسای در حال احتضار ایران را از صفحه روزگار محو کرد. فقط عده معدودی باقی ماندند که ایشان نیز به کوه‌های غرب ایران پناه بردند. چرا کلیسای ایران قدیم دچار افول گردید؟

1- در میان مسیحیان این تصور رایج بود که فقط کسانی براستی روحانی هستند که در دیرها بدور از جامعه زندگی می‌کنند.

2- زبان رسمی کلیسای ایران، سریانی بود نه فارسی.

3- سلسله مراتب مذهبی پاتریارخها و اسقفان قوت کلیسا را گرفت.

4- اشتباهات عقیدتی انسجام کلیسا را تضعیف کرد.

5- کلیسا اشتیاق به شهادت پویا را از دست داد.

6- کلیسا نمی‌توانست از نظر سیاسی به دولت وفادار بماند.

7- معیارهای کلیسایی مورد سازش و اغماض قرار می‌گرفت.

- 8 - صلیب را نمی‌توانستند در معرض انظار قرار دهند.
- 9 - مردان مسلمان می‌توانستند با زنان مسیحی ازدواج کنند، اما مردان مسیحی نمی‌توانستند با زنان مسلم وصلت کنند.

(و) سنگ‌نبشته سیانگفو

کلیسای انگلیکن حضرت شمعون در شیراز، مدل سنگ‌نبشته معروف سیانگفو، پایتخت پیشین چین را در خود جای داده است. این سنگ‌نبشته در سال 1623 میلادی کشف شد. آن را در حدود سال 781 میلادی حک کرده‌اند و 3 متر ارتفاع، 1 متر عرض، و 30 سانتیمتر ضخامت دارد. بر آن 1900 حرف چینی و 700 نام سریانی با ترجمه چینی آن نقش بسته است. (مدل‌های عیناً مشابه نیز در موزه لایران در روم و در کوه کویا در ژاپن یافت می‌شود.)

بر این سنگ‌نبشته فعالیت‌های مسیحیان ایرانی و چینی که بدنبال آمدن "آلپین" به دربار امپراتور چین در سال 635 میلادی انجام شد، شرح داده شده است؛ او یک مبشر کلیسای ایران بود. طبق مندرجات این سنگ‌نبشته، امپراتور دستور داد تا برای آلپین و 21 راهب او، دیری بسازند. (آلپین نام چینی این شخص می‌باشد. نام اصلی او احتمالاً ابراهیم یا یهوب‌آلهه می‌باشد.) او در دربار "تای‌تسونگ"، امپراتور چین، به‌گرمی مورد استقبال قرار گرفت. امپراتور که "طریقت" را مورد تحقیق قرار داده بود، اعلام داشت که آلپین مردی است بسیار فاضل. امپراتور که تحت تأثیر خلق نیک و امانت آلپین قرار گرفته بود، دستور داد تا اعتقادات او ترویج شود و برخی از بخش‌های کتاب مقدس به چینی برگردانده شود. در سال 1638، نخستین کلیسا در شانگان، پایتخت چین که گفته می‌شد بزرگترین شهر جهان آن روزگار است، بنا شد. طبق اسناد تاریخی، در سال‌های بعد، یازده کلیسای دیگر ساخته شد، اما احتمالاً این تعداد بیش از این‌هاست. گزارشی که ممکن است اغراق‌آمیز باشد می‌گوید که در چین در هر مرکز استان، یک کلیسا بوده است، که در اینصورت می‌بایست 368 کلیسا وجود می‌داشت. اسناد مختلف ایرانی و چینی حاکی از آن است که

این مسیحیان چینی به اصول اساسی مسیحیت اعتقاد داشتند، اصولی نظیر گناه اولیه، کفاره نیابتی، تولد از باکره، صلیب، ده فرمان، توبه، مجازات ابدی، و نجات به واسطه ایمان و نه اعمال. آنان می‌دانستند که باید مطیع مقامات حکومتی باشند، گرسنگان را خوراک دهند، برهنگان را پوشاک دهند، و از بیوه‌زنان و یتیمان دستگیری کنند.

عنوان این سنگنبشته این بود: "یادواره اشاعه دین منور تاجین (سوری) در چین". ترجمه کامل انگلیسی این سنگنبشته را می‌توان در سایت ذیل یافت

www.fordham.edu/halsall/eastasia/781nestorian.html

در زیر، بخشی از این سنگنبشته بصورت شعر به فارسی برگردانده شده است:

یکی اقوم از تثلیث اقدس	فروغ زندگی یعنی
مسیحا	
نهفته کبریای نوالجلالی	بهنجار بشر شد
آشکارا	
بدو بالا پیران کردند شادی	ز شادی گشت گردون پر ز
غوغا	
بهر سو مژده ها بردند و خواندند	بچوپانان میان
دشت و صحرا	
بفرمان خدا از دختر بکر	هویدا گشت نور
شادی افزا	
درخشان کوکبی از زادن او	پیام آسمان برداشت
آوا	
چو ایرانی بدید آن اختر پاک	فراز چرخ چون خورشید
عذرا	
دوید آنجا که آنجا شاد و خندان	بدارد هدیه های
خویش اهدا	

بخاطر مبشرین ایرانی، چین شهادت نجات توسط خداوند عیسی مسیح را به مدت چند قرن دریافت داشت. چندین قرن پس از تهیه سنگنبشته، جامعه مسیحی در چین به نیستی گرایید. برخی از دلایل احتمالی این امر می‌تواند آزار بر کلیسا، و مسائل مذهبی و الهیاتی و اسطوره‌ای و سیاسی بوده باشد. کتاب "تاریخ مسیحیت در آسیا" جلد اول، نوشته ساموئل هیو موفات، جزئیات تاریخی و نیز برخی منابع را شرح می‌دهد (این کتاب توسط کانون یوحنا رسول در تهران به فارسی برگردانده شده است).

ز) کتاب‌هایی در مورد ایران در کتاب مقدس و تاریخ کلیسای ایران

- کتاب "تاریخ مسیحیت در ایران"، نوشته زرین بهروش پاکیزگی؛ انتشارات Wheaton, IL: William Carey Publishers. این کتاب شرحی از تاریخ کلیسای ایران از آغاز تا به امروز را ارائه می‌دهد. فصل 15 تحت عنوان "آزاردیدگان در راه مسیح در ایران: گذشته و حال" شرح حال شهیدان مسیحی در دوره جمهوری اسلامی را از سال 1980 تا 1995 عرضه می‌دارد. برای سفارش این کتاب با نشانی زیر تماس بگیرید:

Dr. Behzad Pakizegi
P.O. Box 600476
San Diego, CA 92160
Phone: 610-283-0880

کتاب "مسیحیان در ایران" (Christians in Persia) نوشته London: George Robin E. Waterfield انتشارات Allen, D Union Ltd. 1973. این کتاب شرحی پیوسته از مسیحیان در ایران از قرن دوم تا سال 1970 ارائه می‌دهد. جزئیات مربوط به ظهور و سقوط کلیسای قدیم ایران و نیز فعالیت‌های بشارتی کاتولیکها و پروتستانها در سده‌های 19 و 20 ارائه شده است.

کتاب "ایران در کتاب مقدس" (Persia in the Bible) نوشته Edwin M. Yamauchi انتشارات Grand Rapids: Baker Back House, 1990. این کتاب پژوهشگرانه در مورد پیشینه تاریخی خاورمیانه و خصوصاً ایران، شامل بیش از 100 عکس و نیز اطلاعات باستان‌شناختی فراوان می‌باشد. این اثر برای درک کتاب‌های ارمیا و حزقیال و دانیال و استر و نحیا بسیار ضروری است.

کتاب "تاریخ مسیحیت در ایران" نوشته ساموئل هیو مافت (S. H. Moffett)، جلد اول از آغاز تا سال 1500 میلادی، انتشارات San Francisco: Harpor 1991. این کتاب پژوهشگرانه و مبسوط، جزئیاتی ارزنده در مورد این بخش از تاریخ کلیسا را که اغلب نادیده گرفته شده، ارائه می‌دهد. حدود نیمی از کتاب به کلیسای قدیم ایران می‌پردازد. (همانطور که گفته شد، این کتاب توسط "کانون یوحنا رسول" در تهران ترجمه شده است.)

ح) کاربرد شخصی

خدا در گذشته مسیحیان ایرانی را برای رساندن بشارت انجیل به اکثر نقاط آسیا به‌کار گرفته است. اگر شما يك مسیحی ایرانی و فارسی‌زبان هستید، شاید خدا این بار را در قلب شما بگذارد تا بشارت عیسی مسیح را در مناطقی نظیر تاجیکستان و افغانستان اعلام نمایید. زبانهای تاجیکی و دری و هزاری بسیار به فارسی نزدیکند. آیا حاضرید برای گروه‌های قومی مختلف در ایران دعا کنید و به آنان بشارت دهید؟

نقش استراتژیک ایران در نبوت‌های مربوط به آینده

آیا متوجه شده بودید که در کتاب مقدس به ایران در ارتباط با رویدادهای مربوط به آخر زمان اشاره شده است؟ بسیاری از این رویدادها متمرکز است بر اسرائیل و اینکه بسیاری از ملل جهان خواهند کوشید آن را از میان بر دارند. اگر این رویدادهای هولناک ناگهان اتفاق بیفتند، آیا شما آمادگی آنها را دارید؟ در فصل 37 کتاب حزقیال، به يك وادی پوشیده از "اسخوانهای خشك" اشاره شده است. حزقیال نبی از خدا پرسید: "آیا می‌شود که این استخوانها زنده گردد؟" آنگاه استخوانها شروع کردند به پیوستن به یکدیگر. پی بر آنها آمد و بعد با پوست پوشیده شدند. سرانجام، دم بر آنها دمیده شد و زنده شدند. خداوند به نبی توضیح می‌دهد و می‌فرماید: "اینك من بني اسرائیل را از میان امت‌هایی که به آنها رفته‌اند گرفته، ایشان را از هر طرف جمع خواهم کرد و ایشان را به زمین خودشان خواهم آورد" (حزقیال 37: 21). گرچه این نبوت، زمانی که اسرائیل در سال 1948 مجدداً بصورت يك کشور رسمی تشکل یافت، جامه عمل پوشید، اما مردم یهود هنوز نیز همچون استخوانهای خشك می‌باشند. يك روز خدا روح خود را بر ایشان خواهد نهاد و "ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود" (حزقیال 37: 23).

استقرار ملت اسرائیل در حزقیال 38 و 39 تشریح شده است. به سایر ملت‌ها و نیز ایران که در میان آنها مقام برتر را دارد، اشاره شده است. به همین جهت است که این رویداد آتی ذکر شده است.

الف) در حزقیال 38، وضعیت اسرائیل چگونه توصیف شده است؟

- 1- (آیه 8) ایشان از میان تمامی ملت‌ها گرد آمده‌اند و در امنیت زندگی می‌کنند.
- 2- (آیه 11) ایشان در امنیت‌اند و در دهات بدون حصار و دروازه زندگی می‌کنند.

ب) چه رویداد مهمی رخ خواهد داد و تهاجم از کجا خواهد آمد؟

- 1- تهاجمی از سوی اسرائیل صورت خواهد گرفت.
"بعد از روزهای بسیار از تو تفقد خواهد شد. و در سال‌های آخر به زمینی که از شمشیر استرداد شده است خواهی آمد که آن از میان قوم‌های بسیار بر کوه‌های اسرائیل که به خرابه دائمی تسلیم شده بود، جمع شده است و آن از میان قوم‌ها بیرون آورده شده و تمامی اهلس به امنیت ساکن می‌باشند" (حزقیال 38:8).
- 3- تهاجمی از سوی یک ارتش بزرگ از شمال صورت خواهد گرفت (آیه 15).

ج) کدام کشورها این ارتش مهاجم را تشکیل خواهند داد؟

- 1- اکثر ملت‌هایی که در روزگار حزقیال وجود داشتند، نام‌هایی باستانی دارند. این امر تشخیص نام‌های جدید آنها را دشوار می‌سازد. اکثر مفسران محافظه‌کار این ملت‌ها را چنین تشخیص می‌دهند:

الف) (آیه 2) جوج از سرزمین ماجوج. ماجوج پسر دوم یافت بود (پیدایش 10: 1-2) و قاعدتاً همان سرزمینی است که قبلاً مناطق جنوبی اتحاد شوروی بود. رئیس بزرگ (روش)، ماشک و توبال بخش‌هایی از اتحاد شوروی سابق می‌باشند.

ب) (آیه 5) فارس (ایران امروز). این یگانه ملتی است که هویتش از سوی 100% مفسران مورد توافق است، زیرا نام باستانی‌اش با نام امروزی‌اش یکی است.

ج) (آیه 5) کوش. این یا منطقه جنوبی مصر، یعنی حبشه امروزی است، یا به منطقه‌ای در شرق بابل اشاره دارد. فوط،

لیبی امروزی، یا منطقه‌ای واقع در جنوب یا جنوب‌شرقی کوش، یا سوریه امروزی، یا عراق.

د) (آیه 6) جومر، قاعدتاً آلمان.

ه) (آیه 6) خاندان توجرمه، همان ترکیه و ارمنستان و آسیای مرکزی.

2- بسیاری از کشورهای دیگر به این ملل خواهند پیوست.

د) کدام بخش‌های دیگر کتاب مقدس مورد اشاره کتب تفسیر می‌باشد که این تهاجم به اسرائیل را توصیف می‌کند؟ بسیاری این را جنگ حارمجدون می‌خوانند.

1- (دانیال 11: 25-44) پادشاه جنوب

2- (مکاشفه 16: 12) پادشاه مشرق

3- (دانیال 7: 23-26؛ مکاشفه 13: 1-3؛ 17: 8-14)

اتحادی از ده ملت که قاعدتاً از غرب می‌باشند.

ه) این ارتش شمال چگونه بر علیه اسرائیل خواهد آمد؟ (حزقیال 38)

1- (حزقیال 38: 9) همچون طوفانی خواهد آمد.

2- (حزقیال 38: 12) سرزمینی بی‌دفاع را غارت و

ویران خواهد ساخت.

3- (حزقیال 38: 15) بر اسپان خواهد آمد (اسب بصورت

تحت‌اللفظی، یا شاید هم نمادی باشد از لشکری نیرومند).

و) نتیجه این جنگ چه خواهد بود؟

1- خدا بر ضد جوج و سایر ملتها از جمله ایران خواهد بود.

"ای پسر انسان نظر خود را بر جوج که از زمین ماجوج و

رئیس روش و ماشک و توبال است بدار و بر او نبوت نما"

(حزقیال 38: 2).

"پس تو ای پسر انسان، در باره جوج نبوت کرده، بگو

خداوند یهوه چنین می‌فرماید که اینک ای جوج، رئیس روش و

ماشک و توبال، من به‌ضد تو هستم" (حزقیال 39: 1).

2- غیرت و خشم فرزندان خدا متوجه این ملتها می‌باشد.

"زیرا در غیرت و آتش خشم خود گفته‌ام که هر آینه در آن روز، تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد" (حزقیال 19: 38).

3- بلاهای طبیعی هولناکی نظیر زمین‌لرزه، باران، طوفان تگرگ، و گوگرد سوزان خواهد بود.

"و ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشرات که بر زمین می‌خزند و همه مردمانی که بر روی جهانند به حضور من خواهند لرزید و کوهها سرنگون خواهد شد و صخره‌ها خواهند افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید. و خداوند یهوه می‌گوید من شمشیری بر جمیع کوههای خود به‌ضد او خواهم خواند و شمشیر هر کس بر برادرش خواهد بود. و با وبا و خون بر او عقوبت خواهم رسانید. و باران سیال و تگرگ سخت و آتش و گوگرد بر او و بر افواجش و بر قوم‌های بسیاری که با وی می‌باشند، خواهم بارانید" (حزقیال 20-22: 38).

4- ماهها طول خواهد کشید که مردگان را دفن کنند.
"و خاندان اسرائیل مدت هفت ماه ایشان را دفن خواهند کرد تا زمین را طاهر سازند. و تمامی اهل زمین ایشان را دفن خواهند کرد. و خداوند یهوه می‌گوید: روز تمجید من نیکنامی ایشان خواهد بود" (حزقیال 12-13: 39).

5- ملت‌ها بطور کامل شکست خواهند خورد.
"و تو و همه افواجت و قوم‌هایی که همراه تو هستند، بر کوههای اسرائیل خواهید افتاد و تو را به هر جنس مرغان شکاری و به حیوانات صحرا به جهت خوراک خواهم داد. خداوند یهوه می‌گوید که به روی صحرا خواهی افتاد زیرا که من تکلم نموده‌ام" (حزقیال 4-5: 39).

6- ابزارهای جنگی به‌مدت هفت سال به‌عنوان سوخت مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

"و ساکنان شهرهای اسرائیل بیرون خواهند آمد و اسلحه یعنی مجن و سپر و کمان و تیرها و چوب‌دستی و نیزه‌ها را آتش زده، خواهند سوزانید. و مدت هفت سال آتش را به آنها زنده نگاه خواهند داشت" (حزقیال 9: 39).

ز) این جنگ چه زمانی رخ خواهد داد؟

- 1- (38:8، 14، 16) در آخر زمان.
- 2- (مکاشفه 16:16) بسیاری این داوری بر ملت‌ها را با حارمجدون یکی می‌دانند.

ح) این جنگ در ارتباط را رویدادهای آخر زمان، در کدام قسمت قرار می‌گیرد؟

- 1- برای آنانی که معتقد به الهیات پیش‌هزاره‌ای هستند، پنج امکان مطرح است:

- الف) پیش از ربوده شدن کلیسا.
- ب) در وسط هفت سال مصیبت.
- ج) در پایان هفت سال مصیبت، زمانی که خداوند همراه با مقدسینش می‌آید تا سلطنت کند.
- د) در آغاز سلطنت هزارساله.
- ه) در پایان سلطنت هزارساله.

- 2- با توجه به تمام داده‌ها، نویسنده این کتاب که از نظر الهیاتی معتقد به ربوده شدن کلیسا پیش از مصیبت عظیم می‌باشد که بدنبال آن هفت سال مصیبت عظیم بر زمین خواهد آمد، احساس می‌کند که این جنگ در وسط مصیبت عظیم خواهد بود. دلایل او به این شرح است:

- الف) اسرائیل در سرزمین خود ساکن می‌باشد (38:8).

- ب) یهودیان در صلح خواهند بود، احتمالاً بدور از خطر وحش یا دجال که تضمین‌هایی می‌دهد (دانیال 9:27؛ مکاشفه 13:10-1).

- ج) زمانهایی که روزهای آخر نامیده شده، به دوره مصیبت عظیم اشاره دارد، آن هفت سالی که خدا بار دیگر به قومش اسرائیل می‌پردازد.

- د) اگر کسی دانیال 11:41 را اشاره‌ای می‌داند به اشغال سرزمین فلسطین بدست وحش، آنگاه این تهاجم باعث می‌شود که او عهد خود را با اسرائیل بشکند.

- ه) بخشهایی نظیر مکاشفه 7:4-17 نشان می‌دهد که بسیاری از یهودیان و غیریهودیان در طول دوره مصیبت

عظیم نجات خواهند یافت. حزقیال 38: 23؛ 39: 21-22 اشاره می‌کند که چگونه این واقعه برای نجات روحانی بسیاری دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفت.

و) در مکاشفه 19: 20، گفته شده که خداوند به‌هنگام بازگشتش بطور خاص به مسأله وحش و نبی دروغینش رسیدگی خواهد کرد. قاعدتاً پادشاه شمال (یا پادشاه آشور، آنطور که گاه در اشعیا 30: 31-33؛ 31: 8، 9؛ میکاه 5: 5 نامیده شده) می‌بایست پیش از اینها مورد داور قرار گرفته باشد.

ط) کاربرد شخصی

- 1- طرز برخورد يك مسیحي به‌هنگام مطالعه پیشگوییها و مشاهده نشانه‌های بازگشت عیسی مسیح، چه باید باشد؟ به نمونه دانیال در کتاب دانیال 9: 1-19 نگاه کنید، آنگاه که پیشگویی مربوط به 70 سال اسارت جامه عمل پوشید و کورش پادشاه به یهودیان اجازه داد که به اورشلیم باز گردند. توجه کنید که او با مشاهده تحقق نبوت، چگونه روزه گرفت، دعا کرد، به گناهان اعتراف نمود، و به رحمت عظیم خدا توکل کرد.
- 2- با توجه به اینکه دنیا ممکن است در مناقشه‌ای جهانی درگیر شود، ما اکنون چه مسؤولیتی در خصوص اعلام بشارت انجیل داریم؟
- 3- نبوت‌های مربوط به استقرار امپراطوری پارس تحت حکومت کورش پادشاه جامه عمل پوشید. رویدادهای بسیاری در خصوص زندگی عیسی مسیح، نظیر شهر زادگاه او، تولد او از باکره، و مرگش بر صلیب، همگی صدها سال پیش از وقوعشان در کتاب‌مقدس پیشگویی شده بود. آیا آماده‌اید تا ایمان آورید که کتاب‌مقدس کتابی است که خدا فرستاده است؟

درک رسوم کتاب مقدس به کمک فرهنگی ایرانی

آنانی از شما که در ایران بزرگ شده‌اند، با اکثر رسوم مذکور در این فصل آشنایی دارند. اما آن دسته از شما که در خارج از ایران متولد شده‌اند یا در سنین کودکی ایران را ترک گفته‌اند، ممکن است ندانند که بسیاری از رسوم و جنبه‌های زندگی مندرج در کتاب مقدس، در ایران نیز به وضوح مشاهده می‌شود. در مقام شخصی که از خارج از فرهنگ ایرانی آمده و از سال 1962 تا 1978 در ایران زیسته، این امر به من کمک شایانی کرد تا بخش‌های مختلف کتاب مقدس را درک کنم. بیایید نگاهی به برخی از جنبه‌های این فرهنگ بیفکنیم:

(الف) پشت بام

- 1 - آیا پشت بام محل زندگی‌تان مسطح است و آیا دور آن دیواری هست؟ در تثیبه 22: 8، خدا به ایمنی مردم اهمیت می‌داد و فرمان داد تا دیواری کوتاه بر پشت بام مسطح خانه ساخته شود تا اگر کسی از آنجا افتاد، هیچکس مقصر خون او نباشد. از آنجا که اکثر پشت بام‌های خانه‌های ایران مسطح می‌باشد، دورشان دیواری کشیده شده است.
- 2 - آیا بر پشت بام شما علف می‌روید؟ (مزمور 129: 6؛ اشعیا 37: 27). در ایران، تخم علف بر بام گلی خانه‌ها می‌افتد و علف می‌روید و برای مدت کوتاهی سبز است تا اینکه آفتاب سوزان تابستان آنها را خشکاند. دشمنان خدا ممکن است در آغاز کامیاب شوند، اما بزودی خشک شده، پژمرده می‌گردند.
- 3 - آیا از سقف شما آب می‌چکد؟ (امثال 19: 13؛ 27: 15). چکه‌دائمی آب به زنی ستیزه‌جو تشبیه شده است.

4- وقت خود را بر پشت بام چگونه می‌گذرانید؟ در اعمال 9: 10، پطرس بر پشت بام دعا می‌کرد. اما در دوم سموئیل 11: 2، داود در دل خود مرتکب زنا شد آن زمان که بتشیع را می‌نگریست که بر بام خود استحمام می‌کند.

5- آیا به يك اتاق خواب اضافي نیاز دارید؟ پشت بام جاي مناسبی است که میهمان خود را در تابستان در آنجا جاي دهید (اول سموئیل 9: 25-27). در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر ایران، مردم در تابستان شبها در پشت بام یا بالکن خانه‌ها می‌خوابند تا نسیم خنک کوه‌های البرز از شمال بر ایشان بوزد. بهیاد دارم که طی مدت اقامت‌مان در ایران، شبهای بسیاری در بالکن و گاه نیز در پشت بام خانه‌مان می‌خوابیدیم.

ب) سایر قسمت‌های خانه

1- مسیح به‌هنگام شام آخر، از يك بالاخانه استفاده کرد (لوقا 22: 7-14). در فرهنگ‌هایی که میهمان‌نوازی اهمیت دارد، اغلب برای میهمانان اتاق مخصوصی نگاه می‌دارند، حتی اگر در بقیه خانه جا تنگ باشد. این اتاق اغلب در طبقه بالایی خانه قرار دارد. در فرهنگ گذشته آمریکایی، اتاق خاصی وجود داشت برای غذا خوردن با میهمان. اما امروزه دیگر به‌ندرت چنین است.

2- در لوقا 11: 5-8 عیسی داستانی بازگو کرد در باره مسافری که نیمه‌شب به خانه دوستش آمد و درخواست نان کرد. آیا افراد مذکور در این مَثَل همه در يك اتاق می‌خوابیدند؟ (لوقا 11: 5-7). آماری در دهه 1970 نشان داد که 40 درصد مردم تهران در يك اتاق زندگی می‌کردند.

3- دزد می‌تواند دیوار گِلی را خراب کند و وارد خانه شود (متی 6: 19). دیوارها در دهکده‌های ایران هنوز هم گِلی است.

4- وقتی به ایران رسیدیم، به ما گفتند که وقتی به خانه کسی می‌رویم و افراد دیگر نیز هستند، حتماً در جایی بنشینیم که به در نزدیکتر است. آنگاه ممکن است میزبان از ما بخواهد که بالاتر بنشینیم، یعنی جایی دورتر از در ورودی. جایی که از

در دورتر باشد، جاي بالاتر و مهمتري به حساب مي آيد. البته براي اينكه شخص جاي خود را عوض كند، تعارفات بسياري رد و بدل مي شود. در لوقا 14: 7-11 گفته شده كه چگونه رهبران مذهبي روزگار عيسي وقتي به جايي مي رفتند، فوراً بالاترين جاي اتاق را اشغال مي كردند. عيسي به اين رهبران مذهبي هشدار داد كه اين امر بيانگر غرور ايشان مي باشد و اگر شخص مهمتري بيايد، مجبور خواهند شد كه پايين تر بنشينند و به اين ترتيب، مورد تحقير قرار خواهند گرفت. علت اينكه جاي دورتر از در ورودي از اهميت بيشتري برخوردار مي باشد، اين است كه چنين جايي در معرض باد سردي كه از در ورودي داخل مي شود قرار ندارد، هيچكس نيز به هنگام ورود، از مقابل او رد نمي شود و اسباب مزاحمت او را فراهم نمي آورد.

ج) خوراك و خريد

1- چانه زدن

الف) قيمت اين چند است؟ (امثال 20: 14). در اكثر كشورهاي جهان از جمله ايران، مردم بر سر قيمت ها چانه مي زنند. خريدار معمولاً قيمت رايج جنس را مي داند، اما خريدار و فروشنده آنقدر چانه مي زنند كه به قيمتي منصفانه برسند. در فرهنگ آمريكايي چانه زدن فقط زماني قابل قبول است كه جنسي را از يك خانه مي خريد، يا مي خواهيد خانه اي بخريد.

ب) در بسياري از بخشهاي دنيا نظير ايران، از ثروتمندان انتظار مي رود كه بيش از فقيران براي يك جنس پول بپردازند. براي من به عنوان يك آمريكايي، درك اين مطلب دشوار بود تا اينكه اتفاقي افتاد. يك بار مي خواستم لباسي بخرم و براي اينكه قيمت به دستم بيايد، به مغازه هاي مختلف سر زدم. يكي از مغازه ها قيمت همان لباس را دو برابر گفت. سوار ماشين شدم و از آنجا رفتم با اين فكر كه آن مغازه دار شخص كلاه برداري است زيرا قيمت را دو برابر گفته بود فقط به اين دليل كه ديد من غربي هستم. پس از اينكه چندين كيلومتر دور شدم، متوجه

شدم که کیف دستی‌ام را در همان مغازه جای گذاشته‌ام. در آن، پاسپورت و اجازه کار چندین نفر از دوستانم بود، و همین‌طور چک‌هایی سفید و اطلاعات مربوط به حساب پس‌انداز. با ترس و لرز به همان مغازه‌ای که فکر می‌کردم صاحبش آدم کلاهبرداری است برگشتم. از مغازه‌دار پرسیدم: "آیا کیف دستی مرا ندیده‌اید؟" آن آقا گفت: "چرا. آن را برایتان نگه داشتیم." سپس آن را به من داد. با نهایت خوشحالی دیدم که همه چیز در کیف بود. آنقدر خوشحال بودم که خواستم به او مزدگانی بدهم. اما او گفت: "نخیر آقا. وظیفه من بود که کیف شما را نگه دارم، چون در مغازه من جا مانده بود. من که دزد نیستم." چانه زدن تفریح و روش زندگی مردم در بسیاری از کشورهاست. نمونه آن را حتی در کتاب مقدس هم می‌یابیم.

ج) وقتی ابراهیم تکه زمینی برای دفن ساره می‌خرد، آیا به‌گونه‌ای ظریف چانه نمی‌زد؟ (پیدایش 23: 3-16). در نگاه اول، گفتگوی میان ابراهیم و عفرون حتی بر سر این معامله گفتگویی عادی به‌نظر می‌رسد و عفرون ظاهراً شخصی سخاوتمند به‌نظر می‌آید که می‌خواهد زمینش را به ابراهیم ببخشد. اما واقعاً چنین نبود.

ابراهیم با روشی متداول به آن مرد حتی می‌گفت که محلی برای دفن میت خود نیاز دارد. مرد حتی محترمانه گفت که هر قطعه‌ای را که می‌خواهد بر دارد. ابراهیم از قبل به قطع زمینی نظر داشت و از عفرون خواست تا غار مکفیله را که در انتهای مزرعه‌اش بود به او بفروشد. وقتی ابراهیم بهای قطع زمین را پرسید، عفرون پاسخ داد که نه فقط آن غار را بلکه تمام مزرعه را به او خواهد داد. سپس در حضور شاهدان با ظرافت گفت که قیمت زمین 400 مثقال نقره است ولی این مبلغ اصلاً قابل ابراهیم را ندارد (23: 15). آنگاه ابراهیم مقصود از این اشاره را درک کرد و 400 مثقال نقره را مطابق با سکه‌های استاندارد بازرگانان به او پرداخت.

کشفیات جدید باستان‌شناسی که بهای زمین را در این منطقه روشن ساخته است، نشان می‌دهد که ابراهیم در واقع قیمت بسیار بالایی برای این محل تدفین پرداخت زیرا می‌بایست ساره

را دفن کند و چاره دیگری نداشت. همچنین مطابق با برخی اسناد باستانی، از آنجا که مالک مزرعه و درختان و نیز آن غار شده بود، مسؤول بود که مالیات متعلق به زمین را نیز بپردازد.

د) خوراك و آب

1- نان "مایه زندگی" است (متی 6: 11؛ یوحنا 6: 35). این امر برای طبقه فقیر ایرانیان چقدر صادق است، چرا که ایشان با نانی که با سوبسید دولت به قیمت ارزان فروخته می‌شود، ادامه بقا می‌دهند.

2- نان تازه‌پخت، داغ و خوش‌مزه است. یکی از خوشیهایی دوره اقامت ما در ایران، خوردن نان تازه تقریباً در هر وعده از غذا بود. پختن نان در دهات بر روی ذغال داغ هزاران سال است که رواج دارد.

3- وقتی يك مسیحی خارجی به خانه يك ایرانی می‌رود، از روی احترام او را به صرف خوراك دعوت می‌کنند. اما از آنجا که مسیحیان را "نجس" می‌شمارند، ظرف او را بعداً یا طبق رسم خاصی می‌شویند یا می‌شکنند. عیسی در تعالیم خود فرمود که احکام شریعت عهدعتیق در مورد خوراكهای حلال و حرام را تحقق بخشیده است. پس از آن دیگر خوراك حلال و حرام، و نجس و غیرنجس وجود ندارد. بلکه این خود انسانها هستند که در اثر چیزهای بدی که از قلبشان بر می‌آید نجس می‌باشند، نظیر افکار بد در مورد امور جنسی، دروغ و دزدی.

"و چون از نزد جماعت به خانه در آمد، شاگردانش معنی مثل را از او پرسیدند. بدیشان گفت: 'مگر شما نیز همچنین بی‌فهم هستید و نمی‌دانید که آنچه از بیرون آدم می‌شود، نمی‌تواند او را ناپاك سازد، زیرا که داخل دلش نمی‌شود بلکه به شکم می‌رود و خارج می‌شود به مزبله.' (که این همه خوراك را پاك می‌کند.) و گفت: 'آنچه از آدم بیرون آید، آن است که انسان را ناپاك می‌سازد، زیرا که از درون دل انسان صادر می‌شود خیالات بد و زنا و فسق و قتل و دزدی و طمع و خبائت و مکر و شهوت‌پرستی و چشم بد و کفر و غرور و

جهالت. تمامی این چیزهای بد از درون صادر می‌گردد و آدم را ناپاک می‌گرداند" (مرقس 7: 17-23).

ه) خوردن

دستهای خود را بشویید! کسی را داشته باشید که روی آنها آب بریزد (دوم پادشاهان 3: 11).

در برخی از دهات که در ناحیه کرمانشاه مورد بازدید قرار دادم، آب بسیار پرارزش بود. جویهایی برای آبیاری وجود داشت و آب رودخانه بوسیله پمپ در آنها جریان می‌یافت. هر کشاورز حق داشت یک ساعت از آن آب برای کمک به آبیاری محصولش استفاده کند. یک نفر هم مسؤول بود که بعد از یک ساعت، آب را متوقف سازد و آن را به جوی مزرعه دیگری هدایت کند. به من گفتند که بر سر آب، بیش از هر مورد قانونی دیگری در دادگاهها دعوا و ادعا وجود دارد، زیرا آب بسیار پرارزش است. این امر کمک می‌کند تا معنی امثال 21: 1 را درک کنیم که می‌فرماید: "دل پادشاه مثل نهرهای آب در دست خداوند است؛ آن را به هر سو که بخواهد بر می‌گرداند." در اینجا منظور از نهر، همان جویها یا کانالهای آبیاری است. کنترل حکومت‌ها در دست خداست. اوست که پادشاهان، رؤسای ممالک، دیکتاتورها و رهبران مذهبی را کنترل می‌کند طوری که نتیجه نهایی باعث اکرام و جلال او می‌گردد، درست همانگونه که آب را می‌توان در جویهای آبیاری هدایت کرد.

و) میهمان‌نوازی

1- مردم را با اصرار به خانه خود دعوت کنید! (لوقا 14: 23؛ اعمال 16: 15). داشتن میهمان برای ایرانیان بسیار مهم است و وقتی میهمان به خانه‌شان می‌رود، برایشان افتخار است! ایشان ضرب‌المثلی دارند که می‌گویند: "میهمان حبیب خدا است."

2- هر جایی بر سر سفره بیانگر اهمیت شخص است (متی 22: 8-14؛ لوقا 14: 7-11؛ متی 23: 6). معمولاً بالای

سفره یا میز جای مهم‌ترین میهمان است و جایی که به در ورودی نزدیکتر است، پایین‌ترین جا. وقتی به خانه یک ایرانی میهمان می‌روید، باید در پایین‌ترین جا در نزدیکی در بنشینید تا آنکه میزبان شما را به نشستن در جایی دیگر فرا خواند.

3- ضرب‌المثلی ایرانی می‌گوید: "میهمان حبیب خداست" (پیدایش 18: 1؛ رومیان 12: 13). میهمان‌نوازی در کتاب مقدس به معنی محبت و پذیرایی از غریبان است (اول تیموتاؤس 3: 2؛ تیطس 1: 8). بر مسیحیان، خاصه رهبران کلیسا واجب بود که میهمان‌نواز باشند. شما اگر رهبر کلیسا هستید، آیا مایلید که میهمان داشته باشید، خصوصاً اگر میهمان خادم مسیح باشند؟

4- من و همسرم، پس از گذشت پنج سال از اقامتمان در ایران، به "ونتور"، شهر زادگاه او در ایالت نیوجرسی رفتیم. حدود ظهر بود که به دیدن شبان او رفتیم. ما برای او احترام بسیاری قائل بودیم. او بود که پیام نجات را به همسرم وقتی که یازده سال داشت، اعلام کرده بود و همسرم، دایان، مسیح را به‌عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفته بود. آن شبان سالها وفادارانه برای ما دعا کرده بود، برای ما نامه نوشته بود، و برای دوستان ایرانی‌مان دعا کرده بود. او در طول 94 سال زندگی‌اش تا زمان مرگش در اکتبر 2001، نمونه‌ای عالی از زندگی خداپسندانه و مقدس بر جای گذاشته بود. با وجود تمام این پیشینه‌ها، او هنوز آمریکایی بود و خیلی از کارها را به‌روش آمریکایی انجام می‌داد. وقتی حدود ظهر به خانه‌اش رسیدیم، این برادر عزیز به ما گفت: "آلین و دایان، از دیدن شما خوشحالم. به شهر خودتان خوش آمدید. مرا ببخشید چونکه الان مشغول صرف ناهار هستیم. آیا می‌توانید یک ساعت دیگر بر گردید؟" این فرهنگ آمریکایی است. ما هم یک ساعت بعد برگشتیم و مشارکت شیرینی با هم داشتیم. اما در ایران، اگر دوستی یا غریبه‌ای موقع ناهار به خانه‌تان بیاید، بلافاصله حتماً او را به داخل دعوت می‌کنید. اگر هم خوراک به اندازه کافی نداشته باشید، فوراً می‌روید و خوراک بیشتری تدارک می‌بینید.

5- فرض کنید که در آلمان یا آمریکا در يك بزرگراه رانندگی می‌کنید و ناگهان چرختان پنچر می‌شود و لاستیک زاپاس هم ندارید. چه می‌کنید؟ يك بار در ایران با خانواده از تهران سفر می‌کردیم و بر سر راهمان به اصفهان، از قم می‌گذشتیم. در بخشی از جاده که بسیار خلوت بود، ناگهان لاستیکم پنچر شد و وقتی به سراغ زاپاس رفتم، دیدم آن هم پنچر است. تا نزدیکترین شهر برای پنچرگیری 80 کیلومتر فاصله داشتیم. هوا بسیار گرم بود و همسرم و سه فرزندمان در ماشین بودند. چه کاری از دستم بر می‌آمد؟ از آنجا که رسم میهمان‌نوازی ایرانیان را می‌دانستم، به اولین ماشینی که رد می‌شد علامت دادم و از راننده پرسیدم که آیا می‌توانم زاپاس را قرض بگیرم. پاسخ او مثبت بود و منتظر شد تا لاستیک را عوض کنم. هر دو تا شهر بعدی رفتیم و در آنجا هر دو لاستیک را پنچرگیری کردم و لاستیک او را پس دادم. جالب این است که درست چند هفته پیش از آن، عکس این موضوع برای خودم اتفاق افتاده بود. بر سر راهم به سمنان برای ملاقات ایمانداران، شخصی دست تکان داد و زاپاس مرا قرض خواست. چه خوب بود که در کشوری بودم که مردمش به یکدیگر کمک می‌کردند، حتی به خارجیها.

کریسمس از چشم‌انداز فرهنگ ایرانی

از آنجا که شما ترجمه فارسی این کتاب را می‌خوانید، طبعاً با آداب و رسوم و شیوه زندگی در خاورمیانه آشنا هستید و از فرهنگ و تاریخ غنی ایران شناخت دارید. شما بهتر از غربیها می‌توانید ماجرای ولادت عیسی مسیح و مراسم کریسمس را درک کنید. در اصل، خدا کلام خود را به انبیای عهدعتیق به زبان عبری، و به رسولان خود در عهدجدید به یونانی عطا کرد. اما به‌هنگام ترجمه کلمات به زبانهای دیگر، نظیر انگلیسی، آلمانی یا ژاپنی، گاه دشوار است که معنا و مفهوم دقیق یک رسم را به آن زبان بیان کرد. وقتی به ماجرای کریسمس نگاه می‌کنیم، شاید در میان مطالب زیر نکاتی باشد که مایل باشید با دوستی انگلیسی‌زبان در میان بگذارید. می‌توانید به سایت زیر مراجعه کنید و متن انگلیسی این فصل را کپی کنید و آن را در روزهای کریسمس به یکی از دوستان انگلیسی‌زبانان بدهید. آن متن انگلیسی، شکل اصلی نوشته من بوده است. گرچه متن را پیش از ترجمه به فارسی اندکی تغییر داده‌ام، اما مطالب اساساً همان است.

www.farsinet.com/persiansinbible/

الف) مریم و ارتباطش با یوسف

- 1- در ترجمه‌های انگلیسی متی 1: 18 و لوقا 1: 27 دقیقاً مشخص نیست که ارتباط مریم و یوسف چگونه بوده است زیرا در انگلیسی کلمه دقیقی برای توصیف این ارتباط وجود ندارد.
- 2- در غرب معمولاً سه مرحله در روابط پسر و دختر وجود دارد، اول دوستی، دوم نامزدی، و سوم ازدواج. در نامزدی هر دو طرف دخیل هستند، اما فقط یکی از طرفین هم می‌تواند آن را بر هم بزند. این امر ممکن است احساسات آن

طرفي را که "تنها مانده"، جریحه‌دار سازد. در بعضي موارد، هر دو طرف توافق می‌کنند که نامزدي را به هم بزنند. ازدواج زمانی صورت می‌گیرد که طرفین قانوناً زن و شوهر می‌شوند و شروع به زندگی مشترک می‌کنند. ازدواج را تنها از طریق اقدامی قانونی، یعنی طلاق می‌توان نقض کرد.

3- در فرهنگ ایرانی، سه مرحله ازدواج عبارتند از نامزدي، عقد، و عروسي.

الف) نامزدي می‌تواند توسط والدین برای فرزندان‌شان در سنین اولیه یا بعدها در سنین نوجوانی یا در اوان بیست سالگی ترتیب داده شود. امروزه در ایران کمتر کسانی هستند که مستقلاً نامزد کنند یا کمتر اتفاق می‌افتد که دختر "حق وتو" داشته باشد. نامزدي را می‌توان بر هم زد اما این امر به‌ندرت اتفاق می‌افتد، زیرا این برای "آبروي" خانواده، خصوصاً دختر خوب نیست.

ب) عقد مراسمی است رسمی با حضور يك روحانی مسلمان. معمولاً يك محضر دار برای ثبت عقد حضور می‌یابد یا زوج به دفتر ثبت می‌روند. عقد از آنجا که از نظر مذهبی و دولتی قراردادی است قانونی، شرایط مختلف نظیر مهریه و غیره ذکر می‌شود. وقتی عقد صورت گرفت، فقط از طریق طلاق قابل فسخ است. دختر و پسر نمی‌توانند در یکجا زندگی کنند مگر بعد از قدم بعدی، یعنی عروسي، که می‌تواند بلافاصله بعد از عقد صورت گیرد یا چند سال پس از آن. اغلب دختر و پسر نمی‌توانند با هم زندگی کنند تا اینکه پسر به اندازه کافی پول بدست آورد تا خانه‌ای داشته باشد، یا خدمت سربازی‌اش را تمام کند، یا تحصیلاتش را به‌پایان برساند. احتمالاً ارتباط یوسف با مریم اینچنین بود زیرا وقتی ماجرای بارداری مریم را شنید، می‌خواست او را بطور خصوصی طلاق دهد.

ج) عروسي مراسمی غیر مذهبی است همراه با يك یا چندین ضیافت. آداب و رسوم در نقاط مختلف ایران متفاوت است، اما بعد از این مراسم است که دختر و پسر برای نخستین بار با هم

زندگی می‌کنند. معمولاً مهم است که عروس در شب عروسی ثابت کند که باکره است. مطابق عرف، زن برای حفظ ازدواج، باید به‌هنگام عروسی باکره باشد. این اصل در کتاب مقدس نیز ذکر شده است (تثنیه 22: 13-22). در این آیات آمده که وقتی مردی ازدواج می‌کند و بعد به زنش اتهام وارد می‌کند که به‌هنگام عروسی باکره نبوده است، والدین دختر باید به مشایخ شهر مدرک بکارت دختر را نشان دهند. اگر مشایخ مدرک را بپذیرند، مرد را محکوم به پرداخت یکصد مثقال نقره جریمه می‌کنند چون به همسرش تهمت زده است. اما اگر اتهام مرد بر زنش درست بوده باشد، مطابق شریعت مذکور در تثنیه 22: 21، زن باید سنگسار شود تا بمیرد. وقتی که فرشته به مریم ظاهر شد، کتاب مقدس می‌فرماید که یوسف "زن خویش را گرفت و تا پسر نخستین خود را نزایید، او را نشناخت." یوسف هرگز با مریم ارتباط جنسی نداشت تا زمانی که عیسی ولادت یافت.

(ب) مریم، دختری باکره

در اشعیا 7: 14 پیشگویی شده که مسیحایی موعود از یک باکره متولد خواهد شد. در انجیل‌ها آمده که جبرائیل فرشته به دیدار مریم باکره رفت. متی 1: 23 و لوقا 1: 34 تأیید می‌کنند که مریم باکره بود.

"بنابراین، خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند" (اشعیا 7: 14).

"اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما" (متی 1: 23).

"مریم به فرشته گفت: این چگونه می‌شود و حال آنکه مردی را نشناخته‌ام؟" (لوقا 1: 34).

1- در فارسی سه کلمه هست دال بر اینکه دختری هرگز رابطه جنسی با مردی نداشته است.

الف) "باکره" کلمه‌ای است عربی. در ترجمه قدیمی فارسی، این کلمه برای اشاره به باکره بودن مریم به‌کار رفته است.

ب) "دختر" به‌معنی این است که آن شخص هنوز ازدواج نکرده است، مگر اینکه لغتی منفی به آن اضافه شود. در ترجمه "مژده برای عصر جدید" از این کلمه برای اشاره به مریم استفاده شده است (لوقا 1: 27). در فرهنگ فارسی به انگلیسی *a girl* (مهر 1341)، در مقابل "دختر"، کلمات انگلیسی *a girl* و *a virgin* به‌کار رفته است.

ج) "دوشیزه" نیز به معنی دختری است که ازدواج نکرده است. معادل انگلیسی آن *Miss* می‌باشد. در فرهنگ فوق‌الذکر، در مقابل "دوشیزه"، کلمات انگلیسی *a virgin* و *a maiden* آمده است.

2- وقتی به فرهنگ‌های فارسی به فارسی یا فارسی به انگلیسی نگاه می‌کنید، می‌بینید که این سه کلمه هم‌معنی می‌باشند. علت این است که در خاورمیانه، فرض بر این است دختری که ازدواج نکرده، باکره است؛ بنابراین، دختر و دوشیزه و باکره همه به يك مفهوم اشاره دارند. فرهنگ یونان در روزگار عهدجدید کاملاً با این آداب و رسوم تفاوت داشت. در آن فرهنگ فساد جنسی بسیاری رایج بود. به همین جهت، یونانیها کلمه خاصی برای باکره، کلمه‌ای دیگر برای دختر، و کلمه‌ای متفاوت برای زن مجرد داشتند. متأسفانه امروزه در ایران، تحت تأثیر اخلاقیات غربی و نیز گناهکار بودن ذات انسانی، بعضی از این معیارها برهم خورده است.

3- بنابراین، هر مترجمی که می‌خواهد کتاب مقدس را به انگلیسی ترجمه کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه در اشعیا 7: 14 و متی 1: 23 و لوقا 1: 27 کلمه *virgin* را به‌کار ببرد تا معنای درست را به خواننده انگلیسی‌زبان منتقل سازد. استفاده از کلمه "زن جوان" در برخی از ترجمه‌ها در بهترین حالت از سوی مترجمی استفاده می‌شود که با فرهنگ کتاب مقدس و خاورمیانه آشنا نیست، و در بدترین حالت، از سوی مترجمی به‌کار می‌رود که پیشداوریهای الهیات لیبرال خود را وارد

ترجمه می‌سازد. برای آگاهی از سایر جنبه‌های ولادت از باکره، می‌توانید به آثار معتبری نظیر *The Virgin Birth of Christ* اثر J. Gresham Machen مراجعه کنید.

ج) سفر به بیت‌لحم (لوقا 2: 1-6)

1- چرا مریم همراه یوسف به بیت‌لحم برای سرشماری از سوی روم رفت در حالیکه اینقدر به زمان وضع حملش نزدیک بود؟ شاید به این دلیل که لازم بود زنها نیز شخصاً در سرشماری حضور داشته باشند، یا شاید می‌خواست از شهر خودش و حرفه‌های مردم دور باشد، یا شاید هم می‌خواست همراه شوهرش، یوسف باشد.

2- آیا مریم برای سفر به بیت‌لحم سوار الاغ شد؟ تقریباً تمام تصاویر مربوط به این رویداد، مریم را سوار بر الاغ نشان می‌دهد و یوسف را که الاغ را هدایت می‌کند. در کتاب مقدس در این خصوص چیزی نوشته نشده است. حتی اگر هم الاغی داشتند، آیا مریم سوار آن می‌شد یا از آن برای حمل وسایل خانه و ابزار نجاری یوسف استفاده می‌کردند؟ سفر آنان حداقل سه روز طول می‌کشید. ایشان شاید چندین الاغ داشتند یا اینکه هر دو پیاده می‌رفتند و الاغ بارهای سنگین را حمل می‌کرد.

د) صحنه آخر (لوقا 2: 7)

1- آیا اقامت در اصطبل مجانی بود؟ سالها پیش يك نمایش کریسمس را تماشا می‌کردم که توسط ایرانیها اجرا می‌شد. در این صحنه، یوسف و سرایدار میهمانسرا بر سر قیمت اقامت در اصطبل با هم چانه می‌زدند چون بخاطر خلوت بودنش، جای بهتری بود.

2- آیا اصطبل واقعاً جای بهتری از میهمانسرا بود؟ احتمالاً در میهمانسرا اتاق خصوصی وجود نداشت مگر برای ثروتمندان. یوسف و مریم افرادی عادی و فقیر بودند. بسیاری از مسافران در يك اتاق می‌خوابیدند و اکثرشان مرد بودند. آیا يك زن حاضر می‌شود در اتاقی پر از مرد اقامت کند و ایشان

تولد نوزادش را تماشا کنند؟ اگر نوزاد مریم در يك اتاق شلوغ در میهمانسرا دنیا می‌آید، چوپانان چگونه می‌توانستند نیمه‌شبان به دیدار او بیایند؟ قطعاً نمی‌توانستند چنین کنند؟ درضمن، اگر در میهمانسرا در کنار مردانی می‌بودند که از راه دور آمده بودند، احتمالاً با فاحشه‌ها و ناسزاگوییها و اعمال خلاف عفت مواجه می‌شدند.

3- آیا اصطبل تمیز بود؟ آیا تابحال در اصطبلی بوده‌اید؟ مطمئنم که مریم و یوسف تمام تلاش خود را کردند تا محیطی سالم فراهم سازند.

4- قنداقه چیست؟ اگر در ایران دنیا آمده‌اید، آیا شما را در قنداق پیچیدند؟ بعضی از بچه‌ها را که امروز در ایران دنیا می‌آیند، محکم قنداق می‌کنند. گاه نیز فقط پاها را در قنداق می‌گذارند. در دهات، دستها را نیز می‌بندند. دو تا از دختران ما که سالهای 1965 و 1970 در ایران دنیا آمدند، وقتی در زایشگاه بودند، پاها و دستهایشان را بسته بودند.

ه) چوپانان (لوقا 2: 8-20)

چوپانان در ایران کمترین دستمزد را دریافت می‌دارند. ایشان اغلب گوسفندان و بزهای متعلق به دیگران را چوپانی می‌کنند و اکثراً فقیرند. اما خدا چنین صلاح دید که خبر خوش تولد نجات‌دهنده را به چوپانان بدهد. شاید ایشان از دیدن اینکه عیسی نوزاد در يك اصطبل دنیا آمده، احساس راحتی کردند. عیسی برای تمامی طبقات انسانها ولادت یافته بود.

و) نامگذاری عیسی در روز هشتم (لوقا 2: 21؛

رجوع شود. 1: 59-65)

در ایران گاه کودک را چندین روز بعد، مثلاً در روز هشتم، نامگذاری می‌کنند. یحیای تعمیددهنده نیز در روز هشتم نامگذاری شد. يك بار از يك دوست ایرانی پرسیدم که چرا چنین می‌کنند. پاسخ داد که بسیاری از کودکان در نوزادی می‌میرند، پس چرا باید يك نام خوب را هدر داد! بگذار چند روز بگذرد و مطمئن شویم که بچه زنده می‌ماند و بعد اسمی

روي او مي‌گذاريم. درضمن، نام عيسي معنایي داشت: نجات‌دهنده. در ايران تقريباً همه نامها معنایي دارند.

(ز) مجوسيان (متي 2: 1-12)

1- مجوسيان يا ستاره‌شناسان که بودند؟ مجوس کلمه‌اي است يوناني و از واژه‌اي فارسي آمده که به طبقه‌اي از مردان دانا اشاره داشت که در ستاره‌شناسي، طب، و علوم طبيعي تخصص داشتند. در روزگار عيسي، دين زرتشت مذهب ملي ايرانيان بود و تأکيد زيادي بر مطالعه آسمان مي‌شد.

2- مجوسيان از کجا آمدند؟ کتاب مقدس مي‌گويد که ايشان از مشرق آمدند. کشورهاي امروزي اردن، عراق، سوريه، و ايران در شرق اورشليم واقع مي‌باشند. در ايران سه شهر ادعا دارند که مجوسيان از آنجا بوده‌اند، يعني ساوه، همدان، و اورميه.

3- آنان چگونه دانستند که آن ستاره يك نشانه است؟ دلايل مختلفی مي‌تواند وجود داشته باشد. ممکن است ايشان کنجکاو بودند که بدانند معنای آن ستاره چیست، اما چه کسي مي‌توانست فقط از روي کنجکاو به چنين سفري طولاني دست بزند؟ شايد خدا در حاکميت خود اين امر را بر آنان مکشوف ساخت تا غيريهوديان نيز ولادت نجات‌دهنده را تصديق کنند. شايد ايشان بر اساس شهادت يهوديان پراکنده که پس از بازگشت بقيه از اسارت بابل، در ايران باقي مانده بودند، مطالبتي در باره ستاره شنیده بودند. اين يهوديان شايد در مورد اميدشان به مسيحا با آنان سخت گفته بودند، بخصوص از نبوت‌هاي دانيال، نظير دانيال 9 که تاريخ تقريبي ظهور و مرگ مسيحي موعود را ارائه مي‌دهد يا نبوتي نظير داوران 24: 17 که مي‌فرمايد: "ستاره‌اي از يعقوب طلوع خواهد کرد و عصايي از اسرائيل خواهد بر خاست."

4- چرا هيروديس از آمدن مجوسيان پريشان‌حال شد؟ بديهي است که او وقتي شنيد که ايشان بدنبال پادشاه يهود مي‌گردند، ترسان گرديد. آيا فکر کرديد که او ممکن است در

باره اتحادي سياسي با حكومت‌هاي ارمنستان و امپراطوري پارس كه هم‌مرز با امپراطوري روم بودند، مي‌اندیشيد؟

5- آیا به عمل "فروتنامه" مجوسيان فكر کرده بوديد؟ فقط تجسم كنيد كه اين مردان برجسته، پس از آنكه هدايايشان را تقديم كردند، نوزادي را از مليتي متفاوت در خانه‌اي محقر پرستش كردند! آیا شما وقت و پول و عطاياي روحاني خود را براي خدمت و پرستش خداوندمان عيسي مسيح وقف کرده‌ايد؟ متي 2: 11 مي‌فرمايد كه مجوسيان به خانه‌اي در آمدند كه يوسف قاعدتاً پس از ولادت عيسي در اصطبل كرايه کرده بود. يوسف براي تأمين معاش، احتمالاً به كار نجاري خود مشغول شد. بعضي بر اين عقیده‌اند كه در اين زمان، عيسي مي‌بايست حدود دو ساله بوده باشد، زيرا هيروديس پادشاه دستور داد كه تمام اطفال كمتر از دو ساله را به‌قتل برسانند. خانه ايشان چقدر بزرگ بود؟ در سرشماري سال 1975، 40% مردم تهران هنوز در يك اتاق زندگي مي‌كردند، 30% در دو اتاق، و 30 درصد در سه اتاق يا بيشتري.

ح) کاربرد شخصي

- 1- به زيبايي كريسمس و منحصر بفردي بودن آن بينديشيد: سرشماري رومي، اصطبل، چوپانان، ولادت از باكره، فقر، مجوسيان. چنين چيزي قطعاً از سوي خدا رخ داده، زيرا انسان هرگز نمي‌تواند چنين داستاني ابداع كند!
- 2- آیا شما در باره كريسمس فقط از اطلاعات برخورداريد؟ آیا عيسي مسيح را به‌عنوان نجات‌دهنده خود پذيرفته‌ايد؟ كلمه "عيسي" يعني نجات‌دهنده. اين نام را خدا به او داد چرا كه مي‌خواست قوم خود را از گناهانشان نجات بخشد.

حضور گروه‌های مسیحی در ایران از سال 30 میلادی تا به امروز

در فصل 10 تحت عنوان "اثرات گسترده پنطیکاست: میسیونرهای ایرانی در آسیا"، به نخستین کلیسای اشاره کردیم که توسط یهودیان ایران که عیسی مسیح را به‌عنوان مسیحی موعود پذیرفته بودند و بعد از عید پنطیکاست به ایران بازگشته بودند، تشکیل شد. در روز پنطیکاست، پطرس رسول موعظه کرد و از عهدعتیق نمونه‌های بسیاری آورد که ظهور مسیحا را وعده می‌داد. او در خاتمه بیاناتش فرمود: "پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است." چون شیندند دل‌ریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: "ای برادران، چه کنیم؟" گرچه کلیسای ایران از فراز و نشیب‌های فراوان گذشته است، باینحال هنوز 35.000 آسوری (یا آشوری) در ایران زندگی می‌کنند که اصل خود را به مسیحیت اولیه ایران می‌رسانند. امروزه، بزرگترین گروه مسیحیان ایران را ارمنیها تشکیل می‌دهند که شمارشان حدود 190.000 نفر است. ارمنیها يك گروه قومی ایران هستند. (دوستان غربی ما نباید آنها را با Armenian ها که پیروان هاکوپوس آرمینیوس (1560-1609) می‌باشند اشتباه کنند؛ آرمینیوس يك عالم الهی بود که در اروپا با بعضی از تعالیم کالون مخالفت کرد.)

الف) ارمنیان

نام خانوادگی ارمنیان معمولاً با "یان" ختم می‌شود. اصل و نسب ایشان به سرزمین ارمنستان باز می‌گردد که منطقه‌ای است میان دریای سیاه و دریای خزر. قبلاً ارمنستان یکی از جمهوریهای اتحاد شوروی بود، اما امروزه کشوری است

مستقل. ارمنستان نخستین حکومتی بود که مسیحیت را رسماً به‌عنوان دین دولتی پذیرفت.

از همان قرن اول میلادی، در ارمنستان شهادت مسیحی نیرومندی وجود داشت. کسی که او را گریگوری نوربخش می‌خواندند و از خانواده سلطنتی بود، پس از آنکه به مسیحیت گروید، پادشاه تیرداد را فرا خواند تا این دین را بپذیرد (حدود 300 میلادی). از آن زمان به بعد، پادشاه و نجبا مسیحیت را حمایت کردند. بتخانه‌ها به کلیسا تبدیل شد و مردم "بصورت گروهي" به دین جدید گرویدند. بعضی این را "حرکت مردم" می‌خوانند. هارولد کوک در کتاب خود به‌نام "الگوهای تاریخی رشد کلیسا" (Historical Patterns of Church Growth)، از انتشارات Moody Press این حرکت را یکی از پنج "حرکت مردم" از میان مهم‌ترین حرکت‌ها در سراسر تاریخ کلیسا دانسته که طی آن، تمام گروه‌های مردم مسیحی شدند. در حدود سال 400 میلادی، کتاب مقدس به زبان ارمنی ترجمه شد.

اکنون بیش از 1700 سال پس از آن رویداد، ارمنیها هنوز معترف به مسیحیت می‌باشند. اما بخش عمده مسیحیت آنان متمرکز است بر ملی‌گرایی ارمنی آمیخته با پذیرش صوری اعتقادات مسیحی. چنین گرایش سریع و جمعی توده مردم در طول مدتی کوتاه، می‌بایست امری سطحی بوده باشد، اما معتقدات و آداب و رسوم مسیحی آهسته در میان مردم ارمنی قوام یافت.

ارمنستان که میان امپراطوریهای ایران و روم قرار داشت، در هر مقطع زمانی در دست یکی از این دو قدرت قرار می‌گرفت. تلاش ارمنیها معطوف بود بر حفظ هویت ملی خود، نتیجتاً فعالیت تبشیری چندانی نداشتند. سرزمین آنان بعدها به تصرف ترکان و مغولان در آمد و مورد حمله نیروهای مختلف اسلامی قرار گرفت.

در سال 1604، شاه عباس، پادشاه ایران، که بر ارمنستان نیز فرمان می‌راند، توده‌های ارمنیان را واداشت تا سرزمین خود را ترک گفته، به داخل ایران کوچ کنند. حدود 120.000 نفر ایشان در اطراف دریای خزر و در حوالی تبریز اسکان

یافتند. حدود 75.000 نفر نیز در جنوب زاینده رود در نزدیکی اصفهان اسکان داده شدند. آنان محلی بنا کردند بهنام جلفای نو که هنوز نیز منطقه ارمنی‌نشین اصفهان می‌باشد. در میان ارمنیان، صنعت‌گران و بازرگانان زبده‌ای بودند، و به همین سبب شاه عباس مایل بود که ایشان در قلمرو فرمانروایی‌اش باشند.

مطابق کتاب "مسیحیان در ایران" (Christians In Persia)، در سال 1629 شاه عباس اعلام داشت که هر فرد مسیحی که مسلمان شود، حق دارد مایملک خویشان خود را تا چهار نسل قبل متصرف شود. بسیاری از مسیحیان ترک دین کردند (به گفته‌ای 50.000 نفر)، اما تعداد اندکی از ایشان ارمنی بودند. اما آزارها یکی پس از دیگری بر کلیسای ارمنی وارد می‌آمد.

آخرین آزار عظیم ارمنیان در طول جنگ جهانی اول در شمال غربی ایران رخ داد، در منطقه‌ای که ارمنیها و آسوریها میان نیروهای روس و ترک گیر افتاده بودند. ترکها و کردهای مسلمان صدها هزار از مسیحیان را قتل عام کردند. بسیاری از ایشان از آنجا به مرکز و جنوب ایران پناه آوردند.

امروزه حدود 3.378.000 ارمنی در ارمنستان زندگی می‌کنند. این کشور قبلاً جزو اتحاد شوروی بود. ارمنیان سالخورده که در ایران و سایر نقاط جهان زندگی می‌کنند، آرزو دارند که در سرزمین نیاکان خود چهره در نقاب خاک فرو کنند.

پاتریارخ کلیسای ارتودکس ارمنی (یا کلیسای گریگوری) در ارمنستان زندگی می‌کند.

ب) تاریخ فعالیت‌های میسیونری و تبشیری در ایران پیش از سده 20

1- کاتولیکها؛

کلیسای کاتولیک نخستین کلیسایی بود که میسیونرهایی برای خدمت به جوامع مسیحیان ارمنی و آسوری به ایران گسیل

داشت، چرا که با آنان از نظر عقیدتی و تشکیلاتی تشابهاتی داشت. این کلیساهای شرقی همواره با کلیسای روم در تماس بودند و در حدود 1300 میلادی اقلیتی از میان ایشان به روم اعلام وفاداری کردند.

در طول سالهای 1600 فعالیت‌های میسیونری بار دیگر احیا گشت. امروزه از میان 160.000 ارمنی ایران اکثراً هنوز وابسته به کلیسای ارمنی هستند که کلیسای گریگوری نامیده می‌شود، اما حدود 2000 نفر عضو کلیسای کاتولیک ارمنی می‌باشند.

کاتولیکها در فعالیت خود در میان آسوریها توفیق بیشتری یافتند. کلیسای شرق آشور حدود 13.500 خانواده عضو دارد، و کلیسای کاتولیک آشوری حدود 14.000 نفر عضو.

2- کلیسای انگلیکن؛

هنری مارتین، کشیش جوان و خداترس انگلیکن، در اوائل سالهای 1800 از انگلستان به هندوستان سفر کرد. در طول اقامت خود در آنجا، به کار ترجمه کتاب مقدس به برخی از زبانها، از جمله فارسی همت گماشت. بعدها به شیراز آمد تا کار ترجمه عهدجدید به فارسی را تکمیل کند؛ او نسخه‌ای از ترجمه خود را در سال 1811 به فتحعلی‌شاه تقدیم کرد. مارتین در راه خود به انگلستان، در ترکیه در گذشت، در حالیکه در اوائل سی سالگی بود. او شعار خود را تحقق بخشید که می‌گفت "بگذارید برای خدا بسوزم."

کلیسای انگلیکن در بخشهای جنوبی ایران، خاصه در شهرهایی نظیر اصفهان، شیراز، کرمان، و اهواز خدمت کرد. میسیونرهای این کلیسا به مسلمانان و یهودیان بشارت می‌دادند. کلیسای انگلیکن در ایران وابسته است به شورای کلیساهای خاورمیانه و به‌واسطه وابستگی‌اش به انگلیکن‌ها، عضو شورای جهانی کلیساها می‌باشد.

3- کلیسای پرز بیتری؛

نخستین میسیونرهای هیأت مرسلین آمریکایی (کلیساهای پرزبیتری و مشایخی) در سال 1832 به ایران آمدند. در آغاز در میان آسوریان در اورمیه کار می‌کردند به این امید که در میان این مسیحیان، یک بیداری پدید آورند. اما وقتی بعضی از این مسیحیان صوری بیدار شدند و تولد تازه یافتند، مجبور شدند کلیسای باستانی خود را ترک گویند. نتیجتاً "کلیسای انجیلی" در سال 1855 پا به عرصه وجود گذارد. پرزبیتریها فعالیت خود را محدود کردند به بخشهای شمالی ایران، در شهرهایی نظیر تبریز، اورمیه، تهران، همدان، کرمانشاه، رشت و مشهد.

در سال 1978، هجده کلیسا و 12 خادم دست‌گذاری شده و 2.897 عضو در شورای کلیساهای پرزبیتری ایران وجود داشت که از آنها 55% آسوری، 21% ارمنی، و 24% یهودی و مسلمان مسیحی شده بودند. در آغاز، پرزبیتریها بر حسب مناطق جغرافیایی تشکل یافتند، اما اخیراً بر حسب گروههای زبانی تجدید سازمان شده‌اند. همچنین پرزبیتریها مدارس مختلفی احداث کردند که بعدها دولتی شد. این کلیسا عضو شورای جهانی کلیساهای، و اتحادیه جهانی کلیساهای اصلاح شده، و شورای کلیساهای خاورمیانه می‌باشد.

4- سایر فعالیت‌های بشارتی در ایران؛

برای آنکه فقط اشاره‌ای گذرا به سایر فعالیت‌های تبشیری در ایران کرده باشم، مایلم از دکتر سعید خان کردستانی یاد کنم. او در سال 1863 چشم به جهان گشود و طبیبی بود از زمینه کردی که مسیح را در ایران پذیرفت و سپس برای تحصیلات بیشتر خصوصاً در رشته بهداشت چشم عازم اروپا شد، و بعد به وطن باز گشت. او تا زمان درگذشت خود در سال 1942، مسیح را وفادارانه خدمت کرد. شهادت او به تمام ایرانیان و نیز زندگی خدایسندانه او را همه می‌دانند. داستان زندگی او در کتابی به نام "طبيب محبوب" به فارسی و انگلیسی نوشته شده است. برای تهیه آن می‌توانید: با www.persianwo.org تماس بگیرید.

گروه‌های مختلف گریزما تیک از سوئد و ایالات متحده در ایران خدمت کرده‌اند. کلیساهای جماعت ربانی در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران با اسقفان و شبانانان وجود دارد. در سالهای اخیر، چندین تن از رهبران آنان در راه خداوند ما عیسی مسیح به شهادت رسیده‌اند.

هیأت کلیساهای تعمیدی جنوبی Southern Baptists در ایران پیش از انقلاب اسلامی عمدتاً در میان خارجیان انگلیسی‌زبان خدمت می‌کرد. از اوائل سالهای 1800 فعالیت بشارتی چشمگیری در میان یهودیان ایران صورت گرفت. برای کسب اطلاعات بیشتر، می‌توانید به کتاب "تاریخ مسیحیان در ایران" نوشته خانم پاکیزگی مراجعه کنید.

ج) تاریخ ترجمه‌های کتاب مقدس به فارسی

در خصوص اطلاعات زیر، من عمیقاً مدیون دکتر کینت تامس و مقاله‌اش تحت عنوان "تاریخ ترجمه کتاب مقدس به فارسی"

(History of the Persian Translation of the Bible) منتشره در Encyclopedia Iranica می‌باشم. این مقاله فهرستی از ترجمه‌های تهیه شده در ایران از قرن چهارم تا زمان حال را ارائه می‌دهد.

به‌عنوان مثال، در قرن چهارم یعنی در سال 391، یکی از رهبران مسیحی به‌نام یوحنا ی زرین‌دهان چنین نوشته است: "تعالیم مسیح به زبانهای سریانیها، مصریها، هندیها، پارسیها، و حبشیها ترجمه شده است." همچنین در اوائل قرن پنجم، مزامیر 94-99 و مزامیر 119-136 از سریانی به فارسی میانه به خط پهلوی ترجمه شده است.

مقاله دکتر تامس فهرستی مبسوط از ترجمه‌های مختلف را که در طول قرون تهیه شده، ارائه می‌دهد. برای مثال، در سال 1811، عهدجدید توسط هنری مارتین، کشیش کمپانی هند شرقی، به کمک میرزا سید علی خان شیرازی ترجمه شد و از سوی انجمن کتاب مقدس روسیه در سال 1814 در سنت پترزبورگ انتشار یافت.

در حال حاضر، ترجمه‌های زیر در ایران مورد استفاده می‌باشند:

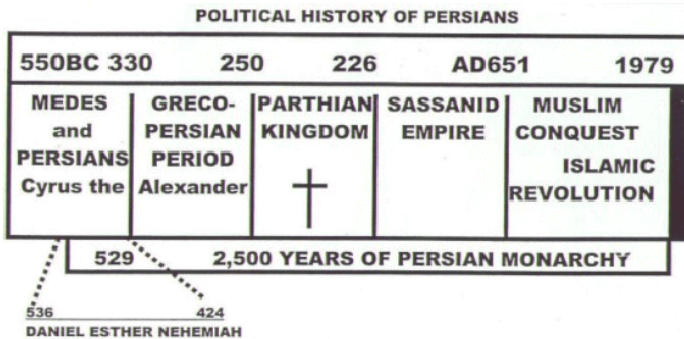
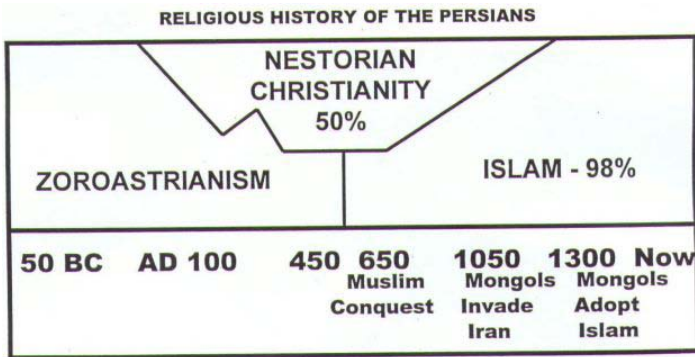
1 - ترجمه قدیمی فارسی که از عبری و یونانی ترجمه شده بود، در سال 1895 از سوی انجمن کتاب مقدس بریتانیا و خارج منتشر گردید. اخیراً در سال 1996، مؤسسه ایلام چاپ جدیدی از همین ترجمه را با حروفچینی جدید منتشر

نموده است. در این چاپ، اشکالات قدیمی نظیر استفاده از حرف ك بجای گ اصلاح شده است. در آن، علائم نقطه‌گذاری، عناوین بخشها، و ارجاعات آیه‌ها نیز گنجانده شده است.

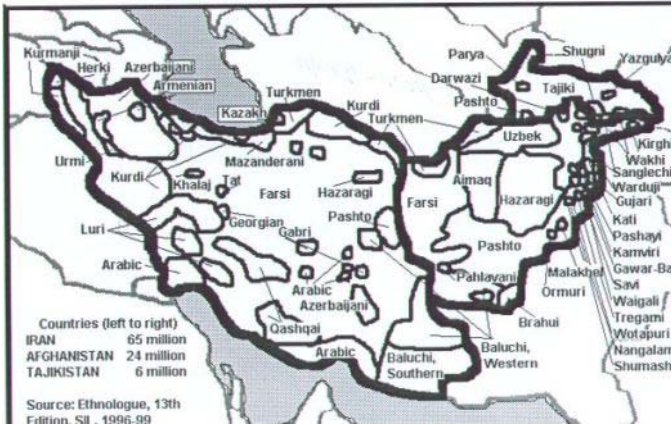
2 - در سال 1976، ترجمه "مژده برای عصر جدید" از متن یونانی به فارسی ترجمه شد. این ترجمه از سوی انجمن کتاب‌مقدس ایران انتشار یافت.

3 - با استفاده از نسخ یونانی و عبری، در سال 1979 ترجمه تفسیری عهدجدید، و در سال 1995، ترجمه تفسیری تمام کتاب‌مقدس از سوی انجمن بین‌المللی کتاب‌مقدس منتشر شد.

در حال حاضر، چندین طرح ترجمه در شرف انجام است تا ترجمه‌های روشن و دقیق و امروزی تهیه گردد.



PERSIAN PEOPLE GROUPS 2001



آزار در راه مسیح در ایران: گذشته و حال

جفا- آزار فیزیکی، نه، این برای من نیست! بااینحال این آیه را بخوانید: "زیرا که به شما عطا شد بهخاطر مسیح، نه فقط ایمان آوردن به او، بلکه زحمت کشیدن هم برای او" (فیلیپیان 1: 29). رنج و زحمت برای کلیسای فارسی‌زبان در ایران، بخشی از زندگی عادی روحانی ایمانداران می‌باشد. درست است که آنانی که در دنیای غرب زندگی می‌کنند، ممکن است گاه بخاطر ایمانشان با الفاظ مورد آزار قرار گیرند، این در مقابل زحمات لفظی و فیزیکی و حتی شهادت که ایمانداران در سایر نقاط جهان متحمل می‌شوند، هیچ است.

الف) این است شهادت کتاب مقدس!

عیسی در خوشبحال‌ها فرمود: "خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند و بخاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که به همینطور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند" (متی 5: 11-12).

عبرانیان فصل 11، به فصل ایمان مشهور است و می‌گوید که هابیل و خنوخ و نوح و ابراهیم و موسی و سایرین، به‌هنگام خدمت به خدا و وقتی که او ایشان را رهایی می‌داد، شاهد معجزات او بودند. اما آیا تابحال به دنباله فصل که از آیه 35 آغاز می‌شود، توجه کرده بودید؟ می‌فرماید: "لکن دیگران معذب شدند و خلاصی را قبول نکردند تا به قیامت نیکوتر برسند. و دیگران از استهزاها و تازیانه‌ها، بلکه از بندها و

زندان آزموده شدند. سنگسار گردیدند و با آره دوپاره گشتند. تجربه کرده شدند و به شمشیر مقتول گشتند. در پوسته‌های گوسفندان و بزها محتاج و مظلوم و ذلیل و آواره شدند. آنانی که جهان لایق ایشان نبود، در صحراها و کوهها و مغاره‌ها و شکافه‌های پراکنده گشتند" (عبرانیان 11: 35-38).

چرا خدا اجازه می‌دهد چنین آزارهایی صورت گیرد؟ کلیسایی زنده همچون کلیسای ایران اغلب به‌واسطه آزارهای سخت پاک شده است. آنگاه که مسیحیان تا به سر حد شهادت زحمت می‌بینند، خدا از این امر استفاده کرده، دیگران را بسوی نور خود رهنمون می‌شود. افرادی در عهدعتیق که به شهادت رسیدند، شامل هابیل (پیدایش 4: 8) و زکریا (دوم تواریخ 20: 22، متی 23: 35) می‌گردد. اگر به عهدجدید بنگریم، سنگسار شدن استیفان را می‌بینیم (اعمال 7: 57-60). پطرس به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز به‌دست فرشته از زندان رهایی یافت (اعمال فصل 12). اما در همان فصل، یعقوب برادر یوحنا را می‌بینیم که به‌دست هیروودیس پادشاه به‌قتل می‌رسد. اراده خدا در مورد هر دو آنان جامه عمل پوشید. مکاشفه 7: 9-14 می‌فرماید که انبوهی از مردم از هر ملت و قبیله و نژاد و زبان از مصیبتی عظیم بیرون می‌آمدند و جامه‌های سفید خود را با خون بره شستشو نموده بودند.

ب) آزار بر ایمانداران ایرانی در کلیسای اولیه

رابین واترفیلد در کتابش به‌نام "مسیحیان در ایران" در صفحات 19 و 21 نمونه‌های زحمات و جفاهای ایرانیان در طول سده‌های نخستین ارائه می‌دهد.

"در سال 340، شاپور، پادشاه ایران، به اطلاع رهبران کلیسا رساند که باید مالیاتی از مسیحیان جمع‌آوری کنند و آن را به دولت بپردازند." چون شمعون، رهبر مسیحیت از این کار سر باز زد، "او را به دربار احضار کردند و فرصت دیگری دادند تا این وظیفه را قبول کند. او باز از این کار خودداری کرد و گفت: 'من مأمور جمع‌آوری مالیات نیستم، بلکه شبان‌گله خداوندم.' در روز جمعه‌الصلیب روز 17 آوریل 341 میلادی، او به‌همراه یکصد مسیحی دیگر، از جمله تعداد زیادی کشیش و

راهب و راهبه، به قتل رسیدند. دوره طولانی شهادت در کلیسای ایران آغاز گشت. این شهادت‌ها حدود چهل سال طول کشید و به‌ندرت دوره‌های آرامش روی می‌نمود و مسیحیان از زحمات را در نهایت بردباری متحمل شدند."

واترفیلد می‌نویسد که در سال 440، در دوره سلطنت یزدگرد دوم، "در روزهای 24 و 25 اوت سال 446 میلادی، مسیحیان از ایالات مختلف، شامل اسقفان و کشیشان برجسته، و بسیاری از اعضای خانواده‌های متشخص را در کرکه (کرکوک امروزی) گرد آوردند و به قتل رساندند. آنگونه که زنی مسیحی به‌نام شیرین و دو پسرش به استقبال مرگ شتافتند، چنان بر مأمور اجرای حکم اثر گذاشت که او نیز معترف به ایمان مسیحی گردید و خودش نیز در 25 سپتامبر به صلیب کشیده شد. سال بعد، شاهد اعدام شهید مشهور، پتیون، می‌باشیم که در مناطق غربی ایران، مبشر برجسته‌ای بود. او در میان خانواده‌های منتفخ منطقه پیروان بسیاری داشت، از جمله یکی از نظامیان برجسته و رئیس پلیس شاهین. مآلاً او را به زندان انداختند و پس از چند روز شکنجه، گردن زدند و سرش را بر سر راه شاهی در نزدیکی خلوان به نمایش گذاردند. این جفاها به یهودیان و ارمنیان نیز سرایت کرد و صدمات چنان سخت شد که مسیحیان هنوز نیز آن را به‌یاد می‌آورند. جامعه مسیحیت کرکوک هنوز نیز سال به سال گرد می‌آیند تا یاد ایمان و دلیری گذشتگان شهید خود را گرامی بدارند."

ج) آیا مسیحیان ایرانی امروز نیز تحت آزار هستند؟

متأسفانه آزار و جفا شدید و سخت است. برخی از رهبران کلیسا در ایران بخاطر ایمان خود به عیسی مسیح به شهادت رسیده‌اند. کشیش حسین سودمند، شبان کلیسای جماعت ربانی در مشهد، مورد شکنجه و آزار قرار گرفت و در روز سوم دسامبر سال 1990 به‌مدار آویخته شد. اسقف هایک هوسپیان‌مهر، ناظر شورای کلیساهای جماعت ربانی و نخستین رئیس شورای کلیساهای پروتستان در ایران، در روز 19 ژانویه 1994، درست چند روز پس از دفاع از ایمانداری

به‌نام مهدی دیباج، ناپدید شد، و پیکرش چند هفته بعد پیدا شد. پسر اسقف دهقانی از کلیسای انگلیکن نیز به قتل رسید. طاهره‌س میکائیلیان، رئیس اسبق انجمن کتاب‌مقدس ایران و رئیس بعدی شورای کلیساهای پروتستان نیز در تاریخ 29 ژوئن 1994 ناپدید گشت. پیکر او نیز چند روز بعد پیدا شد.

اگر مایلید اطلاعات بیشتری در این زمینه شهادی مسیحیان ایران بدست آورید، می‌توانید به کتاب "تاریخ کلیسای مسیح" نوشته خانم پاکیزگی، یا به سایت www.farsinet.com/dibaj مراجعه بفرمایید. انجمنهای زیر نیز می‌توانند اطلاعات مبسوطی در اختیارتان قرار دهند:

Voice of Martyrs
PO Box 443
Bartlesville, OK 74005, USA.
Phone: +1-918- 337 80 15
Web: www.persecution.com

World Evangelical Defender
PO Box WEF
Wheaton, IL 60189, USA
Phone: +1-630 668 0440
Web: www.worldevangelical.org

Compass Direct News Services
PO Box 27250
Santa, CA 92799 USA
Phone: 949-752-6536
Web: www.compassdirect.org

د) شهادت‌نامه مهدی دیباج

مهدی دیباج، مبشر ایرانی نیز در سال 1994 به شهادت رسید. من و خانواده‌ام او و همسرش را شخصاً می‌شناختیم.

ایشان شب اول ماه غسل خود را در خانه ما گذراندند. بعدها از ما دعوت کردند که به دیدارشان در شمال ایران برویم و به ایشان درس کتاب مقدس بدهیم. البته این دیباج بود که می‌بایست به من درس بدهد چرا که او عشقی عمیق به خداوند عیسی مسیح داشت و از دانشی عمیق از کتاب مقدس برخوردار بود.

آیا دوست دارید در يك سلول انفرادي 1 متر در 1 متر در حبس باشید؟ در سال 1985، اتهامی کاذب بر دیباج وارد آمد و او مدت 8 سال در زندان بسر برد، که 3 سال آن در چنین سلول انفرادي بود. جرم او ارتداد بود، یعنی ترک دین اسلام و گرویدن به مسیحیت. شما چگونه مسیحی‌وار زندگی می‌کنید؟ آیا دلایل کافی وجود دارد که شما را متهم به مسیحی بودن بکند؟ مهدی در جلسه دادگاه خود در ساری، در 3 دسامبر 1993، وکیل مدافع خودش بود. در اینجا بخشهایی از دفاعیه مسیحی پرافتخار او را نقل می‌کنیم:

"من متهم به ارتداد شده‌ام. خدای نادیده که دل‌های ما را می‌بیند، به ما مسیحیان این اطمینان را داده است که ما از مرتدان نیستیم تا هلاک شویم، بلکه از ایمانداران تا جان خود را دریابیم. طبق شرع اسلام، مرتد کسی است که به خدا و انبیا و روز قیامت اعتقاد نداشته باشد. ما مسیحیان به هر سه اعتقاد داریم!

"می‌گویند: 'تو مسلمان بودی و مسیحی شده‌ای.' اینطور نیست. سالها بود که من دینی نداشتم. پس از سالها جستجو و تحقیق، دعوت خدا را پذیرفتم و به خداوند عیسی مسیح ایمان آوردم تا حیات جاوید را بدست آورم. مذهب را انسان انتخاب می‌کند اما شخص مسیحی را خدا انتخاب می‌کند. او فرموده: 'شما مرا برگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم...'

"محبت عیسی مسیح تمام وجود مرا پر ساخته و من گرمای محبت او را در تمام بخش‌های وجودم احساس می‌کنم. خدا که جلال و افتخار و محافظ منست، مُهر تأیید خود را به واسطه برکات بیدریغ و معجزات خود بر من نهاده است.

"این آزمایش ایمان، نمونه‌ای است بسیار روشن. خدای نیک و مهربان تمامی آنانی را که دوست می‌دارد، ملامت و تنبیه

می‌کند. او ایشان را می‌آزماید تا برای آسمان آماده باشند. خدای دانیال که دوستان او را در کوره آتش مورد محافظت قرار داد، مرا در این مدت نه سال در زندان حفظ کرده است. و تمامی رویدادهای بد به خیریت و نفع ما تبدیل شده است، طوری که مالامال از شادی و سپاسگزاری هستم."

آری، مهدی دیباج متهم به ارتداد شد و از سوی دادگاه محکوم به اعدام گردید. اما افکار عمومی جهان در مورد عفو او سبب شد که حکمش موقتاً به تأخیر بیفتد. او را پس از تهدید، آزاد کردند. اما شش ماه بعد، دیباج ناپدید گشت و پیکرش را چند روز بعد پیدا کردند. عکس و نیز شهادت کامل او به انگلیسی و فارسی، و همچنین شهادت شفاهی که پس از آزادی موقتش از زندان بیان کرده، در سایت زیر موجود است.

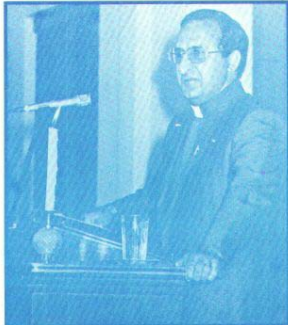
www.farsinet.com/dibaj

In Loving Memory
February 12, 1994

Bishop Haik Hovsepian

اسقف هايك هوسپيان

Հայկ Եպիսկոպոս Յովսէփեան



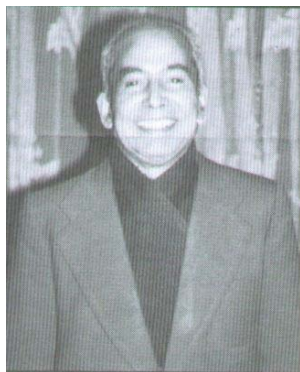
1945-1994

"Greater love has no one than this, that he lay down his life for his friends." John 15:13

«مجتبی بزرگتر از این نیست که کسی جان خود را

فدای دوستان خود کند.» انجیل یوحنا ۱۵:۱۳

«Ոչ ով նրանից անելի մեծ սէր չունի, որ մէկը իր անձը
դնէ իր յարեկամների համար: (Յովհաննէս 15:13)»



Mehdi Dibaj

ه) کاربرد شخصی

خواننده عزیز، "آیا مایلید کاملاً تسلیم عیسی مسیح بشوید؟" شاید سؤال مهمتر از آن، این باشد که "آیا مایلید برای خداوند عیسی زندگی کنید، آن هم در دنیایی متخاصم و شریر، و علناً محبت خود را نسبت به عیسی مسیح اعلام دارید و او را به هر قیمتی که شده، خدمت کنید؟"

بعضی ممکن است بپرسند: "چرا مردم اصلاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، وقتی که می‌دانند ممکن است از خانواده طرد شوند و از سوی دولت خائن تلقی گردند، و تحت پیگرد مقامات مذهبی قرار گیرند و مورد اذیت و آزار واقع شده، و حتی کشته شوند؟" من پاسخ را از تجربه زیر آموختم.

در يك کنفرانس ایرانی کتاب مقدس در نزدیکی تورونتو در سال 1996، با يك ایرانی صحبت کردم که از ایران به پاکستان گریخته و مسیح را به‌عنوان یگانه راه نجات پذیرفته بود، و بعداً به کانادا مهاجرت کرده بود. این شخص در راه ایمانش زحمات بسیار دیده بود و می‌خواست علتش را به من نشان دهد. او به جمله‌ای از کتاب جان پاپیر به‌نام "ملت‌ها شادی کنند" اشاره کرد و گفت: "شما نمی‌توانید ارزش يك شخص را با شادی بخاطر هدایاش نشان دهید. ناسپاسی قطعاً ثابت می‌کند که دهنده هدایا مورد محبت نیست. اما سپاسگزاری و قدردانی نیز به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که دهنده هدایا ارزشمند است. آنچه ثابت می‌کند که دهنده هدایا ارزشمند است، آمادگی عمیق قلبی برای واگذاشتن همه هدایا نزد خود او می‌باشد." برای این ایماندار ایرانی، شناخت شخصی بخشنده هدایا یعنی عیسی مسیح به‌عنوان پسر خدا، و نیز زندگی کردن در حضور مسیح، ارزش همه چیز را داشت، حتی ارزش آزار و اذیت و از دست دادن دوستان، خانواده، وسیله امرار معاش، و وطن. خواننده عزیز، "عیسی مسیح برای شما چقدر ارزش دارد؟"

واکنش مشتاقانه ایرانیان به انجیل در عصر ما

اخیراً نامه‌ای از يك شبان ایرانی از استرالیا دریافت داشتم. می‌گفت که ایرانیان در میان گروه‌های مسلمان که در آنجا زندگی می‌کنند، بیش از همه نسبت به انجیل گشوده هستند و اینکه ده ایرانی مدتی پیش از آن در کلیسای فارسی‌زبان او تعمید یافته‌اند. این شبان در سال 1990 در ترکیه، در دوره پناهندگی‌اش، به مسیح ایمان آورد. استقبال ایرانیان از مسیحیت امری از جهانی. در سایت www.farsinet.com فهرست بیش از 50 مشارکت فارسی‌زبان با 20 گروه مختلف در کالیفرنیا ذکر شده است و 16 گروه دیگر نیز در سایر ایالات آمریکا و بسیاری دیگر در کانادا و اروپا و استرالیا و چند گروه نیز در سایر کشورها.

رویدادهای مختلفی گواه بر این است که خدا چگونه در میان ایرانیان کار می‌کند. یکی از اینها را که در واشینگتن دی.سی. رخ داده، ذکر می‌کنم. خادمی که در میان ایرانیان این شهر خدمت می‌کند، در روزنامه خبری را خواند که می‌گفت چطور يك زن ایرانی در تصادف اتومبیل مجروح شده و دخترش را نیز طی آن از دست داده است. این خادم گرچه هیچ تماسی با آن خانم نداشت، با اینحال به اتفاق همسرش دعا کردند تا خدا به‌نحوی این تصادف را برای جلال خودش به‌کار گیرد. حدود 8 ماه بعد، با کمال تعجب دیدند که این خانم وارد کلیسای فارسی‌زبان شد در حالیکه که کتاب‌مقدسی در دست داشت و ایمان خود را به مسیح اعلان می‌داشت. آن تصادف باعث نومیدی او شده بود و هیچ راهی نیز پیش رو نداشت. در همان زمان، یکی از خویشانش در غرب آمریکا، کتاب‌مقدس را برای او می‌فرستد و می‌گوید که این کتاب یگانه منبعی است که در

آن می‌تواند امید بیاورد. خدا را شکر که از طریق خواندن کتاب‌مقدس، او شخصاً به عیسی مسیح توکل کرد و او را نجات‌دهنده زندگی خود ساخت. خدا او را هدایت کرد که یک برنامه تلویزیونی را که از سوی این کلیسا تهیه می‌شد ببیند، و در آن مشاهده کرد که در همان حوالی ایمانداران ایرانی دیگری نیز هستند. این خانم هنوز نیز به مسیح وفادار است.

یک دوست میسیونر که در پاییز سال 2000 به اروپا رفته بود، می‌خواست برادر یک ایماندار ایرانی مقیم آمریکا را ببیند که می‌دانست به مسیح ایمان آورده است. او با کمال تعجب دید که شخص مورد نظر همراه یک ایرانی دیگری است که همراه همسرش به مسیح ایمان آورده‌اند. این زن و شوهر از طریق تماس تلفنی با یک خانم ایماندار مقیم کانادا ایمان آورده بودند. این زوج نیز از طریق تلفن شاگردسازی شده بودند. این آقا که صاحب یک فروشگاه مواد غذایی ایرانی و صنایع دستی است، به مشتریانی که مایل باشند، جزواتی از کتاب‌مقدس اهداء می‌کند. این میسیونر و سایرین، با آن زوج دور یک میز نشستند و سرودهایی به زبان فارسی خواندند که آنان هرگز نشنیده بودند. اشکهای شادی از چشمانشان سرازیر شد و ایشان نیز در خواندن این سرودها شریک شدند. خدا قطعاً در میان ایرانیان کار می‌کند!

انجمن بین‌المللی ایرانیان مسیحی که هدفش خدمت به پناهجویان ایرانی است و از امور ایرانیان آگاهی دارد، تخمین می‌زند که پیش از انقلاب اسلامی سال 1978، احتمالاً حدود 200 تا 300 ایرانی مسیحی از زمینه اسلام وجود داشت. (Iranian Christians International)

حال به رشد حیرت‌انگیز این رقم توجه کنید!

سال	تعداد ایمانداران از زمینه اسلام
1978	200-300 نفر
1990	8.000 نفر
1994	18.000 نفر
1999	27.500 نفر
2003	30.000 نفر
2006	77.000 نفر

فقط خدا می‌داند که تعداد دقیق مسیحیان ایرانی که قبلاً مسلمان بودند چقدر می‌باشد. تعداد زیادی از این ایمانداران در

کلیساهای خانگی مخفی در ایران هستند. همچنین تعدادی دیگر آنها تنها هستند.

این تعداد شامل ایمانداران ایرانی مقیم ایران و نیز مقیم خارج از کشور می‌باشد. به علاوه، اگر شمار ایمانداران دارای تولد تازه از سایر اقلیت‌های قومی نظیر ارمنیها و آسوریان را به اینها بیفزاییم، ارقام فوق را باید دو برابر کرد. اما این فقط آغاز کار خدا در میان 67.702.000 ایرانی طبق سرشماری سال 2000، و تعداد 3.912.500 ایرانی پراکنده در سراسر جهان می‌باشد (برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود. فصل 18).

تذکر: گروه‌های مختلف قومی و تعداد آنان که در فهرست زیر آمده، تخمینی تقریبی است و منابع دیگر ممکن است آنها را بگونه‌ای متفاوت عرضه نمایند. برای مثال، "دائرةالمعارف مسیحیت جهانی" از انتشارات آکسفورد، 2001، تعداد گروه‌های را بطور متفاوت ثبت کرده و همچنین گروه‌های زبانی دیگری را نام برده و بعضی از آنها را در هم ادغام کرده است. اما آنچه که واقعاً مهم است، این است که این مردم از گروه‌های مختلف نیاز دارند که بشارت عیسی مسیح را به زبان خودشان بشنوند.

برنامه‌های رادیویی مسیحی از محل‌های مختلف برای ایران پخش می‌شوند. نامه‌های شنوندگان این برنامه‌ها اغلب بدست مسؤولین رادیو نمی‌رسد، زیرا نامه‌های ایشان تحت سانسور قرار گرفته، از بین می‌رود. بااینحال، علاقه‌ای که خصوصاً جوانان به این برنامه‌های رادیویی نشان می‌دهند، تکان‌دهنده است! همچنین، آموزشگاه‌های کتاب مقدس و امکانات دیگری برای ایرانیان در خارج از کشور وجود دارد تا ایشان تعلیم لازم را ببینند.

اما هنوز کارهای بسیاری وجود دارد که باید انجام داد! بعضی‌ها تصور می‌کنند که ایران فقط متشکل از یک گروه قومی است، یعنی ایرانیان فارسی‌زبان. این درست نیست. فارسی زبان تحصیلی ایران است، اما در ایران گروه‌های قومی مختلفی در ایران وجود دارد.

در فهرست بعدی گروه‌های قومی که جمعیتشان بیش از سیصد هزار نفر است. طبق برآورد سال 2008 مذکور آمده است:
<http://www.joshuaproject.net/countries.php>

نام	جمعیت	کتاب مقدس	فیلم عیسی	رادیو تلویزیون
آذربایجانی	13.953.000	قسمتی از کتاب مقدس	نه	نه
مازندرانی	3.854.000	نه	نه	نه
گیلکی	3.851.000	قسمتی از کتاب مقدس	آری	نه
کردهای جنوبی، سورانی	3.219.000	قسمتی از کتاب مقدس	آری	نه
ترکمن	2.222.000	قسمتی از کتاب مقدس	آری	آری
دری	2.162.000	عهد جدید	آری	آری
قشقایی	1.666.000	قسمتی از کتاب مقدس	نه	نه
لری شمالی	1.594.000	قسمتی از کتاب مقدس	آری	نه
کولی دومیاری	1.436.000	نه	نه	نه
عربهای ایران	1.316.000	آری	آری	آری
بختیاری	1063.000	نه	آری	نه
لاکی	1.054.000	نه	نه	نه
لری جنوبی	869.000	نه	نه	نه
ترکهای خراسانی	804.000	نه	نه	نه
بلوچهای غربی	639.000	عهد جدید	آری	نه
کردهای مرکزی	478.000	نه	نه	نه
بلوچهای جنوبی	430.000	قسمتی از کتاب مقدس	آری	آری
کردهای شمالی، کرمانجی	422.000	قسمتی از کتاب مقدس	نه	نه
پارسها	354.000	نه	نه	نه
تاکستانی	340.000	نه	نه	نه
هزارمگی	334.000	نه	آری	آری
افشاری	322.000	نه	نه	نه

همه مردم در نظر خدا ارزشمندند، حتی يك نفر هم. بخاطر كمبود جا، از ساير گروههاي قومي كه جمعيتشان كمتر از سيصد هزار نفر است، فقط نام مي‌برم: فارسهاي افغاني، افشاري، آيماق جمشيددي، آيماق تيموري، كوليهاي روم بالكان، بلوچهاي غربي، براهوي، كوليهاي دم، گيلكي، گورانهاي گوجراتي، هزاره‌اي، هركي، قاراقالپاك، كارينگاني، تركهاي خراساني، پارسي، پشتونهاي غربي، پنجابي، شيككي، تاجيك، طالشي، تاتهاي مسلمان، اردو زبانان، و وافي. چه كسي بايد به فكر شرايط روحاني ايشان باشد؟

تذکر: کتاب مقدس، فيلم عيسي، و 18 ساعت برنامه هفتگي راديو به زبان فارسي موجود است. براي اكثر مردم ايران، فارسي زبان دومشان است كه به آن تحصيل كرده‌اند، اما آنچه با قلب و روحشان صحبت مي‌كند، زبان مادريشان مي‌باشد. تلاشهايي در حال انجام است تا كتاب مقدس و فيلم عيسي به بسياري از اين زبانها ترجمه شود و همچنين برنامه‌هاي راديويي براي اين مردمان تهيه گردد.

ذیلاً نامه‌اي را محض نمونه از ميان هزاران نامه شنوندگان برنامه‌هاي راديويي نقل قول مي‌كنيم:

"سلام‌هاي گرم و صادقانه مرا بپذيريد. اميدوارم كه روز بازگشت يگانه نجات‌دهنده اين دنيايي شرارت‌بار، يعني خداوند عيسي مسيح هر چه زودتر فرا برسد. آرزويم اين است كه بتوانم همه شما را كه مرا در رشد ايمانم كمك كرديد، ببينم. نامه شما و پاسخ سؤالاتم را دريافت كردم. نمي‌دانيد كه چقدر خوشحال شدم. خدا را براي وجودتان شكر مي‌كنم... با راهنمائيهاي شما، من در طريق رستگاري قدم بر مي‌دارم و اميدوارم رابطه‌مان هميشه ادامه بيايد."

من به دوستان ايراني‌ام شوخي‌كنان مي‌گويم: "به كسي كه به دو زبان صحبت مي‌كند، چه مي‌گويند؟" در جواب مي‌گويند: "فلان شخص دو زبانه است." بعد مي‌پرسم: "به كسي كه به سه زبان صحبت مي‌كند، چه مي‌گويند؟" دوستان پس از اندكي تفكر مي‌گويند: "طرف سه‌زبانه است." بعد مي‌پرسم: "اگر كسي فقط يك زبان بلد باشد، به او چه مي‌گويند؟" طرف يا مي‌گويد

تلكزبانہ يا مي گويد نمي دانم. من در جواب مي گويم كه طرف
حتماً آمريكايي است!

حتماً همه مي خندند چرا كه در آمريكا اكثر مردم فكر
مي كنند كه انگليسي تنها زباني است كه انسان بايد بداند. فقط
كساني كه از كشورهاي ديگر آمده اند، دو يا سه يا چهار يا پنج
زبان مي دانند و همه را هم بخوبي صحبت مي كنند. اين امكان
وجود دارد كه انسان بشارت عيسي را به زباني به غير از زبان
مادري خود بشنود و عيسي را به عنوان يگانه راه رستگاري
بپذيرد. اما معمولاً زبان مادري زبان احساسات و درك روحاني
انسان است. آيا نبايد هر شخصي در دنيا، خاصه در ايران، اين
امكان را داشته باشد كه بشارت عيسي را به زبان مادري خود
بشنود؟ شايد خدا بتواند از آگاهي شما از زبانهاي ديگر علاوه
بر فارسي استفاده كند تا در مورد خداوند عيسي مسيح شهادت
دهيد.

خواننده گرامي، از شما دعوت مي كنم تا از خدا بخواهيد كه
بار يكي از اين گروهها را در قلب شما قرار دهد. به سايتي كه
در اين فصل ارائه داديم مراجعه كنيد يا از دوستي بخواهيد كه
اين كار را براي تان انجام دهد. در آنجا مي توانيد عكسي از مردم
اين گروه و درخواستهاي دعا و اطلاعات بيشتري دريافت
داريد. آنگاه براي نجاتشان بطور مرتب دعا كنيد. شايد بعدها
اشخاص و كليساها و حتي ميسيونرهابي را ببابيد كه براي
همين گروه قومي در قلب خود بار دارند.

چگونه می‌توانم به دوستان ایرانی‌ام شهادت دهم؟

مطمئن نبودم که این فصل را در ترجمه فارسی این کتاب قرار دهم یا نه. اما از آنجا که بسیاری از شما دوستان انگلیسی‌زبان دارند که ایرانیان را دوست می‌دارند و مایلند به ایشان شهادت دهند، بر آن شدم تا این فصل را باقی بگذارم. می‌توانید به سایت www.farsinet.com/persiansinbible بروید و متن انگلیسی این کتاب را برای دوست انگلیسی‌زبان خود کپی کنید یا می‌توانید مستقیماً برای من به نشانی allyn@gmail.com ایمیل بفرستید و بخواهید تا این فصل یا تمام کتاب را برایتان به انگلیسی بفرستم. خوشحال خواهد شد که این کار را برایتان از طریق اینترنت یا بوسیله پست انجام دهم.

شهادت دادن به مردمی از فرهنگ دیگر در مورد مسیح، مشکلاتی دارد که یکی از آنها مسأله زبان است. دوست ایرانی شما ممکن است انگلیسی صحبت کند، اما آیا می‌تواند براحتی انگلیسی بخواند؟ خوشبختانه کتاب‌های مسیحی و ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس به فارسی منتشر شده است. (توجه: ایرانیها زبان خود را فارسی می‌نامند، اما ما در زبان انگلیسی آن را Persian می‌خوانیم.) بعضی از مؤسسات هستند که این نشریات را می‌فروشند و آنها می‌توانند منابع خوبی برای شهادت به دوستان ایرانی‌تان باشند. در ذیل پاسخ برخی از سؤالاتی که ممکن است داشته باشید، همراه با اطلاعاتی در مورد مؤسسات فوق عرضه می‌شود.

الف- از کجا می‌توانم مطالب و نشریات مناسب به زبان انگلیسی یا فارسی برای اهدا به يك دوست بیابم؟

الف) مؤسسه Multi-Language Media Inc. به نشانی www.multilanguage.com کتاب‌های مسیحی و کتاب مقدس و جزواتی از کتاب مقدس و چندین نوار ویدئویی از جمله فیلم عیسی را می‌فروشد. بیش از 25 کتاب برای درک اسلام و شهادت دادن به مسلمانان به زبان انگلیسی موجود است. نشریاتی به حدود 45 زبان، از جمله فارسی عرضه می‌شود. ترجمه کتاب مقدس به 90 زبان و فیلم عیسی به 300 زبان موجود است. با مؤسسه زیر می‌توانید از طریق پست عادی نیز تماس بگیرید. نشانی این مؤسسه به این شرح است:

P.O. Box 301
Ephrata, PA 17522, USA
Phone: +1-717-738 0582

ب) انجمن بین‌المللی ایرانیان مسیحی: این انجمن به پناهندگان ایرانی کمک می‌کند تا در سایر کشورها اجازه اقامت بگیرند و اطلاعات دست اولی از جفای مسیحیان و سایر گروه‌ها در ایران در دسترس دارد. نشانی پستی این انجمن به این شرح است:

I.C.I
P.O. Box 25607
Colorado Springs, CO 80936, USA
Phone: +1-719-596-0010.

مؤسسه خدمات جهانی فارسی زبان: فهرستی از کتاب و مطالب مسیحی در اختیار دارد. نشانی ایمیل این مؤسسه به شرح زیر است:

Persian World Outreach Inc.
[Email: Pwo1998@gmail.com](mailto:Pwo1998@gmail.com)
[Web: www.persianwo.org](http://www.persianwo.org)

ج) بعضی از کلیساهای فارسی‌زبان که نامشان در سایت www.farsinet.com آمده، کتاب مقدس یا عهد جدید به فارسی را به رایگان در اختیار علاقمندان قرار می‌دهند. همچنین ترجمه تفسیری کتاب مقدس را می‌توانید در سایت

www.ibs.org/bibles/farsi بیابید و بخشهایی از آن را کپی و چاپ کنید.

د) می‌توانید عهدجدید یا فیلم عیسی یا کتاب‌های مفید مسیحی را به‌عنوان هدیه کریسمس به دوست خود اهدا کنید تا معنای واقعی این رویداد را توضیح درک کنند.

ه) بسیاری از ایرانیان فکر می‌کنند که کتاب‌مقدس کتابی است غربی. اگر مطالبی را که از کتاب "ایرانیان در کتاب‌مقدس" فرا گرفته‌اید با آنان در میان بگذارید، نظیر اطلاعاتی از پادشاهان بزرگشان همچون کورش و داریوش، قطعاً باعث تعجبشان خواهید شد. شاید این کنجکاویشان را جلب کند و مایل شوند این بخش‌های کتاب‌مقدس را که به این پادشاهان ایرانی اشاره می‌کنند، بخوانند.

ب- دوست ایرانی‌خود را به کدام کلیسا ببرم؟

الف) اگر دوست ایرانی‌شما مایل باشد، او را به کلیسای خودتان ببرید. گرچه جلسه ممکن است برای دوستان غیرعادی و متفاوت باشد، اما شاید نحوه پرستش و سرود خواندن و موعظه کلام و شادی و روحیه دوستانه مسیحیان کجکاویشان را جلب کند. پس از جلسه کلیسایی، از او بپرسید که از چه چیزی خوشش آمده است. بپرسید کدام قسمت‌ها را نفهمیده و از چه چیزهایی خوشش نیامده است.

ب) هم‌اکنون 42 مشارکت فارسی‌زبان در ایالات متحده و کانادا هست که اسامی‌شان را می‌توانید در سایت زیر بیابید. اگر در نزدیکی یکی از کلیساهای فارسی‌زبان زندگی می‌کنید، دوستان را به یکی از این جلسات ببرید. او حتماً تعجب خواهد کرد از اینکه ببیند چنین تعدادی از هموطنانش به مسیح روی آورده‌اند. فقط در کالیفرنیا حدود 20 گروه وجود دارد. سایت فوق حاوی نام و نشانی کلیساهای فارسی‌زبان در اروپا، تایلند، کره، استرالیا، و سایر نقاط جهان می‌باشد که ایرانیان به آنها مهاجرت کرده‌اند. www.farsinet.com/icc/

ج) چگونه می‌توانم با اعتقادات ایرانیان مسلمان آشنا

شوم؟

ج) برنامه‌های رادیویی به فارسی در سایت زیر موجود می‌باشد. www.radioneda.com در آگوست 2006 در سایت www.radiomojeh.com برنامه بیست و چهار ساعته بمدت 7 روز برنامه مختلف موجود می‌باشد. برنامه ماهواره‌ای فارسی در دسامبر 2006 هم آماده می‌باشد که شامل موزیک، پیغام، و سایر برنامه‌ها می‌باشد که می‌توانید در سایتهای www.iranchurch.com و www.kalamekhoda.com نگاه کنید.

کتاب‌های مربوط به اسلام را می‌توانید از سایت‌هایی که قبلاً معرفی شد، تهیه کنید. اکثر ایرانیها شیعی مذهب می‌باشند؛ شیعیان در خصوص جانشین پیامبر اسلام با سنی‌ها اختلاف نظر دارند. دوست ایرانی شما ممکن است مسلمانی معتقد باشد، یا مسلمانی صوری که هیچ اطلاعی هم از مذهب خود ندارد. کانون اعتقادات اسلامی استوار است بر انجام کارهای نیک به‌منظور کسب رستگاری از خدا، بجای توکل ساده به خدا که نجات را از طریق عیسی مسیح مهیا کرده است.

د) چگونه به سؤالات دوستم در مورد مسیحیت پاسخ دهم؟

چرا شما سه خدا دارید؟ چطور ممکن است که خدا پسری داشته باشد؟ مگر عیسی فقط يك پیامبر نبود؟ چگونه ممکن است که انسان فقط محض ایمان نجات یابد؟ چطور ممکن است خدا اجازه بدهد که پیامبری مقدس مصلوب شود؟ آیا کتاب آسمانی شما تحریف نشده است؟ آیا قرآن جایگزین آن نگردیده است؟ چرا مسیحیان طی جنگ‌های صلیبی با مسلمانان جنگیدند و آنان را کشتند؟ اورشلیم متعلق به کیست؟ اینها سؤالاتی است که ممکن است از دوست مسلمان خود بشنوید.

سایت www.answering-islam.org منبعی است عالی برای کسب پاسخ به این دست از سؤالاتِ دوستانان. هرگز اجازه ندهید که ارتباطتان تبدیل به بحث و جدل گردد. به یاد داشته باشید که دوست ایرانی شما نیز ممکن است خود را موظف بداند که از اعتقادات اسلامی‌اش دفاع کند. وقتی کنجکاو‌اش تبدیل به اعتراض شد، بهتر است کتاب‌هایی به فارسی یا

انگلیسی در اختیار او قرار دهید یا او را با یکی از سایتها آشنا کنید تا پاسخ خود را در آنها بیابد. شاید با خواندن يك کتاب یا دریافت اطلاعات از يك سایت، نسبت به انجیل حالتی پذیراتر بیابد.

ه) از کجا می‌توانم شهادت ایرانیانی را که مسیحی شده‌اند، بدست آورم؟

الف) پیش از آنکه در خصوص ایرانیانی که به مسیح روی آورده‌اند شهادت دهید، نخست خود را در آینه بنگرید! شهادت شما می‌تواند وسیله‌ای نافذتر باشد برای هدایت دوست ایرانی‌تان بسوی مسیح.

ب) سایت www.farsinet.com/dibaj شهادت‌نامه کتبی مهدی دیباج را دارد. دیباج بخاطر ایمانش به عیسی مسیح، هشت سال در حبس بود و سرانجام در دسامبر 1993 در ساری محاکمه شد. او رسماً محکوم به ارتداد گردید. پس از آنکه توسط دادگاه محکوم شناخته شد، موقتاً آزاد گردید، اما چند ماه بعد به شهادت رسید (به فصل 15 این کتاب مراجعه کنید). چندین نوار کاست از موعظه‌های مهدی دیباج پیش از شهادتش موجود است و آنها را می‌توانید از سایت www.persianwo.org تهیه کنید.

ج) اگر مایلید شهادت‌های زنده ایرانیان مسیحی را بشنوید، دوست خود را به يك کلیسای ایرانی یا يك کنفرانس ایرانی کتاب‌مقدس ببرید. ایمانداران ایرانی با ایمانداران آمریکایی فرق دارند. نیازی نیست که ایشان را مجبور کنید که در مقابل کلیسا یا يك گروه، شهادتی نیم‌دقیقه‌ای در مورد نحوه تجارتشان توسط مسیح بدهند. اکثر ایرانیان به‌هنگام پذیرش عیسی مسیح چنان شور و شعفی دارند که نمی‌توانند خود را کنترل کنند. از اینرو، شهادت ایشان ممکن است پانزده یا بیست دقیقه یا حتی بیشتر هم طول بکشد.

و- از کجا می‌توانم سرودهای مسیحی ایرانی پیدا کنم؟

بر خلاف دین اسلام که فاقد سرودهای پرستشی است، مسیحیت ایرانی از انواع موسیقی‌ها و سرودهای عبادتی برخوردار می‌باشد. سایت www.persianwo.org فهرستی از موسیقی و نیز سرودهای مسیحی تدارک دیده که می‌توان از اینترنت کپی کرد. بسیاری از ایرانیان مسیحی هستند که استعداد موسیقی خود را برای خداوند عیسی مسیح به‌کار می‌برند.

ایرانیان امروز در کدام کشورها زندگی می‌کنند؟

بسیار دشوار است که رقم دقیقی از ایرانیانی ارائه دهیم که در خارج از ایران زندگی می‌کنند. عده‌ای از ایشان بطور غیرقانونی در کشورهای مختلف بسر می‌برند و از شمار آنان اطلاعی در دست نیست. بعضی نیز جزو گروه‌های قومی دیگر به حساب آمده‌اند. بالینحال، بهترین آماری را که توانسته‌ام بدست آورم، در اینجا ذکر می‌کنم.

آمار زیر را انجمن بین‌المللی مسیحیان ایرانی منتشر ساخته است:

پراکندگان ایرانی در ایالات متحده (1998)

جمعیت ایرانی	بعضی از ایالت‌های آمریکا
550.000	لوس‌انجلس و کالیفرنیا جنوبی
200.000	منطقه بی و کالیفرنیا شمالی
120.000	منطقه واشینگتن دی.سی (شامل مریلند و ویرجینیا)
100.000	تکزاس
35.000	هوستن
20.000	دالاس
45.000	سایر نقاط تکزاس
80.000	نیویورک و اطراف
20.000	شیکاگو
280.000	مقیم در مناطق دیگر (x)
1.350.000	جمع

ایرانیان مقیم آمریکا به مشاغل صنعتی و اداری مشغولند. در شمال کالیفرنیا، ایرانیان بیشتر در حرفه‌های کامپیوتری مشغول به کارند، و بسیاری در کالیفرنیا جنوبی در امور فروش و مواد مصرفی مشغولند. همچنین بسیاری از ایرانیان دارای مشاغل نظیر وکالت، طبابت، دندانپزشکی، و مهندسی می‌باشند. هیچ آماری بر حسب شغل و پیشه در دست نیست. (x) در این گروه، شهرهایی که دارای جمعیتی ایرانی بالاتر از 4000 نفر می‌باشد، عبارتند از دنور، سیاتل، پورتلند (آرگن)، آتلانتا، دیترویت، و اوکلاهاسیتی.

برآورد جمعیت‌شناختی ایرانیان مقیم ایالات متحده

تقسیم‌بندی ایالات متحده بر حسب نوع ویزا

نوع ویزا	پیش از انقلاب اسلامی	پس از انقلاب اسلامی
دانشجو	75.000	5.000
مهاجرین و خانواده‌هایشان	175.000	1.280.000
پناهنده (x)	(مهاجر و توریست)	50.000
بدون ویزای مشخص		10.000
ویزای توریستی		5.000
جمع	250.000	1.350.000

(x) دادگاه دولتی ایالات متحده سالانه 3000-4000 نفر ایرانی را به‌عنوان پناهنده می‌پذیرد.

تقسیم‌بندی ایالات متحده بر حسب زمینه مذهبی

مذهب	تعداد	درصد از کل
مسیحی	135.000	10
بهایبی	135.000	10
یهودی	(مهاجر و توریست)	5
مسلمان	1.012.500	75
زرتشتی	نامعلوم	نامعلوم

پراگندگان ایرانی در سراسر جهان (1999)

جمعیت	کشور	#	جمعیت	کشور	#
30.000	لبنان	18	20.000	افغانستان	1
6.000	نروژ	19	53.500	استرالیا	2
140.000	پاکستان	20	15.000	اتریش	3
30.000	فیلیپین، کره و ژاپن	21	8.000	بلژیک	4
10.000	آفریقای جنوبی	22	120.000	کانادا	5
15.000	اسپانیا و پرتغال	23	10.000	چین	6
20.000	سوئد	24	5.000	قبرس	7
50.000	سوریه	25	10.000	دانمارک	8
10.000	هلند	26	30.000	اروپای شرقی	9
60.000	دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع	27	2.000	فنلاند	10
800.000	ترکیه	28	62.000	فرانسه	11
350.000	امارات متحده عربی، بحرین، و سایر کشورهای خلیج	29	110.000	آلمان	12
80.000	بریتانیای کبیر	30	20.000	یونان	13
1.350.000	ایالات متحده آمریکا	31	60.000	هندوستان	14
30.000	آمریکای مرکزی و جنوبی و سایر نقاط جهان	32	250.000	عراق	15
			30.000	اسرائیل	16
3.912.500	جمع کل		100.000	کویت	17

گرچه ما دائماً درباره مسیحیان مسلمانزاده صحبت کرده‌ایم، اما پیروان سایر ادیان نیز بوده‌اند که بخاطر آزارهای مذهبی از ایران گریخته‌اند. تعداد تخمینی پراکنندگان ادیان مختلف در اثر آزارهای مذهبی بشرح زیر می‌باشد:

ایرانیان پراکنده به سبب آزارهای مذهبی

آمار جمعیت	مذهب
200.000	بهای‌ها
100.000	ارمنیان (چه مسیحیان ظاهری، چه مؤمنین واقعی)
30.000	آسوریان (چه مسیحیان ظاهری، چه مؤمنین واقعی)
30.000	یهودیان
10.000	زرتشتیان و سایر اقلیت‌های غیرمسلمان
13.000	مسلمانانی که به مسیحیت گرویده‌اند
25.000	مسلمانان سنی، صوفی‌ها، و سایر مسلمانان
408.000 نفر	جمع

اگر تعداد تخمینی 3.912.500 از ایرانیان پراکنده در سال 1999 را با رقم 408.000 مقایسه کنیم، مشاهده می‌کنیم که حدود 10% از ایرانیان مهاجر، به علت آزارهای مذهبی وارده یا ترس از بروز آزار در صورت بازگشت به وطن، از ایران گریخته‌اند.

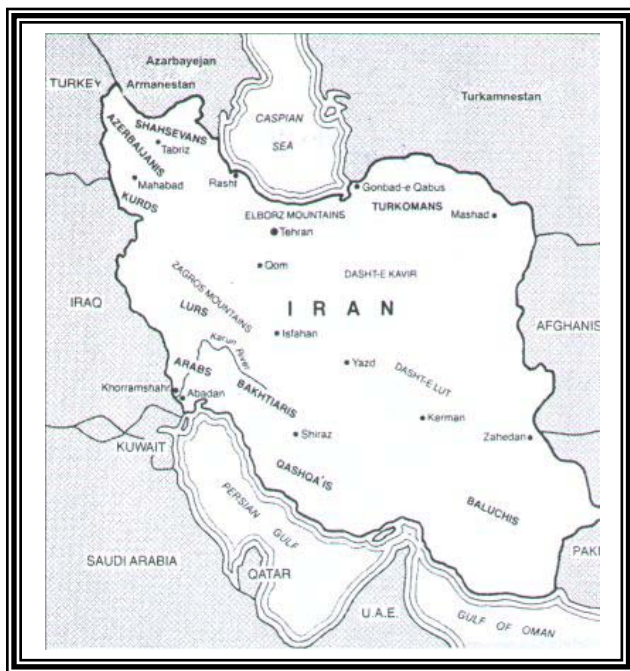
اطلاعات جالب در باره ایران:

بر اساس "دائرةالمعارف مسیحیان جهان" جمعیت ایران در سال 2000، حدود 67.702.000 نفر بوده است. 36% این تعداد را افراد زیر 15 سال تشکیل می‌دهند، و 62% شهرنشین بوده‌اند. نرخ باسوادی برای مردان 78% و برای زنان 65% بوده است. بیش از 2.000.000 پناهنده از سایر کشورها، خصوصاً از افغانستان، در ایران زندگی می‌کنند.

در همین دائرةالمعارف آمده که 96% مردم ایران مسلمانند، 3% زرتشتی، 5/0% بهایی، و 5/0% مسیحی می‌باشند. از تعداد 363.000 مسیحی، 87% ارمنی یا آسوری (عضو کلیسای گریگوری و شرق آشور) بوده و بقیه 47.000 نفر پروتستان و کاتولیک می‌باشند.

شهرهایی که جمعیتشان بیش از 500.000 نفر می‌باشد

شهر	آمار جمعیت
آبادان	643.000
اهواز	1.018.000
باختران (کرمانشاه سابق)	949.000
اصفهان	2.644.000
مشهد	2.378.000
قم	795.000
شیراز	1.113.000
تبریز	1.624.000
تهران	7.380.000



راهنمای معلمین مدرسه یکشنبه و گروههای کوچک

- معلم یا شبان عزیز،
در فصل‌های زیر به اندازه کافی مطالب هست تا بر اساس راهنمایی عرضه‌شده، برنامه‌ای برای سه ماه تدارک ببینید:
- درس 1 - فصل 1 يك سلسله سلطنتي پا به عرصه وجود مي‌گذارد
- درس 2 - فصل 2 دانيال بر سرگشتگي فرهنگي غالب مي‌آيد
- درس 3 - فصل 3 گذر از رويا به تاريخ: پيشگوييهاي دانيال
- درس 4 - فصل 4 دقيق‌ترين كتاب تاريخ دنيا
- درس 5 - فصل 5 دعاهايي نيرومند از پارس
- درس 6 - فصل 6 چگونه پنج پادشاه ايران وارد كتاب مقدس گرديدند؟
- درس 7 - فصل 7 استر ملکه پارسي
- درس 8 - فصل 8 پادشاهان پارس عزرا و نحميا را به اورشليم مي‌فرستند
- درس 9 - فصل 9 چرا عيلام اينقدر مهم مي‌باشد؟
- درس 10 - فصل 10 اثرات گسترده پنطيكاست: ميسيونرهاي ايراني در آسيا
- درس 11 - فصل 11 نقش استراتژيك ايران در نبوت‌هاي مربوط به آينده
- درس 12 - فصل 12 درك رسوم كتاب مقدس به كمك فرهنگ ايراني
- درس 13 - فصل 13 كريسمس از چشم‌انداز فرهنگ ايراني

اگر فكر مي‌كنيد كه مطالب فوق براي يك درس كافي نيست، مي‌توانيد از فصل‌هاي اضافي استفاده كنيد. اگر لازمديد، مي‌توانيد هر يك از فصل‌هاي اضافي را جايگزين

فصل‌هاي فوق نماييد و به شاگردان خود نشان دهيد كه خدا چگونه در ميان ايرانيان كار کرده است و چگونه در زمان حاضر كار مي‌كند. توجه داشته باشيد كه بخش عمده فصل 5 را اختصاص داده‌ام به دعاهاي مختلف براي دنياي فارسي‌زبان.

براي رهبران گروههاي كوچك، موضوعهاي متنوعي براي بحث و تبادل نظر وجود دارد. پيشنهاد من اين است كه نصف مطالب را از فصلهاي 1 تا 13 استفاده كنيد كه محتواي كتاب مقدسي دارد. چندين بحث گروه‌ي‌تان را مي‌توانيد اختصاص دهيد به آنچه كه امروز در ميان ايرانيان روي مي‌دهد و براي اين امر، مي‌توانيد از فصلهاي ديگر استفاده كنيد. حتماً بخشهاي "كاربرد شخصي" و "كاوشي عميقتر" را به‌كار ببريد.

آيه‌هاي كتاب مقدس كه در اين كتاب مورد استفاده قرار گرفته، از ترجمه قديمي فارسي مي‌باشد. اما حتماً از ترجمه‌هاي امروزي نيز در كلاس استفاده كنيد.

دعاي من اين است كه شما و شاگردانتان با درك عميقتر كار خدا از طريق فارسي‌زبانان آنگونه كه در كتاب مقدس آشكار شده، شادي و وجد نماييد. به‌علاوه، اميد من اين است كه تشويق شويد تا با شور و حرارت بيشتري براي كاري كه خدا در آينده خودتان و ايران، و ايرانيان سراسر جهان انجام خواهد داد، دعا كنيد.

سخني از نويسنده كتاب

خواننده عزيز فارسي‌زبان،

به‌هنگام مطالعه اين كتاب و آياتي كه از كتاب مقدس در آن نقل شده، آيا ملاحظه كرديد كه خدا ايرانيان مختلفي را آماده ساخت تا او را شخصاً بشناسند؟ آيا به‌خاطر داريد كه خدا كورش را به‌نام فرا خواند؟ آيا به‌ياد داريد كه چگونه استر در شرايطي غير عادي انتخاب شد تا "براي چنين زماني" به سلطنت برسد؟ آيا به‌خاطر داريد دانيال سازش‌ناپذير را كه چگونه در دل خود قصد نمود تا خود را نجس نسازد، بلكه خدای زنده را خدمت نمايد؟

شما نيز مي‌توانيد خدا را به‌گونه‌اي شخصي بشناسيد. براي يك لحظه، خود را به جاي آن ايرانيان ديندار بگذاريد (پارتيان، ماديان، و عيلاميان) كه پس از مرگ و قيام عيسي در اورشليم بسر مي‌بردند. اعمال 2: 22-23 و 36 مي‌فرمايد كه پطرس ايستاد و به جماعت گفت: "اي مردان اسرانيلي، اين سخنان را بشنويد. عيسي ناصري، مردی كه نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوت و عجايب و آياتي كه خدا در ميان شما از او صادر گردانيد، چنانكه خود مي‌دانيد، اين شخص چون بر حسب اراده مستحكم و پيشداني خدا تسليم شد، شما به دست گناهكاران بر صليب كشيده، كشتيد. پس جميع خاندان اسرانيل يقيناً بدانند كه خدا همين عيسي را كه شما مصلوب كرديد، خداوند و مسيح ساخته است."

سه هزار نفر در آن روز به گناهان خود ملزم شدند و پرسيدند كه چه بايد بكنند تا نجات يابند. آنان اين حقيقت كتاب مقدس را كه در روميان 6: 23 ذكر شده، درك كردند كه مي‌فرمايد: "زيرا كه مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حيات جاوداني در خداوند ما عيسي مسيح." ايشان از عيسي مسيح خواستند تا نجات‌دهنده و خداوندشان گردد. بله، عيسي مصلوب

شد و جریمه گناهان ایشان و ما را پرداخت، و باز زنده شد. ایشان به گفتار پطرس ایمان آوردند و توبه کردند. در آن روز، بسیاری از ایرانیان خدا را به گونه‌ای شخصی شناختند و به‌عنوان مسیحیان برخوردار از تولد تازه، به ایران باز گشتند تا بشارت انجیل را اعلام کنند.

اکنون، پس از گذشت سالها، در این قرن 21، شما نیز می‌توانید این خداوند را بخوانید و از او درخواست نمایید تا گناهانتان را ببخشد و نجات یابید. تنها کاری که برای دریافت آمرزش گناهان و اطمینان از حیات جاودانی باید انجام دهید، این است که از عیسی مسیح سپاسگزاری نمایید، سپاسگزاری برای اینکه برای شما بر روی صلیب مرد و جریمه گناهانتان را پرداخت، و سپس با ایمان او را به‌عنوان نجات‌دهنده خود بپذیرید. آیا این کار کرده‌اید؟ اگر کرده‌اید، پس شما نیز خدا را به گونه‌ای شخصی می‌شناسید. آیا او را به‌عنوان خداوند خود پذیرفته‌اید؟ فراموش نکنید که استر و دانیال و آن ایرانیان مسیحی قرن اول، با خدا رابطه‌ای زنده داشتند. آیا جرأت کرده‌اید که مانند آنان باشید؟

آرزوی من این است که تمام کسانی که این کتاب را می‌خوانند، مانند آن مردمان ایمانداری باشند که در ایران زندگی می‌کردند. اگر مایلید اطلاعات بیشتری در خصوص شناخت شخصی خدا داشته باشید، لطفاً با من با نشانی یا سایتی که در مقدمه آمده است، تماس بگیرید.

الن هانتزینگر

نامهای ایرانی که در کتاب چندین بار استفاده شده

Name	نام
Persia and Persians: 33 times Second Chronicles, Ezra, Esther, Nehemiah, Daniel, and Ezekiel	پارس، فارس، فارسیان، پارسها، و پارتها: 33 بار در دوم تواریخ ایام، عزرا، استر، نحمیا، دانیال، و حزقیال
Cyrus: 19 times in Second Chronicles, Ezra, Esther, Nehemiah, Daniel, Isaiah and Ezekiel	کوروش: 19 بار در دوم تواریخ ایام، عزرا، استر، نحمیا، دانیال، اشعیا، و حزقیال
Darius: 15 times Ezra, Nehemiah, Haggai, and Zechariah another 10 times in Daniel	داریوش: 15 بار در عزرا، نحمیا، حجی، زکریا، 10 بار در دانیال
Ahasureus-Xerxes: 12 times in Daniel Ezra, Esther, and Nehemiah	خشایارشا-اخشورش: 12 بار در دانیال، عزرا، استر، و نحمیا
Artaxerxes: 13 times in Ezra and Nehemiah	ارتخشستا-اردشیر: 13 بار در عزرا و نحمیا
Elam and Elamites: 29 times in Genesis, First Chronicles, Ezra, Nehemiah, Daniel, Isaiah, Jeremiah, Ezekiel	ایلام (ایلام)، ایلام (عیلامیان)، ایلام (عیلامی): 29 بار در پیدایش، اول تواریخ ایام، عزرا، نحمیا، اشعیا، ارمیا، حزقیال و دانیال

and Daniel	
Medes: 14 times, Second Kings, Ezra, Esther, Isaiah, Jeremiah Daniel and Acts	مادی-ماده‌ها-ماد – مادیان: 14 بار در دوم پادشاهان، عزرا، استر، اشعیا، ارمیا، دانیال، و اعمال رسولان
Parthian: 1 time in Acts	پارتها: 1 بار در اعمال رسولان
Esther: (her Jewish name was Hadassah) 54 times in Esther	استر: (نام یهودی او هدسه بود) 54 بار در استر
Shushan (Susa): 49 times in Esther and Daniel	شوشن-(شوش): 49 بار در استر و دانیال
Achmetha (Ecbatana, Hamadan): 1 time in Ezra	احمتا (اکباتان، همدان): 1 بار در عزرا
“wise men from the East”: 1 time in Matthew	“مجوسیان از شرق”: 1 بار در متی

دعا شخصی - Personal Prayer